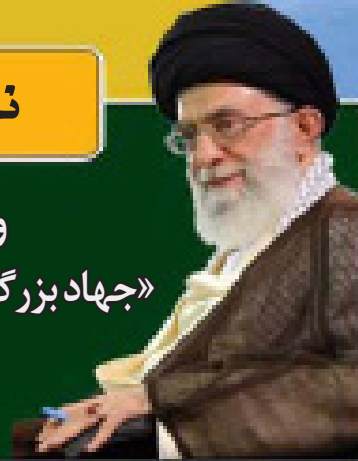


ویژه بیانیه گام دوم انقلاب
«جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ»

مدرسه علمیه معصومیه (س) شیراز
سال نشر: ۱۴۰۰، دوره ۲، شماره ۳



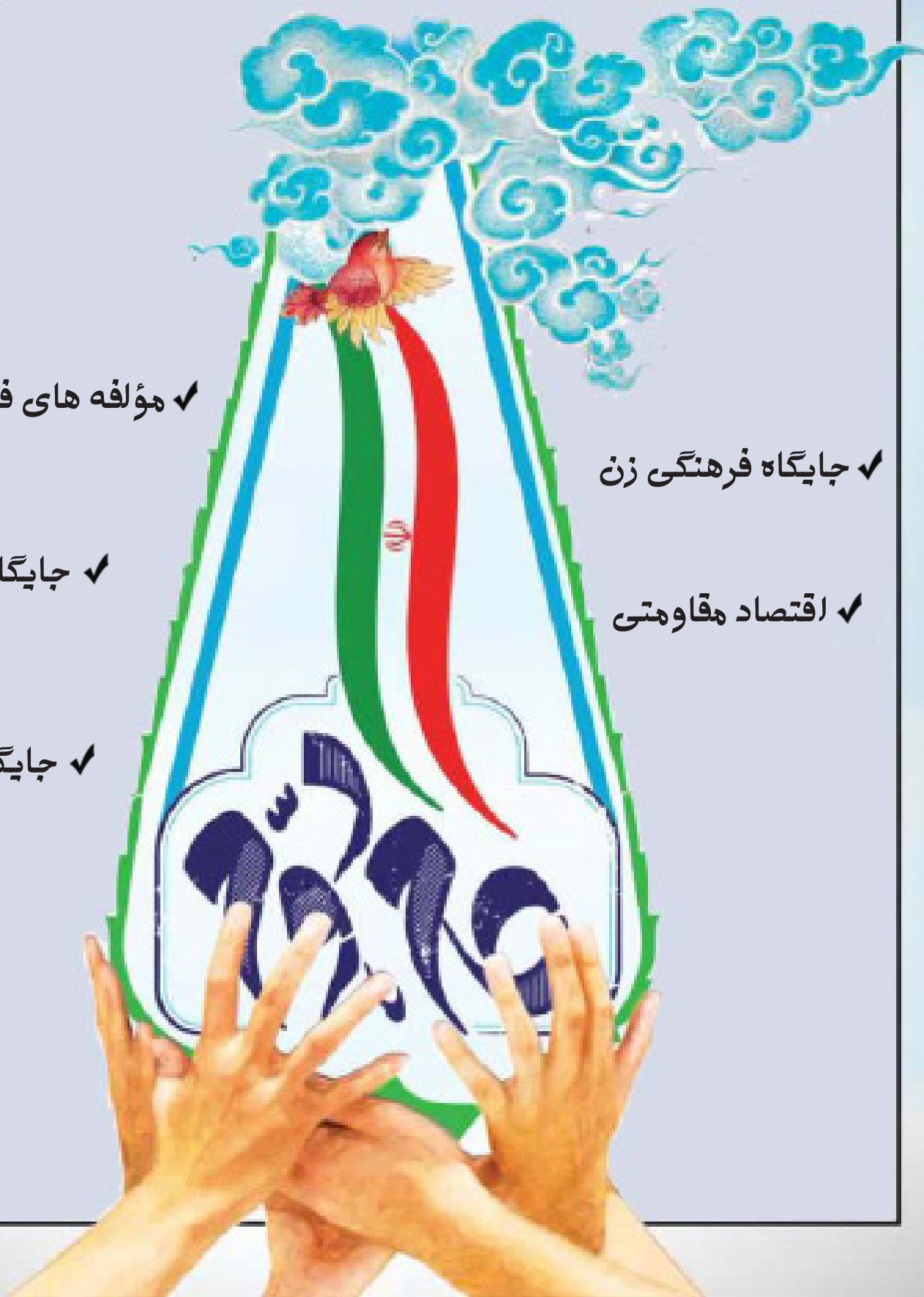
✓ مؤلفه های فقه سیاسی

✓ جایگاه فرهنگی زن

✓ جایگاه اقتصاد

✓ اقتصاد مقاومتی

✓ جایگاه تمدن





بسمه تعالی

با گذشت بیش از چهل سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، دشمنان آن با تمام قوا کمر همت گماشته اند برای نابودی جمهوری اسلامی تا آن را از نطفه خفه کرده و از صحنه روزگار محو کنند اما وجود صاحب الزمان به عنوان صاحب اصلی این انقلاب و نائب بر حق ایشان امام خامنه ای با تمام قدرت و صلابت و تمام قد در مقابل آنها ایستاده اند و تا کنون با تدبیر رهبر انقلاب و حمایت های ملت بزرگ ایران تمام نقشه های آنها نقش بر آب شده است.

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف سالهای گذشته پرداخته و توصیه های اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده اند.

بیانیه ایشان تجدید مطلعی برای ملت می باشد و منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. همانا از جمله مباحثی که مقام معظم رهبری به آن اهتمام داشته و حدود ده سال است که نام سال را به آن اختصاص میدهد بحث اقتصاد و جایگاه ویژه آن در جمهوری اسلامی است.

بنابراین با اهمیت بودن این موضوع طلاب را بر آن داشت که پژوهش ها و مقالات علمی خود را اختصاص به بیانات رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب دهند، خصوصا بحث اقتصاد و موارد جانبی آن و مانع زدایی های موجود در کشور به منظور رفع تمام مشکلات و بی نیازی از دول دیگر من جمله مستکبران عالم است.

همانا مقالات ارزنده و کاربردی بسیاری در این موضوع نگاشته شده است که میتوان به مقاله «جایگاه اقتصاد در تمدن نوین»، «چیستی اقتصاد مقاومتی و سیاست های آن با دیدگاه مقام معظم رهبر»، «مولفه های فقه سیاسی در راستای تبیین بیانیه گام دوم انقلاب» و... اشاره کرد. هر کدام به جنبه ای از موضوع پرداخته است در جهت رفع مشکلات مردم و کشور که ان شاء الله با امید پیروزی انقلاب در تمام عرصه های بین المللی و جهانی خصوصا در عرصه پژوهش و علم آموزی و صادر کننده علم به اقصی نقاط جهان باشد، و به امید استفاده شما سروران و پژوهشگران گرامی از این مقالات با هدف ارتقاء سطح علم در جهت پیشرفت جمهوری اسلامی ایران.

الحمد لله
الذي هدانا لهذا
الذي كنا لنهتدي لہ
لو اننا لم نكن من
الراغبين



شناسنامه نشریه

نام نشریه:

روشنا ۳

مدیر مسئول:

زینب موسوی نژاد

سر دبیر:

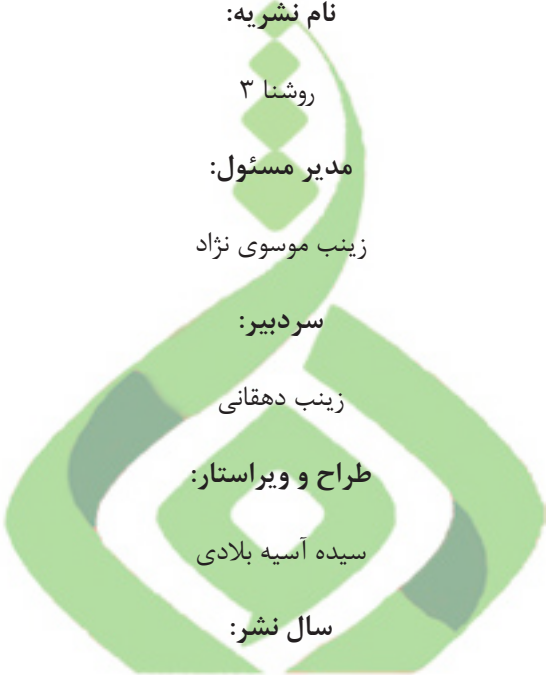
زینب دهقانی

طراح و ویراستار:

سیده آسیه بلادی

سال نشر:

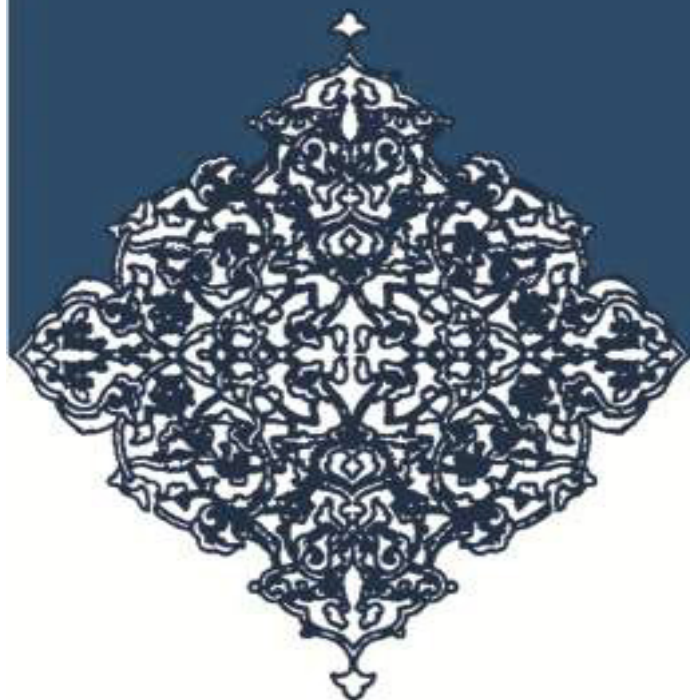
۱۴۰۰، دوره ۲، شماره ۳



آمین نگارش مقالات



- ۱- مقاله شامل چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه، فهرست منابع پایانی باشد.
- ۲- نسخه ورد مقاله با فونت عناوین ۱۴ B TITR فونت متن اصلی ۱۴ B NAZANIN باشد.
- ۳- مقاله همزمان به جایی ارسال نشده باشد.
- ۴- هر شماره موضوع اختصاصی آن دوره را دارا می شود.
- ۵- مقاله تنها از طریق پست الکترونیکی Faslnameroshana@gmail.com ارسال گردد.
- ۶- فصلنامه در پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
- ۷- ارجاعات متن اصلی درون متنی و به صورت فامیل، سال نشر، ج، ص داخل پرانتز گذاشته شود.
مثال: (مطهری، ۱۳۸۸، ص ۳۸)
- ۸- منابع پایانی به گونه ذیل ارجاع داده شود: فامیل، نام کوچک، عنوان کتاب، نوبت چاپ، جلد، محل نشر، انتشارات، سال نشر .



گام دوم انقلاب

فهرست مطالب



- بررسی مولفه های فقه ساسی در راستای تبیین بیانیه گام دوم انقلاب ۸
رضوان زارع جلیانی
- جایگاه اقتصاد در تمدن نوین اسلامی ۲۴
سیده سمیه حسینی
- جایگاه تمدن در استنباط احکام شرعی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ۴۰
کبری معلم
- جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب ۵۴
معصومه امیری
- چیستی اقتصاد مقاومتی و سیاست های آن با دیدگاه مقام معظم رهبری ۷۰
زهرا زینلیان

بررسی مؤلفه های فقه سیاسی در راستای تبیین بیانیه گام دوم انقلاب

رضوان زارع جلیانی

چکیده

از آن جا که برای اداره جامعه بنابر ضرورت احتیاج به حکومت است و حکومت پسندیده در جامعه اسلامی باید اسلامی باشد و حاکم این حکومت ولی فقیه است لذا این حکومت برای اداره جامعه احتیاج به قوانین منظم و مدون دارد. از طرفی دین اسلام احکامی را برای سعادت بشر قرار داده که خود چند دسته بودند از جمله آن ها احکام حکومتی است. احکام حکومتی بنابه مقتضیات و شرایط زمانه تغییر پذیر است و چون به طور مستقیم از سوی شارع این احکام و قواعد مربوط به آن ها بیان نشده مراجع تقلیدی که کارهایی که انجام می دهند فتوا و مشخص کردن احکام حکومتی است. از جمله قوانین احکام و قواعدی که مربوط به اداره حکومت است فقه سیاسی می باشد که خود از نظر قرآن و روایات و عقل جایگاه محکمی دارد و مستدل و مستند است.

کلیدواژه: فقه، فقه سیاسی، حکومت

مقدمه

فقه را فهم و استنباط مقررات عملی اسلام از منابع و مدارک یعنی قرآن سنت، اجماع و عقل تعریف کردند در اسلام فقه شامل: فقه سیاسی، فقه در اقتصاد، فقه در اعتقادات و... می باشد. فقه سیاسی آن است که عملکرد سیاسی و اجتماعی مسلمانان در زمانی که احکام حکومتی هستند بیشتر نمود پیدا می کند زیرا که جایگاه آن حکومت و قوانین اجرایی آن است لذا از نظر جامعیت و سندیت جایگاهش مشخص است و می دانیم که با توجه به عصر زمان تبیین می شود مثلاً دیدگاه فقه در خصوص انتخابات تفکیک قوا، مشروعیت، جایگاه دستگاه اجرایی و... است. فقه سیاسی شرایط، احکام ویژه خود دارد از جمله قدرت، عدالت، فقاقت و از آثار آن ظلم ستیزی است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سیاست:

سیاست صفت نظم و مذکر جمع سیاسی (ابن منظور، ۱۳۰۸ق، ج ۳، ص ۷۸)
سیاست: اقام علی شیء یصلب؛ اقدام شایسته به کاری انجام دادن سیاست به معنای شیوه درست، مدیریت جامعه بشری. (شیخ طبرسی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۷۸) (دهخدا، ۱۹۳۱م، ص ۹۲۶)

فقه الفاء، القاف، الهاء، اصل واحدٌ صحيحٌ. (ابن فارس، ۱۴۲۹، ص ۷۹۴)
هو التوصل إلى علم غائب بعلم شاهد، به معنای فهم و هوشیاری علم و دانش بیشتر به عمل و دانش بینی
اطلاق می شود. بنابراین که فقه یک علم باشد و به علم استنباط احکام شرعی از روی رای و اجتهاد فقه
اطلاق می شود. (طبرانی، المعجم، ۱۴۰۵، ق، ص ۱۵۰۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ص ۶۱۶، ۶۴۲)

۲- مؤلفه های فقه سیاسی

۲-۱- جامعیت

به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت رسانی
مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی
و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک رسانی ها و فعالیت های نیکوکاری
که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشم گیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت رسانی
در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.
ارتقاء شگفت آور بینش سیاسی آحاد مردم بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین المللی
رابطه گونه ی شگفت آوری ارتقاء داد تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین المللی در موضوعاتی همچون جنایات
غرب بخصوص آمریکا، مسئله ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله جنگ افروزی ها و رذالت ها و
دخالت های قدرت های قلدر در امور ملت ها و امثال آن را از انحصار طبقه ی محدود و عزلت گزیده ای به
نام روشن فکر، بیرون آورد؛ این گونه، روشن فکری میان عموم مردم درهمه کشور و همه ساحت های زندگی
جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و ونهالان، روشن و قابل فهم گشت. (بیانیه گام دوم
انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۱۲)

علم فقه بیانگر استنباط احکام و تکالیفی است که مسلمین مکلف به رعایت آن می باشند این احکام
در اصطلاح فقهی به احکام خمس یا احکام پنج گانه مشهور است. درنگاهی دیگر فقه همان حقوق اسلامی
در ابعاد وسیع آن است. همان طور که در حقوق انشعابات مختلفی وجود دارد فقه نیز دارای این انشعابات بوده
ولذا فقه عبادی فقه قضایی فقه سیاسی رامی توان نام برد. (شکوری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶)

علم سیاست عبارت است از دانشی که به کارگیری آن امکان اداره و تنظیم مجموعه اموری از جامعه را فراهم
می کند و سبب رشد و ارتباطات صحیح نسبت میان امور جامعه می شود. در جامعه و فرهنگ اسلامی
عنصر هدایت و سرپرستی و اداره شئون فرهنگی، ارتباطی و اقتصادی جامعه اسلامی و تامین مصالح دنیوی
مستلزم آگاهی و اشراف بر احکام هدایت و شناسایی مصالح و مفاصل مبتلا به فرد و جامعه است که بی شک

جز با کمک گرفتن از منبع وحی قابل تأمل نیست. علم فقه باتأمین بخش وسیعی از احکام سیاسی و اجتماعی که به فقه سیاسی مشهور است با علم سیاست پیوند عمیق و الهام بخشی برقرار می سازد. (نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۳۱)

امام خمینی می فرماید: حکومت در منظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با همه معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۱۰۱)

اگر اندیشه سیاسی اظهار به تفکری متصف به سیاست است اما در اصطلاح به مجموعه باورهای فلسفی کلامی فقهی اخلاقی و تجربی گفته می شود که در یک رابطه طولی به تدبیر زندگی سیاسی آدمیان معطوف است کما این که نظریه سیاسی الگوی منسجمی است که از درون اندیشه سیاسی خاص در پی بدست آوردن راه حل عقلانی برای بحران های سیاسی اجتماعی است بنابراین اندیشه سیاسی ضرورتاً پیش فرض معرفتی و ارزشی دارد.

اندیشه سیاسی دوطیف علمی و مهم دارد از یک طرف از مبانی معرفتی و فرهنگی ارتزاق می کند که مجموعه از باورها و هنجارهای پذیرفته شده جامعه سیاسی است و از سوی دیگر با نظریات جامع شناسی مرتبط است که مجموعه ای از راه حل های معطوف به مسائل و بحران های سیاسی اجتماعی است. بدین لحاظ هنر اندیشمند سیاسی ایجاد تعامل منطقی عقلانی و منسجم بین دو حوزه باورها و بحران ها، نظری یا عملی، ذهن و عین، حقایق و واقعیت ها، اعتقادات و الزامات زمان، جامعه آرمانی و جامعه زمینی است. بنابراین لازمه تولید اندیشه سیاسی ابتدا فهم درک دو حوزه ارزش ها و بحران های سیاسی و در مرحله بعد ایجاد تعامل مستدل بین این دو است لذا در طول تاریخ اندیشمندان سیاسی همواره تک ستارگانی اند که مشکلات و بحران های زمان را از درون میراث فرهنگی بازخوانی منطقی می کنند و طرحی نو در زندگی سیاسی می اندازند و در نهایت الگویی کارآمد برای جامعه بحران زده عرضه می کنند. برای مثال اندیشه جمهوری اسلامی امام خمینی برای بحران مشروعیت نظام پهلوی دارای مشخصات و ویژگی فوق است. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۶۰)

۲-۲- مستدل و مستند بودن

فقه سیاسی اسلام عنوانی کلی است که امروزه بر مباحثی از قبیل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، امور حسبی، امامت و خلافت، نصب امرا و قضات، مأمورین جمع آوری وجوهات شرعی، تألیف قلوب، دعوت به اسلام، جمعه و جماعات، آداب خطبه ها و برگزاری مراسم عید، صلح و قرارداد با دولت های دیگر، تولی و تبری، همکاری با حاکمان و نظایر آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است که به آن ها «احکام سلطانیه یا فقه سیاسی» گفته می شود. به این ترتیب فقه سیاسی شامل آن دسته از مباحث حقوقی می شود که تحت عناوینی چون حقوق اساسی و حقوق بین الملل و نظایر آن مطرح می گردد. (عمید زنجانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹)

فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده دار تنظیم روابط مسلمین باخودشان و ملل غیرمسلمان عالم براساس قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را منحصراً در سایه توحید عملی می داند لذا فقه سیاسی در عمل به دو بخش عمده تقسیم می شود:

الف) اصول وقواعد مربوط به سیاست داخلی و تنظیم روابط درون امتی جامعه اسلامی.

ب) اصول وقواعد مربوط به سیاست خارجی و تنظیم روابط بین الملل و جهان اسلام. (شکوری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱)

۲-۳- ظلم ستیزی

اینکه ائمه معصومین (ع) یک حرکت سیاسی تشکیلاتی وسیع و گسترده را انجام می دادند با این که این همه شواهد وجود دارد این نا گفته مانده و ذکر نشده و شکل اساسی مهم زندگی ائمه (ع) است. حقیقت این است که ائمه این کار را شروع کردند همیشه ائمه به مجرد این که بارامانت را تحویل می گرفتند یکی از کارهایی که شروع می کردند مبارزه سیاسی بودیک تلاش سیاسی بود برای گرفتن حکومت این تلاش سیاسی مثل همه تلاش هایی است که آن کسانی که می خواهند یک نظامی را تشکیل بدهند انجام می دهند و این کار را هم ائمه معصومین می کردند.

تمام نزاعی که شما درطول دوران زندگی ائمه بین آن ها و دستگاه های ظلم و جور مشاهده می کنید برسرهمین قضیه است آن هایی که باائمه مخالفت می کردند، آن ها رامسموم می کردند مفقود می کردند زندان می انداختند محاصره می کردند دعوایشان برسر داعیه حکومت ائمه بوده است. اگر ائمه معصوم داعیه حکومت نداشتند ولا اولین و آخرین راهم به خودشان نسبت می دادند اگر بحث قدرت سیاسی نبود هیچگونه تعرضی نسبت به آن ها انجام نمی گرفت دربین دعوت ها و تبلیغات ائمه روی کلمه امامت و مسئله امامت حساسیت بسیار بالایی است وقتی که امام صادق (ع) می خواهد ادعای حاکمیت اسلامی و قدرت سیاسی بکند می گویند: «ایها الناس إن رسول الله کان امام، امام جامعه، پیشوای جامعه، رهبر جامعه، حاکم بر جامعه، رسول خدا بود واقف به خودش یعنی تمام بحث ائمه با مخالفینشان و مبارزاتشان همین مسئله حکومت و حکمیت و ولایت مطلقه عامه برمسلمین و قدرت سیاسی بود. اغلب اوقات اتفاق می افتاد که کسانی در جامعه زمان خلفاء اهل زهد بودند و اهل علم و معروف به تفسیر به علم اما خلفاء به آن ها نه فقط معارضه نمی کردند بلکه مخلص آن ها بودند و اظهار ارادت نسبت به آن ها می کردند. (خامنه ای، ۱۳۹۷، ص ۲۸) (بیانات مقام معظم رهبری، ۲/۱۱/۱۳۶۶)

۲-۳-۱- مرگ تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی اسلامی

یکی از بزرگ ترین عوامل انحطاط جوامع بشری این است که طرز تفکر افراد و جامعه در مورد مبارزه و مقابله با ظلم و ستم و طرز تصور آن ها در مورد عدالت و عدالت خواهی بمیرد. در این صورت جامعه در برابر ظلم و ستم تسلیم می شود و ظلم و ستم را می پذیرد و لذا اشرار و بدترین افراد بر جامعه مسلط می گردند. امام علی (ع) در بخشی از سخنان خویش تفاوت آگاهانه و ترک امر به معروف و نهی از منکر را دلیل اصلی سقوط تمدن ها می داند. «امربه معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که تبهکاران بر شما چیره می شوند». (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۳۷)

نه تنها ترک ظلم ستیزی و مرگ تفکر عدالت خواهی باعث سلطه اشرار و ستمگران بر جامعه می گردد بلکه شریعت و دین و در واقع تفکر دینی و مذهبی نیز قوام و پایه خود و در نتیجه قدرت پویایی خود را از دست می دهد.

در دوران سلطه خاندان پهلوی برای مرز و بوم تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی در جامعه ایرانی مرده بود هیچ ندایی از جایی بلند نمی شد هیچ امری برای تحقق معروفی و هیچ نهی برای جلوگیری از منکری جز موارد جزئی در زمینه ظلم ستیزی و عدالت خواهی صورت نمی گیرد. امام خمینی با مطالعات دینی و اسلامی خود و درک مسئولیت عالمان متعهد اسلامی به عنوان یک دانشمند متعهد و مسئول از همان آغاز حرکت علمی خویش در حوزه علمیه، مرگ تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی را در جامعه آن روز احساس کرد و سعی کرد جوانب این امر را به دقت مورد شناسایی قرار دهد و علل آن را کشف نماید. آنگاه به مقابله با علل و عوامل مرگ این نوع تفکر بپردازد و از سوی دیگر نیز با مواءم پی در پی، پیام ها، نامه ها و مکتوبات و آثار خویش در احیاء آن بکوشد. امام امت مرگ تفکر ظلم ستیزی را هم در جامعه ایرانی می دید و هم در جوامع جهانی و سراسر جهان. (سایت امام خمینی ر.ک، صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۲۳)

۲-۴- تناسب با مقتضیات زمان

بعد از زمان حضور اداره و مدیریت جامعه به دست فقیهان عادل و اسلام شناس است فقهای شیعه از آن جا که ولایت و حکومت را بعد از زمان معصوم متعلق به خود می دانند همواره با حکام زمان خویش در تنازع بوده و هیچ گاه حکومت آنان را مشروع نمی دانستند زیرا در زمان غیبت حکومتی مشروعیت دارد که به دست فقیه عادل بوده یا از طرف او منصوب باشد اگر هم گاهی فقها با حکومت ها همکاری داشتند صرفاً در ابعاد قضایی و فتوایی بوده است زیرا رشته قضا و فتوا فنی است که فقط فقها علم و توانایی اجرای آن را دارند. حکام نیز به ناچار این امور را به فقها واگذار نمودند تا از این طریق گرفتاری کمتری داشته و نوعی مشروعیت ضمنی هم برای خود کسب کنند. نیاز مبرم مردم به حل و فصل اختلاف که معمولاً با در دسرهایی برای دولت ها همراه بوده سبب می شود که حکومت ها برای رهایی از این مشکل بزرگ اجتماعی از هر نوع راه حل ممکن سود برند و عملاً به تفکیک قضاوت

از امور سیاسی دولت صحه گذارند و تا آن جاکه رتق وفتق امور قضایی به سیاست و حاکمیت آنان خللی وارد نمی ساخت با آنان درگیر نمی شدند. (عمیدزنجانی، بی تا، ج ۸، ص ۱۶)

۲-۴-۱- جهان و تحولات مهم آن

مقتضیات، تحولات و بحران های هر عصری متفاوت از تحولات عصر دیگر است و انسان عاقل باید مسئله مهمی را که بداند زمان شناسی است علم زمان شناسی و جامعه شناسی را به خوبی بداند تا بتواند متناسب با آن احوالات در قالب سیاست های رفتاری و حکومتی خود اندیشه و عمل متناسب را ارائه دهد مثل عصر امام خمینی که تحولات سیاسی در سه حیطه بروز کرده بودند.

الف) جهان و تحولات مهم آن: زندگی امام خمینی مقارن با تحولات سیاسی مهم در قرن بیستم بوده است. تغییرات و موضوعات اساسی جهان که در اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی تاثیر گذار بوده است.

ب) جهان اسلام و مسائل مهم آن: در پی زوال امپراطوری عثمانی زمینه برای ظهور دولت های کوچک ملی در جهان اسلام و از سوی دیگر امکان تسلط آسانتر دوول اروپایی بر آنان فراهم شد. با آن گاه تهاجم فرهنگی سلطه سیاسی و اقتصادی غرب فروگسترش بی سواد ترویج سکولاریسم ترویج فرهنگ برهنگی غربی یکی پس از دیگری ضربه مهلک خود را بر فرهنگ و تمدن اسلامی روبره زوال وارد آوردند. استعمار و استبداد آن چنان حقارتی بر مسلمانان وارد کردند که نمی توان آن را با هیچ زمانی حتی جنگ های صلیبی و مقول مقایسه کرد اما این باعث شد که اندیشمندانی چون امام خمینی به فکراحای تمدن اسلامی باشند و در واقع حرکت اصلاحی و انقلابی امام خمینی ادامه حرکت های اصلاحی و اسلامی بود که در طول بیش از یک قرن مبارزه به علل مختلف به ثمر رسیده بود و از این رو ایشان برای علل عقب ماندگی و وابستگی جهان اسلام طرحی نو در انداخت و از متن میراث اسلام شیعی نسخه ای موثر نوشت که در نهایت منجر به انقلاب اسلامی و تاسیس نظام جمهوری اسلامی شد. (مقیم، ۱۳۹۳، ص ۹۲)

ایمان دینی باید با معرفت همراه باشد؛ معرفت دینی چیست؟ همین مطلبی که مرحوم مدرّس فرمود که «دیانت ما عین سیاست ما است، سیاست ما عین دیانت ما است»، (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹)

باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه سازی هم دارد، تمدن سازی هم دارد؛ باور به نفی این ها جایگزین شود. این ها باید از ذهن مردم زدوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

می خواهند باور به استقلال را عوض کنند. بعضی ها البته ناشیگری می کنند؛ می بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه شده می دانند و می گویند امروز دیگر استقلال

کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه جغرافیا جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می گیرد و همه عمل می کنند مثل حرارت مرکزی یک جایی یک چیزی تولید می کند، بقیه مصرف می کنند. این را دارند ترویج می کنند؛ نفوذ یعنی این البته این کاری است که دارد انجام میگیرد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴)

۲-۴-۲- یگانگی دین و سیاست

اسلام دینی سیاسی است و به فرموده حضرت امام آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارد در سایر چیزها ندارد لکن انگیزه حکومت اسلامی بسط عدالت اجتماعی است «اسلام برخلاف سایر مکاتب غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی دخالت دارد و از هیچ نکته ای ولو ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی آن موثر باشد فروگذار نکرده است. لذا پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. (رنجبر، ۱۳۹۲، ص ۵۸) (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲)

۲-۴-۳- رابطه مسجد و سیاست

اولین و مهم ترین نهاد دینی مسلمانان مسجد است. مسجد مکان عبادت و راز و نیاز نمازگزاران است ولی در طول تاریخ محرابش محل جنگ با شیطان و طاغوت و محل بررسی مسائل سیاسی و حکومتی نیز بوده است. مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مربوط به جنگ ها مربوط به سیاست مدنی این ها همه در مسجد درست می شده است. شالوده اش در مسجد ریخته می شده است در زمان رسول خدا و در زمان های دیگران و در زمان حضرت امیر (ع). (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲)

۲-۴-۴- رابطه دین و حکومت

مهم ترین و ابتدایی ترین بحث امام در رابطه نهادی دیانت و سیاست ضرورت حکومت است به اعتقاد امام ضرورت حکومت برای ایجاد نظم جلوگیری از هرج و مرج و اجرای احکام اسلامی بر کسی پوشیده نیست حکومت فلسفه عملی تمام فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است. گذشته از ضرورت حکومت امام به ماهیت، کیفیت و نسبت حکومت با احکام دینی نیز عنایت داشته به عبارت دیگر فرامین و مقررات دینی به حکومت هویت می دهد حکم قانون است غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد برای هیچکس حکومت نیست نه فقیه و نه غیر فقیه همه تحت قانون عمل می کنند در اسلام قانون حکومت می کند پیغمبر اکرم (ص) هم تابع قانون بود حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۸ و ۱۱۷)

۳- شرایط ولایت سیاسی فقها

۳-۱- فقاہت

از نظر امام خمینی (ره): حکومت اسلامی چون حکومت قانونی است و حکومت قانون الهی است رهبر این حکومت دو ویژگی باید داشته باشد علم به قانون و عدالت که وی علم به قانون فقهی عدالت و کفایت سیاسی را برای حاکم اسلامی شرط دانسته اند. ماهیت حکومت اسلامی از منظر امام خمینی حکومت فقهی است به عبارت دیگر اندیشه سیاسی ایشان مبتنی بر عقلانیت معطوف به فقه است لذا مهم ترین ویژگی حاکم اسلامی فقاہت است زیرا اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست چون اگر تقلید کند قدرت حکومت شکسته می شود بنابراین زمامدار باید شرط فقاہت و اجتهاد را داشته باشد.

۳-۲- کفایت

از منظر امام اداره جامعه پیچیده است و بدین جهت نیاز به تدبیر شعور سیاسی و بینش سیاسی عمیق دارد از این رو می گویند یک مجتهد باید زیرک باهوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی را داشته باشد و مدیر و مدبر باشد. امام علت شرایط سخت برای ولی فقیه به علت طبیعت پیچیده حکومت است. اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی می باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه هاهم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص بدهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را بدست گیرد. (موسوی خمینی، ج ۲۱، ص ۳۰)

۳-۳- عدالت

آن اوصافی که در ولی فقیه است. با آن اوصاف نمی شود پایش را یک قدم غلط بگذارد اگر یک کلمه دروغ بگوید یک کلمه، یک قدم برخلاف بگذارد، آن ولایت را دیگر ندارد فقیه‌ای که این اوصاف را دارد عادل است عدالتی که یک کلمه دروغ او را از عدالت می اندازد یک گاه به نامحرم او را از عدالت می اندازد. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۶۲)

۳-۴- شجاعت

درفرمان مالک اشتر که جامع ترین فرمان الهی سیاسی برای کشورداری است در موارد متعددی به مسئله شجاعت اشاره شده در یک جا حضرت علی (ع) به مالک هشدار می دهد که افراد ترسو و حریص را جزء مشاوران خود قرار ندهد و می فرماید رابطه خود را با افراد با شخصیت، اصیل و خاندان های صالح و خوش سابقه برقرار ساز سپس با افراد شجاع و با شهامت و سخاوتمند، بزرگوار همکاری داشته باش چرا که آن ها کانون بزرگواری و

مرکزینکی هستند دراین جا امام (ع) مسئله شجاعت و شهامت را از اصول اساسی صفات برجسته انسانی و فرماندهان لشکر یا کارگزاران به طورعام شمرده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۳)

مدیرباید انسانی دلیرحقیقت جو و دفاع کننده ازحق ودرستی باشد. شجاعت یعنی میل به حق گویی و دفاع ازحق، فرد شجاع کسی است که آن چه حقیقت دارد را بازگو و عمل کند و از دفاع از حق نهراسد علاوه برآن شجاعت یعنی خطر پذیری و قبول عواقب و آثاری که احتمالاً ازانجام یک کارممکن است برجای بماند مسئولیت آن راتاحدی که به آن هالاجازه داده است وبه او مربوط می شود می پذیرد شجاعت پایه هرم صفات انسانی است زیرا این صفت تکیه گاه صفت های دیگر است. رهبران بزرگ می دانندکه با مردم چطور برخورد کنند، چطور صحبت کنند و چطور باجوامع و ملت ها برخوردکنند درعین حال اگرلازم باشد موضع قاطع خود رانیز باتمامی مخالفت ها ابراز می کنندرهبری که شجاع باشد موجب می شود پیروانش نسبت به فرامین او متعهد و غیرتمند شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۴۶)

۳-۵- بینش سیاسی

کیاست به معنای زیرکی و درحوزه سیاست همان مهارت درفن سیاست است. ضرورت کیاست یک ضرورت عقلایی است و اساساً رعایت مصالح معتبر درفقه سیاسی و قواعد فقه سیاسی درعمل به کیاست مکلف وابسته است چه بسا مکلف تصورکند عمل سیاسی اش اسلامی است ولی به دلیل بی کیاستی درمرحله تطبیق ناتوان باشد درتاریخ اسلام شکست مسلمانان به دلیل بی کیاستیشان بیش از شکستشان به دلیل قوت نیروی دشمن بوده است از این روکیاست یکی ازویژگی های مهم مومن شمرده شده است. چنان که رسول خدا در روایتی می فرماید: مؤمن باکیاست باهوش و محتاط است. کیاست درفقه سیاسی به این معناست که تنها آگاهی ازحکم کافی نیست وآگاهی ازموضوع حکم نیزضروری است. تفاوت فقه سیاسی بادیگر ابواب فقه دراین است که در ابواب دیگر فقه احکامی وجود داردکه مطلوب اجرای آن احکام است درحالی که درفقه سیاسی وضعیتی مطلوب در دین تصویر شده است که عمل سیاسی بایدحرکت به سمت حصول آن وضعیت باشد و این مستلزم کیاست است ازضرورت کیاست حکم دیگری به دست می آید وآن وجوب برنامه ریزی است تاحرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب تصویر شده در دین به درستی انجام شود و انحرافی درحرکت صورت نگیرد. (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹)

۳-۶- قدرت مدیریت

رهبر انقلاب اسلامی دریکی ازسخنرانی های نوروزی خود قوی شدکشور رامستلزم داشتن اقتصاد قوی به همراه مدیریت قوی می دانند. راه طی شده فقط قطعه ای ازمسیر افتخارآمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله ی این مسیرکه به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری وسرعت عمل و ابتکارشما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان

جوان، درهمه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته ی اسلامی بسازند. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۳-۷- تدبیر و توان اداره کلان جامعه

الف) توسعه قسط

یکی از مهم ترین سیاست های کلان در فقه سیاسی است. وقتی از توسعه قسط به عنوان یک سیاست کلان نام می بریم منظور از سیاست کلان از جهتی به یک حکم شبیه است. زیرا باید محقق شود ولی تفاوت آن با حکم این است که نمی توان آن را بی واسطه اجرا کرد. سیاست کلان وضعیت عام مطلوبی است که جهت کلی را در مقام عمل نشان می دهد. وقتی قیام به قسط به عنوان قاعده فقهی به کار می رود به عمل موینی از اعمال مؤمن توجه می شود ولی وقتی که از توسعه قسط با عنوان سیاست کلان یاد می شود وضعیت معینی در نظر است که اعمال سیاسی باید به منظور به فعلیت رساندن آن وضعیت مطلوب جهت داده شوند توسعه یافتگی قسط وضعیتی اجتماعی است که در آن وضعیت حقوق و تکالیف شناخته شده و قانونمند گشته اند. (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰)

ب) توسعه چرخه گردش ثروت

یکی از وجوه توسعه قسط است. ثروت در هر جامعه ای در حال جریان است این جریان مقوم ارزش ثروت و موجب حرکت آن در اقتصاد جامعه است. در حقیقت این جریان ثروت کالاهای مصرفی انتقال آن ها به مراکز مصرف خدمات رسانی و هر گونه عمل اقتصادی هماهنگ است. توسعه چرخه ثروت یک حکم فقهی نیست زیرا ثروت جامعه در اختیار شخص خاصی نیست تا وی آن ثروت را در میان همه سطوح جامعه پخش کند حکومت نیز نمی تواند چنین کاری کند زیرا در این صورت جریان ثروت جریانی مصنوعی خواهد بود و با جریان تولید انتقال کالا و عرضه خدمات هماهنگ نخواهد شد لذا توسعه چرخه ثروت یک سیاست کلان است که با تنظیم مصرف اموال عمومی، تنظیم بازار کار و مسائل بسیار دیگر به دست می آید. برنامه ریزی برای این امر و البته هر سیاست کلان دیگر در فقه سیاسی بر عهده ولی امر است. (همان، ص ۱۶۰)

۴- ارکان فقه سیاسی

۴-۱- قدرت

بشر از وجود قدرت سیاسی بی نیاز نخواهد بود زیرا وجود نظم جامعه انسانی و تحقق قوانین بستگی به وجود قدرت دارد کشور و جامعه ای که قدرت و حاکمیت در آن وجود نداشته باشد گرفتار هرج و مرج و جنگ های خانمان سوز خواهد شد. در جهان معاصر ضرورت قنرت سیاسی بیشتر احساس می شود زیرا در صورت نبود نظارتی قدرتمند فعالیت های اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی این امور به طور صحیح پیش نخواهند رفت بنابراین هر عاقلی وجود قدرت را برای ادامه زندگی جامعه بشری ضروری می داند. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱)

الف) قدرت از منظر قرآن و روایات

از نظر قرآن و روایات اسلامی قدرت حاکمیت اصلی مهم برای حکومت جامعه قلمداد می شود از جمله آیاتی که مصداق این سخن هستند «الَّذِينَ إِخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْ دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتُ مَسَاجِدَ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ أَنْ هَاكِسَانِي هَسْتَنْد كِه هِرْكَاه دَر زَمِين بَه آن هَا قَدْرَت دَادِيم نَمَاز رَا بَرِپَادَارَنْد وَ زَكَات رَا اَدَا مِی كَنْدَنْد وَ اَمْرِبَه مَعْرُوف وَ نَهْی اَز مَنكَر مِی نَمَایَنْد.» (حج، آیه ۴۱) کسانی که قدرت سیاسی را به عهده دارند می توانند جامعه را از گزند حوادث و ناملایمات دور نگه دارند خداوند مومنان را موكلف می كند هنگامی كه قدرت را در دست دارند و به حكومت می رسند به اصلاح جامعه بپردازند. در این صورت به پاداشتن نماز ادای زكات امر به معروف و نهی از منكر و... همه بانظم و تشكیلات بهتری انجام می شود. (همان، ص ۱۲۵)

امام علی (ع) درباره ضرورت قدرت و حكومت می فرماید: امت باید پیشوایی داشته باشد كه قیام به كارهای آن ها كند بر آن ها امر و نهی نماید و حدود الهی رادر میان آن ها برپادارد با دشمن پیکار كند غنایم را عادلانه تقسیم نماید واجبات را تحقق بخشد و ابعاد صلاح آن ها را به آنان نشان دهد و از آن چه برای آنان زیان بخش است بر حذر دارد زیرا امر و نهی یکی از اسباب بقای خلق است، اگر نه تشویق و ترس از بین می رود و هیچ كس از گناه نمی ایستد و نظام جامعه فاسد می شود و این سبب هلاك بندگان خدا می شود. (مجلسی اصفهانی، ۱۴۰۳، ق، ج، ۹۰، ص ۴۱)

ملاحظه می شود كه امام به نكات مهم ضرورت قدرت و حكومت مانند امور نظامی، اقتصادی، فرهنگی و امر و نهی حكومتی اشاره می كند كه بدون پشتوانه قدرتی سازمان یافته سامان نمی یابد امام امر و نهی حكومت را باعث بقای امت می داند زیرا اگر قدرت اجرای حكومت نباشد زورمندان حقوق ضعیفان را پایمال كرده و نظام جامعه از هم پاشیده و سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)

ب) قدرت از منظر عقل

از نظر عقل زندگی انسان اجتماعی است به گونه ای که اگر حیات انسانی از این ویژگی خالی شود به پایین ترین مراحل جاهلیت سقوط می کند زیرا تمام منافع و آثار مفید و سازنده در زندگی بشری مانند تمدن و پیشرفت و تکامل علوم و فنون و صنایع گوناگون و... از برکات زندگی اجتماعی است هر چند زندگی اجتماعی فطری است اما به دلیل جلب منافع خالی از کشمکش ها تنازع ها و تصادم ها نیست زیرا هر کس به دنبال نفع بیشتر است این منفعت طلبی گاه باعث تضییع حقوق دیگران می شود از این رو که انسان در تشخیص حقوق دچار اشتباه می شود لذا زندگی اجتماعی نیاز به قوانین پیدا می کند تا به کمک آن حدود و حقوق هر کس مشخص شود و راه را برای تعدی و تجاوز و منازعات ببندد. لذا در زمان کنونی ضرورت قدرت سیاسی و کاربرد آن در هدایت و جهت دهی مردم بیشتر نمایان است. زیرا دولت از طریق رسانه های جمعی، تبلیغات و نهادهای فرهنگی و ... توانایی بیشتری در تکامل و رشد مردم در ابعاد مختلف زندگی آن ها دارد بنابر تجربه انسانی و هم چنین راهنمایی عقل جامعه انسانی بدون قدرت سیاسی نمی تواند به حییات خود ادامه دهد. (همان، ص ۱۲۱) (منصور نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۹)

۴-۱-۱- کسب قدرت

اگر در فقه سیاسی وجود قدرت ضرورت دارد به طبع آن کسب قدرت نیز ضرورت دارد. زیرا بدون به دست آوردن قدرت و حکومت آرمان های اسلامی قوانین و عدالت اجتماعی نیز تحقق نمی پذیرد. از آیات مختلف در قرآن بنابر دلالت ضمنی چنین استفاده می شود که برای اداره جامعه در ابعاد مختلف از قبیل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، قضایی و اطلاعاتی نیاز به قدرت و کسب آن است و بدون آن اداره جامعه ممکن نخواهد بود. برای انتظام دادن به این امور نیاز به وجود یک قدرت برتر است و این در صورتی محقق می شود که قدرت را کسب نموده و آن را اعمال کنیم مثلاً عدم وجود قدرت در امور قضایی که رکنی از ارکان قدرت و دولت است سبب می شود مخاصمات حل و فصل نشده و حقوق مردم پایمال گردد قرآن مقدس کسب قدرت و اعمال آن را لازم شمرده، در احکام قضایی ملاک را فقط حق قرارداده است «ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا به آن چه خداوند به تو آموخته است در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی».

۴-۱-۲- تأسی به سیره سیاسی پیامبر اسلام

کسب قدرت بالحاظ اقتدای به پیامبر لازم است زیرا باید طبق عملکرد آن حضرت گام برداشت. عملکرد پیامبر در کسب قدرت را می توان به دو قسمت تقسیم کرد: قسمت اول، مربوط به کارهای پیامبر در مکه است که مرحله تکوین نامیده می شود و قسمت دوم مربوط به فعالیت های آن حضرت در مدینه است که مرحله تاسیس قدرت آن حضرت می باشد. فعالیت های رسول گرامی در مکه:

الف) تاسیس حزب افراد هوشمند و زیرک هر جامعه ای هرگاه در پی کسب قدرت باشند فعالیت های خود را

از نقطه ای کوچک آغاز می کنند تا به تدریج به اهداف بلند و دراز مدت خود برسند. رسول گرامی از این اصل استفاده نمود و با تاسیس حزب پنهانی بناهای قدرت اسلامی را پایه ریزی نمود. (مقیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶)

ب) با جذب و تربیت افراد با ایمان و متعهد زمینه علنی نمودن حزب پیامبر فراهم گشت لذا خداوند پیامبرش را دستور می دهد که هدفت را آشکار کن.

ج) فعالیت های سیاسی: پیامبر (ص) بعد از اعلان رسالتش با بزرگان و سران قبایل تماس می گرفت و با آنان ملاقات می کرد و از آنان می خواست که بپذیرش اسلام به جمعیت او بپیوندند. از فعالیت های سیاسی پیامبر که در تحقق اهداف آن حضرت مؤثر بود ارتباط برقرار کردن آن حضرت با مردم مدینه در مراسم حج بود که به قصد زیارت خانه خدا در مکه آمده بودند. (شهیدی، ۱۳۶۲، ص ۴۵)

د) استقامت پیامبر و یارانش: در مسیر کسب قدرت ممکن است مشکلات و موانع بسیاری وجود داشته باشد کسی می تواند بر مشکلات و موانع غالب آید که برای رسیدن به هدف اراده قوی داشته، استقامت و پایداری را سر لوحه کار خود قرار دهد طبق عمل پیامبر اسلام که در برابر دشمنان ظاهراً قوی ایستادگی نمودند و جز از خداوند از احدی نترسیدند.

فعالیت سیاسی پیامبر در مدینه الف) تاسیس مسجد: در مدینه ساخت مسجد به دست رسول گرامی بیانگر توحیدی بودن نظام سیاسی اسلام است و نشان دهنده اهمیت دادن اسلام به امور معنوی است.

ب) بستن پیمان برادری: قدرت هر نظام سیاسی بستگی به اتحاد و همبستگی مردم دارد لذا حضرت برای محفوظ ماندن قدرت اسلامی از خطر اقدام به عقد اخوت بین مردم نمود.

ج) تدوین قانون اساسی: یکی از کارهای مهم هر نظام سیاسی تدوین قانون اساسی برای تحکیم و تثبیت قدرت و انتظام امور مردم است. (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸) (منصورنژاد، ۱۳۸۴، ص ۷۷)

۴-۲- عدالت

از دیدگاه فقه سیاسی عدالت اجتماعی نیز همانند توحید در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، اعتقادی، فرهنگی و حقوقی تجلی دارد قرآن احادیث عقل و سیره رسول گرامی اسلام و ائمه اطهار (ع) که از منابع فقه سیاسی می باشند عدالت اجتماعی را بالاترین ارزش حیاتی بشردانسته و اهمیت آن را به بشر گوشزد نموده اند. فقیه هنگامی که دارای ایمان قوی و مقام عدالت اخلاقی باشد اولاً به هنگام استنباط احکام نهایت دقت را به خرج می دهد تا نزد خدا مسئول نباشد و ثانیاً حب و بغض ها و منافع شخصی و گروهی هرگز مانع او در جهت استنباط احکام نمی گردد به همین دلیل غالباً آن چه رابه حق و عدالت نزدیکتر است و مطابق نظر شارع مقدس است استنباط می کند و به صورت مسائل فقهی در اختیار مردم قرار می دهد فقیه در برابر تمام دین مسئول است و فقی می تواند

رأیی صادر کنند که بایکی از اهداف و مقاصد دینی ناسازگار باشد، مثلاً اگر حکمی و فتوایی با استقرار قسط و عدالت اجتماعی تعارض داشته باشد باید در آن تأمل بیشتری شود و با ملاحظه ای مجدد و نگاهی همه سویه و کشف بعضی از قیود و خصوصیات موضوع واقعی حکم را این تعارض مرتفع می گردد.

الف) عدالت از منظر قرآن و روایات

قدرت و حکومت رابه عنوان امانت الهی و در راستای اجرای و تحقق عدالت نام برده است «خداوند شما را امر می کند که امانت ها رابه اهلشان برگردانید و هرگاه در میان مردم حکم کنید، به عدالت حکم کنید». این آیه عمومیت داشته و همه موارد عدالت را شامل می شود ائمه از امور عمومی و خصوصی خداوند اجرای عدالت را نه تنها در بین مسلمانان واجب می داند بلکه اگر پیروان دیگر برای داوری در دادگاه های مسلمان آمدند اجرای عدالت درباره آن ها نیز لازم و واجب است «اگر اینان (یهودیان) نزد تو آمدند مخیری در این که بین آنان حکم بکنی و یا از آن اعراض نمائی در صورتی که مصلحت را در اعراض دیدی بیمی از آنان به خود راه مده که هیچ ضرری به تو نمی رسانند و اگر مصلحت دیدی که حکم کنی به عدل حکم کن که خداوند عدالت پیشه گان را دوست دارد». (مائده، آیه ۴۲)

در روایاتی که از ائمه (ع) نقل شده اهمیت بسیاری به عدالت داده شده از جمله عدالت در نزد امام امیرالمومنین علی (ع) از چنان اهمیتی برخوردار است که آن حضرت عدالت را بر جود مقدم می دارد از امام سوال شد که آیا عدالت شریفتر و بالاتر است یا بخشندگی امام فرمود: عدل جریان ها را در مجرای طبیعی خود قرار می دهد و وجود جریان ها را از مجرای طبیعی خود خارج می سازد عدل یعنی به هر کس مطابق استعداد و لیاقتش کار داده شود جود یعنی مال مشروع خود رابه دیگری بخشیدن اما باید توجه داشت که جود یک جریان غیر طبیعی است عدالت قانونی است عام، مدیر و مدبری است کلی و بزرگراهی است که همه باید از آن بروند اما جود و بخشش یک حالت استثنایی و غیر کلی است که نمی شود روی آن حساب کرد لذا فرمودند: پس از میان عدالت و جود عدالت اشرف و افضل است. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۵۹)

ب) عدالت از منظر عقل

عقل یکی از منابع فقه شیعه است که وجود عدالت را برای رهبر و زمامدار مسلمانان ضروری می داند انسان های محقق و منصف نیز در این موضوع حکم عقل هماهنگ اند امام خمینی (ره) به حکم عقل به ضرورت عدالت اشاره می کند و می فرماید: این واضح و روشن است و عاقلانه نیست که خداوند مقدرات اموال و نفوس مردم رابه دست والیان و حاکمان ظالم قرار دهد و عقل حکومت می کند که اجرای عدالت جز به دست والی عادل عملی نمی شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۶۲۳)

۴-۲-۱- عدالت در اعمال حاکمیت و رفتار سیاسی

عدالت در امور سیاست زمانی جاری می شود که قدرت در موضع مناسب خودش قرار گیرد و به ناحق در دست کسانی که لیاقت لازم را ندارند تمرکز نیافته باشد. لذا عدالت بارعایت این امور محقق می شود:

الف) رعایت آزادی انسان ها آزادی در عقیده .

ب) رعایت حقوق انسان از قبیل کرامت انسانی کار و تلاش .

ج) مشورت در امور سیاسی .

د) آزادی احزاب

ه) اجتماعات

ز) حق مشارکت سیاسی (اخلاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۳۹) (رنجبر، ۱۳۹۲، ص ۶۲)

نتیجه گیری

فقه سیاسی نتیجه قرن ها سکوت و انزوای فقه شیعه در عرصه حکومتی و سیاسی اجتماعی است از زمان آغازین بخصوص زمان حضرت رسول و ائمه اطهار شیوه معصومین بوده ولی هم اکنون به نسبت زمانه تغییراتی داشته است. هدف از فقه سیاسی ارائه پاسخ های دین است برای حل معضلات سیاسی در عرصه زندگی اجتماعی بنابراین مؤلفه های فقه سیاسی جامعیت و مستند بودن آن هم چنین ظلم ستیزی و تناسب آن با مقتضیات زمان بارز و آشکار است و فقیه برای اداره حکومت اسلامی به عنوان کسی که ولایت و سرپرستی حکومت را دارد باید شرایطی را داشته باشد از جمله فقاقت، عدالت، کفایت، شجاعت، بینش سیاسی، قدرت مدیریت، تدبیر و توان اداره کلان جامعه در امور سیاسی و حکومتی جامعه لذا فقه سیاسی نیز همانند سایر احکام ارکانی دارد که برای اجرای بهتر امور سیاسی مملکت وجود آن ها ضروری می باشد. قدرت و عدالت که از طریق آیات قرآن و روایات و هم چنین عقل اثبات شده اند از اقسام ارکان فقه سیاسی می باشند؛ در نتیجه فقه سیاسی معتقد است از آن جا که عملکرد سیاسی و مدنی مسلمانان باید بر اساس منابع اسلامی تنظیم شود فقیه از یک سو باید نهادهای سیاسی و اجتماعی مورد بحث خویش و تناسب آن را با زمان تعیین کند و به جامعه ارائه دهد.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف : کتب فارسی

- ۱- اخلاقی، غلام سرور، رابطه قدرت و عدالت در فقه سیاسی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰
- ۲- حسنی، ابوالحسن، آموزه های سیاسی قرآن، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۷.
- ۳- خامنه ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله، قم، موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۷.
- ۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۹۱ م.
- ۵- رنجبر، علیرضا، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی در نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۹۲.
- ۶- شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، ج ۱، بی جا، نورا، ۱۳۷۴.
- ۷- شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۸- عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱ و ۸، بی جا، نشر امیرکبیر، بی تا.
- ۹- مقیمی، غلام حسن، اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی (ره)، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۳.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۷۸.
- ۱۱- منصورنژاد، محمد، دین و دولت در اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۴.
- ۱۲- موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱ و ۱۰، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- ۱۳- موسوی خمینی، روح الله، البیع، ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- ۱۴- نصرتی، علی اصغر، فقه سیاسی، بی جا، نشر هاجر، ۱۳۸۳.

ب: کتب عربی

- ۱۵- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۲۹.
- ۱۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دار صادر، ۱۳۰۸ ق.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۸- شیخ حرعامل، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، باب امر به معروف و نهی از منکر، ج ۱ و ۱۵، تهران، ۱۴۱۴.
- ۱۹- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، فراهانی، ۱۴۱۳ ق.
- ۲۱- علامه مجلسی اصفهانی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

ج: سایت

- ۲۲- بیانات مقام معظم رهبری، ۲/۱۱/۱۳۶۶
- ۲۳- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۵
- ۲۴- بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴
- ۲۵- بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۲/۱۱/۱۳۹۷
- ۲۶- سایت امام خمینی ر.ک، صحیفه امام، ج ۴. www.imam-khameini.ir

جایگاه اقتصاد در تمدن نوین اسلامی

سیده سمیه حسینی

چکیده:

اقتصاد در آیات قرآن در کنار اصولی چون توحید و معاد و نبوت و فروع اساسی چون نماز، انفاق و زکات و حقوق مالی مطرح شده است. و خداوند در آیات قرآن رستگاری و سعادت واقعی انسان را در اموری چون یکتاپرستی و سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هر گونه فساد انگیزی می داند. بحث اقتصاد در حکومت امروز در راستای جهاد اقتصادی در کنار جهاد علمی و فرهنگی، قرار گرفته است، و جهاد اقتصادی الگویی برای جهانیان شود و مردم به تبعیت از آن علیه گفتمان استکباری غرب قیام کنند. و در افزایش آگاهی انسان ها از بهبود وضع اقتصادی خود و جامعه و سرلوحه ی تمامی انسان های کره ی زمین قرار گیرد.

اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر اثر می گذارد. اقتصاد مفهوم گسترده ای دارد که تولید، مصرف، صنایع، صادرات، سرمایه گذاری، صنعت جهانگردی، کشاورزی و دیگر امور مالی را در بر می گیرد. زندگی در فضای عطر آلود انقلاب اسلامی برای مردم به طور اعم و برای علاقه مندان و تحصیل کردگان اقتصاد به طور اخص، فی نفسه ارزشمند و ذی قیمت است. با ارائه ی الگویی از نظام اقتصادی اسلام با تأکید بر مذهب تشیع که با روحی که دین اسلام می خواهد بر ارکان جامعه اسلامی حاکم نماید سازگار است و تأکید بر این نکته، دغدغه ایجاد انحراف و خلق بدعت در فهم دین را از بین می برد و دور نمای واضحی از نظام اقتصادی مورد نظر اسلام در چشم انداز انسان خسته عصر ما می گشاید.

واژگان کلیدی: اقتصاد، تمدن، اسلام.

مقدمه:

یکی از مهم ترین مسائل دین اسلام توجه به اقتصاد می باشد که خداوند در حدود نهصد آیه از قرآن را به مسائل اقتصادی مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره، مبانی اقتصاد، پایان ناپذیری منابع، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان و اصالت آخرت، اصول اقتصادی، میانه روی تعاون، همراهی اقتصادی با ارزش های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره و نیز نظریه پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است. البته جامعه ای که از دغدغه های اقتصادی فردی و اجتماعی پاک و منزله باشد دست نیافتنی است. از این رو بشر پیوسته به دنبال راهی برای اقتصاد و پیشرفت بوده و می باشد.

کسب روزی حلال، خود یک نعمت بزرگ الهی است که شامل حال انسان می شود. و پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی معصومین (ع) نیز همواره انسان ها را به کسب روزی حلال و اقتصاد و تولید سفارش کرده اند. و از آن جا که اقتصاد نقش مؤثری در ایمان و زندگی معنوی افراد دارد می بایست توجه ویژه ای به اقتصاد داشت تا خدای نا کرده دچار گناه و کسب روزی حرام نشویم و جوانان و نسل جدید انقلاب را به جهاد اقتصادی و کسب روزی حلال راهنمایی کنیم و به همین منظور با استفاده از منابع اسلامی معتبر به بررسی جایگاه اقتصاد در تمدن نوین اسلامی پرداخته ایم.

۱- مفهوم شناسی :

الف - اقتصاد :

اقتصاد در لغت به معنای میانه راه رفتن، میانجی نگاه داشتن، میانه نگاه داشتن، میانه روی در هر کاری، قصد: علم اقتصاد: عبارت از علم به مجموع وسایلی (دهخدا، لغت نامه دهخدا. ص ۸۵۶)، اعتدال در امور، بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع، اعتدال و میانه روی می باشد. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۶۷، واژه قصد) و در اصطلاح به معنای علم اقتصاد به عنوان دانش بررسی رویدادهای اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف به کار می رود. (نظری، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، ص ۳۹)

ب - تمدن :

تمدن در لغت به معنای، شهر نشین شدن، خوی شهری بر گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب ترقی و آسایش خود: (عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۶۱۵)، همکاری افراد و جامعه در امور زندگانی و فراهم ساختن اسباب آسایش و ترقی خود. (معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۳۹) و در اصطلاح به معنای تمدن نظامی است اجتماعی که آفرینش فرهنگی را تسریع می کند و نظامی است که عرف و اخلاق و قانون نگاه دارنده ی آن است و نظامی است اقتصادی که با مداومت تولید و مبادله برقرار می ماند. (دیهمی، در آمدی بر تاریخ تمدن (ویل دورانت، بطحایی، ص ۲۵۶) گرد آمدن جمعیت های بزرگ در شهر ها، تفکیک تولید کنندگان اولیه، افزار مندان متخصص تمام وقت، تمرکز مؤثر قدرت اقتصادی و سیاسی، استفاده از علایم قراردادی برای ثبت و انتقال اطلاعات، واحد های قرار دادی اوزان و زمان و مکان. (زاهدی، فرهنگ علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۶۸)

ج - اسلام :

اسلام در لغت به معنای گردن نهادن، مسلمان شدن، چیزی به کسی سپردن، گذاشتن چیزی را بعد از آنکه دروی بود. اسلمت عنه، پیش فرستادن، رویانیدن زمین درخت سلم را: اسلمت الارض، به صلح در آمدن. تسلیم بی قید و شرط شدن، دین مقدس اسلام و به معنای پیروان دین (مبین) اسلام نیز هست. (بندر ریگی، المنجد، ج ۱، ص ۷۶۷) و در اصطلاح به معنای بر شریعت پیامبر خاتم (ص) اطلاق شده است. (دامغانی، الوجوه و النظائر، ج ۱، ص ۲۴۸)

هر کس که نوعی وحی الهی را می پذیرد و عام ترین کلمه مسلمان است. خواه یهودی، مسیحی و یا زرتشتی باشد. به عبارت دیگر مسلمان در معنای نخست، انسانی است که با استفاده از عقل و اختیار خویش یک شریعت وحیانی را بپذیرد. (نصر، آرمان ها و واقعیت های اسلام، ص ۳۱)

۲- مقصود از اقتصاد اسلامی :

مقصود از «اقتصاد اسلامی» مکتب، نظام و علم اقتصادی است که با استفاده از منابع و معارف اسلامی و دیدگاههای اندیشمندان مسلمان تدوین، عملیاتی یا تجزیه و تحلیل شده باشد.

با توجه به اینکه در معارف اسلامی، به اصول و ارزشهای مورد نظر اسلام درباره تولید، توزیع، مبادله و مصرف عنایت شده است و این اصول و ارزشها با سایر مکاتب اقتصادی بشری تفاوت های اساسی دارند، میتوان از آنها به مکتب اقتصاد اسلامی یاد کرد.

استاد شهید و عالم بزرگوار مرتضی مطهری اشاره می کنند که :

اسلام با اقتصاد دارای دو پیوند است : یک پیوند مستقیم دارد که از طریق احکام و مقررات مالکیت، مبادلات، مالیات، ارث، صدقات، وقف و مجازاته‌های مالی است .

اسلام احکامی برای مالیاتها، زکات، خمس، صلح و ... وضع کرده است که برای ما چارچوب مجاز یا غیر مجاز بودن معاملات را روشن و معین می کند. لذا، اسلام از این جهت یک پیوند و ارتباط مستقیمی با اقتصاد پیدا کرده است؛ چرا که ما در اقتصاد سخن از تولید، توزیع، مبادله و مصرف داریم. اسلام با احکامی که وضع کرده است، برای ما تعیین کننده چارچوب صحیح و مشروع بودن این معاملات و مبادلات است. اسلام و اقتصاد، از طریق غیر مستقیم هم، با هم پیوند و ارتباط دارند؛ این پیوند از طریق اخلاق برقرار می شود .

استاد شهید مطهری می فرمایند: خصائص اخلاقی همچون امانت، عفت، عدالت، احسان، ایثار، منع دزدی و غصب، رابطه و پیوندی را با اقتصاد برقرار می کند .

اسلام مشوق فضایل اخلاقی در اقتصاد است و از رذایل اخلاقی در این عرصه نهی می کند. (مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۶ و ۱۷)

پس از بیان این دو پیوند که آن شهید بزرگوار مطرح کردند، می توان به پیوند سومی بین اسلام و اقتصاد اشاره کرد؛ این پیوند این است که اسلام از طریق فلسفه و کلام نیز با اقتصاد ارتباط دارد؛ چرا که علم اقتصاد و مکتب اقصادی، بدون مبانی فلسفی و کلامی نیست.

با توجه به وجود این پیوند، مبانی فلسف و کلامی اسلام، به ما اقتصادی را ارائه می دهد که متفاوت از اقتصاد لیبرالیستی و سوسیالیستی است. اقتصاد لیبرال بر اصول فرد گرایی، نفع گرایی، لذت گرایی و آزادی فردی و رقابت استوار است و بر این مبنا که فضایل اخلاقی در اقتصاد جایی ندارد، پایه گذاری شده است.

اقتصاد سوسیالیستی نیز به جای اینکه مبتنی بر فرد گرایی باشد، بر جامعه گرایی مبتنی است. در این اقتصاد جامعه اصل است.

در اقتصاد سوسیالیستی به جای نفع فردی نفع طبقاتی مطرح است، اما در اقتصاد سوسیالیستی آزادی مطرح نیست؛ زیرا از نظر مارکس، آزادی فردی مخل روابط اقتصادی و اجتماعی سوسیالیستی است. (مصباحی، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، ص ۱۳-۱۱)

الف - ویژگی های اقتصاد اسلامی

آیت الله مکارم شیرازی چهار ویژگی اقتصاد اسلامی را بیان می کند:

۱. بهره گیری از عنصر ایمان و اخلاق و کاربرد آن در تولید و مصرف و خدمات

۲. مالکیت در شکل نمایندگی خدا

۳. کنترل دقیق روی تولید و مصرف

۴. هدفمند بودن مالکیت

(مکارم شیرازی، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، ص ۱۰۸)

۳- ارکان اقتصاد اسلامی :

شهید آیت الله سید محمد باقر صدر(ره) در کتاب (اقتصادنا) که چندین بار به فارسی ترجمه شده است، ایشان برای اقتصاد اسلامی قائل به سه رکن هستند:

رکن اول: مالکیت چند گونه یا به تعبیر ایشان مالکیت مزدوج

رکن دوم: آزادی اقتصادی در کادر محدود

رکن سوم: عدالت اجتماعی. (صدر، اقتصادنا، ج ۱، ص ۲۹۵)

الف - مالکیت چند گونه :

در توضیح رکن اول که اقتصاد اسلامی از مالکیت چند گونه تشکیل شده است، باید گفت: منظور این است که در اقتصاد اسلامی هم مالکیت دولتی و هم مالکیت خصوصی و هم مالکیت عمومی وجود دارد.

اقتصاد اسلامی بر مبنای سه نوع مالکیت استوار است و هر سه را با هم قبول دارد. مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی، هر سه اصل در عرض هم هستند، این طور نیست که یکی از آن ها اصل و دیگری فرع باشد. این سه نوع مالکیت از آغاز اسلام پذیرفته و ماندگار شده است. اگر اقتصاد اسلامی هر سه مالکیت را پذیرفته و هر سه را اصل تلقی کرده است، به این دلیل است که هر سه در کنار هم با فطرت بشری سازگارند.

۱- مالکیت دولتی

مالکیت دولتی، به تعبیر قرآن همان انفال است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

« یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْإِنْفَالِ قُلِ الْإِنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ » (انفال ، ۳-۱)

« از تو درباره انفال سوال می کنند، بگو: انفال از آن خدا و رسول است؛ پس، از خدا تقوا پیشه کنید و در میان خود صلح برقرار کنید ».

یعنی درباره مالکیت انفال با هم به نزاع برنخیزید، منابع انفال در اختیار پیامبر است، انفال به خدا و رسول تعلق دارد.

اینکه می فرماید: انفال متعلق به خداست، فرق می کند با این معنا که آسمان و زمین و هر چه در آنهاست، از آن خداست. آسمان و زمین به نحو ملک حقیقی از آن خداست، اما انفال به صورت ملکیت اعتباری از آن خداست.

آیه دیگر در رابطه با خمس می فرماید:

«واعلموا انما غنمتم من شیء فإن لله خمسة و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (انفال، ۴۱)
«بدانید آنچه غنیمت برید و فایده به دست آورید، خمس آن به خداوند و رسول و ذی القربی و یتیمان و مسکینان و در راه مانده تعلق دارد».

در جای دیگر درباره فیه آمده است :

«ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فلله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (حشر، ۷)
«آنچه خداوند از اهل آبادیها به پیامبر خود بازگرداند، متعلق به خدا، رسول، ذی القربی، یتیمان و مسکینان و در راه مانده است».
مراد از اینکه انفال، خمس یا فیه متعلق به خداست، غیر از این است که در قرآن آمده: زمین و آسمان متعلق به خداست.
نکته قابل توجه این است که خدا در رابطه با انفال و خمس و فیه برای خود یک نحو مالکیت اعتباری قائل شده است که قابل واگذاری به پیامبر و امامان و از سوی آنها قابل واگذاری به نیازمندان است و این نوع مالکیت متفاوت از مالکیت حقیقی اوست که خداوند نسبت به همه چیز دارد.

منظور از «لله و للرسول» که در آیه آمده این است که انفال به مقام شامخ رسالت تعلق دارد؛ نه به شخص پیغمبر به عنوان شخص (انفال به مقام رسالت به عنوان شخصیت حقوقی تعلق دارد؛ نه به عنوان شخصیت حقیقی پیغمبر). پیامبر هم یک انسان است و هم دارای مقام رسالت است؛ زیرا با توجه به روایات، انفال پس از پیامبر به امام و جانشین پس از پیامبر تعلق دارد.

حال باید دید انفال شامل چه چیزهایی است. «انفال شامل زمین های موات: یعنی زمین هایی که به طور معمول قابلیت کشاورزی و بهره برداری ندارد و نیز زمین هایی که به طور طبیعی آباد هستند و به تغییر و تحول نیاز ندارند (به تعبیر فقهی المحیاه بالإصالة) می شود. علاوه بر این، سر کوهها، درون دره ها، دریاها، ساحل دریاها، رودخانه های بزرگ، معادن و ... همه از انفال است»

اگر ملاک انفال را در نظر بگیریم که عبارت است از «ما لا رب لها» یعنی آنچه که مالک و صاحب خاص ندارد، شامل فضا و عمق زمین نیز می شود.

در واقع آنچه امروز در عرف کشورها به عنوان مالکیت دولتی شناخته می شود، از انفال است که از نظر اسلامی همان مالکیت پیغمبر و امام به حسب مقامشان است.

نکته مهم در مالکیت دولتی این است که مالکیت دولت بر انفال به این معنا نیست که خود دولت باید متصدی بهره برداری و استفاده از این منابع باشد و نباید به مردم و بخش خصوصی واگذار نماید، بلکه سیره پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) نشان دهنده این است که مالکیت دولت بر انفال در مقام بهره برداری و آبادانی، قابل واگذاری به مردم است. (مصباحی، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، ج ۱، ص ۲۶ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۲)

۲- مالکیت خصوصی:

مالکیت خصوصی که در کنار مالکیت دولتی وجود دارد، عبارت است از مالکیت انسان بر حاصل کار و کوشش خود در هر مجال اقتصادی، در کشاورزی، صنایع، معادن، تجارت، خدمات، و از جمله رسول خدا (ص) در روایتی فرمود: (من احيا ارضا مواتا فهي له) (هر کس زمین مواتی را آباد کند، آن زمین متعلق به او می شود.) (العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۱۲)

۳- مالکیت عمومی:

مالکیت عمومی عبارت است از: مالکیت جمعی مسلمانان بر منابعی از ثروت که در اثر فعالیت سیاسی عمومی مانند جنگ یا صلح به دست می آورند.

در اسلام هر سه نوع مالکیت در کنار هم معتبر است. مالکیت دولتی بر انفال، مالیات ها و مستغلات اختصاصی دولت است. مالکیت خصوصی بر دستاورد های شخصی مردم و حاصل کوشش خود اشخاص است و مالکیت عمومی بر دستاورد های عمومی مسلمین مانند اراضی فتح شده و اراضی صلحی برقرار می شود. (مصباحی، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، ج ۱، ص ۳۴ و ۳۵)

ب - آزادی اقتصادی در قلمرو محدود:

۱ - آزادی اقتصادی در اقتصاد سرمایه داری:

آزادی اقتصادی در اقتصاد سرمایه داری بسیار گسترده است. مبنای آزادی اقتصادی لیبرالی دو چیز است:

الف) فرد گرایی: اقتصاد لیبرالیسم بر روی فرد و منافع فرد تأکید دارد.

ب) انسان گرایی: یعنی انسان به عنوان یک موجود رها، آزاد از دستورات الهی و به خود وانهاده شده است و محدودیتی از ناحیه شریعت برای تولید، توزیع، مبادله و مصرف ثروت نیست. تنها محدودیتهایی که نمایندگان مردم در مجالس قانون گذاری برای فعالیت های اقتصادی وضع می کنند، پذیرفته است. (همان، ص ۳۵)

۲- آزادی اقتصادی در اقتصاد سوسیالیستی:

در اقتصاد سوسیالیستی اصولاً آزادی اقتصادی مطرح نیست، چرا که اقتصادی جامعه گراست: نه فردگرا. گرچه سوسیالیسم هم معتقد به وجود دستور از سوی خداوند نیست، ولی معتقد است آزادی اقتصادی فردی موجب می شود صاحبان قدرت و ثروت از آن سوء استفاده کنند و به زیان طبقه کارگر تمام می شود. (همان، ص ۳۶)

۳ - آزادی اقتصادی در اقتصاد اسلامی:

اسلام اصل را بر آزادی اقتصادی در چهار چوبی از قوانین و مقررات الهی و ارزش ها و هنجارهای اخلاقی قرار داده است. این چهار چوب که بر حسب مصالح فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی برای فعالیت های اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مبادله و مصرف، محدودیت هایی پدید می آورد، در باور مسلمانان وارد می شود و از حیث حقوقی نیز در بخش قوانین شریعت و تکالیف الهی و

احکامی که توسط حکومت اسلامی تعیین می شود، قابلیت اجرا و عمل و قابلیت پیگیری دارد. بنابراین، در اسلام فرد در چهار چوبی از قوانین و ارزش ها آزاد است که فعالیت اقتصادی کند، هر فرد حق دارد شغلی را که مایل است انتخاب کند. البته، باید آن شغل از سوی خداوند حرام نشده باشد و نیز فرد حق انتخاب محل شغل خود را دارد و نیز در کم و کیف شغل آزاد است. به هرحال اصل بر آزادی اقتصادی است.

آزادی تولید در چهار چوبی از قوانین و مقررات و ارزش ها، آن هم تولید کالاهایی که برای جامعه سودمند است، نه زیانبار، مثل تولید مواد مخدر و مانند آن. آزادی تولید کالاها در چهار چوبی از قوانین و ارزشها، آزادی مبادله کالاها با نرخ مورد توافق طرفین در شرایطی که بیماری اقتصادی بر بازار حاکم نباشد و آزادی توزیع در آمد بر اساس توافق افرادی که با هم مشغول کار می شوند، چه سرمایه دار و سرمایه گذار و چه کارگر و کشاورز و آزادی مصرف کالاها بدون اینکه اسراف و تبذیر و اتلاف امکانات و ریخت و پاش وجود داشته باشد. در اقتصاد اسلامی آحاد و افراد مردم حق دارند سرمایه گذاری کنند و علاوه بر استفاده از نیروی انسانی، از سرمایه نیز سود ببرند، ولی از این نکته نباید غافل شد که در اقتصاد اسلامی سرمایه گذاری حق همه است. نه حق یک عده خاص و باید زمینه آن را فراهم کرد که همه افرادی که توانایی کار دارند، بتوانند کارکنند، علاوه بر این بتوانند مقداری پس انداز داشته باشند که پس انداز را سرمایه گذاری کنند، گرچه اندک باشد. (همان، ص ۳۹-۴۴)

ج - عدالت اجتماعی :

خداوند جهان را بر اساس عدل بنا نهاده است. حضرت رسول اکرم (ص) از سوی خداوند مأمور می شود که بفرماید: (قل امر ربی بالقسط) (بگو خدا من را به قسط امر فرموده است) قسط به معنای عدالت است. بنابراین، هدف از آمدن پیامبران برپای، عدل است. هدف از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نیز برپایی عدل است. عدالت اجتماعی در مقابل عدالت فردی مطرح است.

عدالت اجتماعی این است که در سطح جامعه عدالت تحقق پیدا کند. معنای عدالت اجتماعی متفاوت از عدالت فردی است. عدالت اجتماعی یک امر اجتماعی است و آثار آن قابلاً مشاهده و بررسی است. در جامعه اسلامی دستگاه قضایی باید بین قدرتمندان و ضعفا به خاطر قدرت و ضعفشان تفاوت نگذارد و سخن و موضع قدرتمندان مؤثرتر از ضعفا نباشد، بلکه بر عکس باید ضعفا مورد حمایت قرار گیرند. (همان، ص ۴۷ و ۴۸)

۴ - اهداف اقتصاد اسلامی :

اقتصاد در جامعه اسلامی وسیله ای برای رسیدن به اهداف متعالی اسلام است. هدف اصلی اقتصاد تأمین امکانات مالی و مادی لازم برای تعالی و تکامل معنوی بشر و فراهم ساختن زمینه برای نزدیک شدن انسان به خداست؛ از این رو، اقتصاد باید در جامعه اسلامی موجب ارتقای روح عبودیت، معنویت و اخلاق باشد.

اقتصاد در جامعه اسلامی باید تقویت کننده پایه های حکومت عدل اسلامی و حاکمیت مسلمانان بر سرنوشت سیاسی خود باشد؛ «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً» (نساء، ۱۴۱) زیرا بدون وجود چنین حاکمیتی، طاغوت حکمفرما می شود و جامعه اسلامی را به سوی کثر راه و هلاکت سوق می دهد و هیچ یک از اهداف متعالی اسلام محقق نمی گردد.

بنابراین، اقتصاد باید در راستای استقلال فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... همراه با اتکاء بر تواناییهای فکری، علمی و فناوری در برنامه ریزی و اجراء، با استفاده از نیروهای خلاق و مبتکر مسلمان و سرمایه های مادی داخلی و خودکفایی در تأمین کالاهای اساسی موردنیاز جامعه اسلامی باشد. «ومثلهم فی الإنجیل کزرع اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار ...» (فتح، ۲۹)

اقتصاد جامعه اسلامی باید در تولید، شکوفایی «فإذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت و انبتت من کل زوج بهیج» (حج، ۵) و در توزیع و ثروت، قسط و عدالت «لیقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵) و در مصرف کالاها و خدمات اعتدال و قوام «والذین إذا انفقوا لم یسرفوا و لن یقتروا وکان بین ذلک قواما» (فرقان، ۶۷) را محقق سازد.

اقتصاد اسلامی نه تنها باید حداقل نیازمندیهای مادی و معیشتی محرومان و ضعیفان را فراهم کند، بلکه باید حداقلی از رفاه آنان نیز تأمین کند؛ به گونه ای که نه تنها فقر ریشه کن شود، بلکه سطح قابل قبولی از رفاه بین همه توزیع شود. «لو عدل الناس لاستغنوا» (کلینی، اصول کافی؛ ج ۱، ص ۵۴۲)

اقتصاد جامعه اسلامی باید امکانات علمی و فناوری برای رشد و توسعه اقتصادی را فراهم سازد، به طوری که جامعه اسلامی از نظر اقتصادی پیشرو و پیشگام سایر جوامع بشری شود. «الإسلام یعلو ولا یعلی»، (العاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۴) (مصباحی، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، ص ۶۳-۶۲)

۵ - تعریف تمدن اسلامی :

تمدن اسلامی بیانگر همه جانبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ۱۱۳)

الف - اقتصاد در اسلام :

از جمله اصول ثابت و کالبد ساز معرفی شده است از این روست که در آموزه های اسلامی همواره: از جمله آیه ۳ سوره بقره ، در کنار توحید و امور عبادی محض چون نماز قرار گرفته و حتی در آیه ۶۱ سوره هود به عنوان مأموریت اصلی بشر در زمین و علت انشاء و ایجاد انسان خاکی دانسته و معرفی شده است. چرا که هدف و فلسفه آفرینش بدون فعالیت های اقتصادی بشر در زمین شذنی نیست.

نویسنده در این مطلب بر آن شد تا ضمن بیان جایگاه و اهمیت اقتصاد در فرهنگ قرآنی، نقش آن در ایجاد تمدن نوین به عنوان یک اولویت بسیار مهم و اساسی براساس آموزه های قرآن تبیین نماید.

ب - اقتصاد از اصول تمدن اسلام :

با نگاهی به آموزه های قرآنی میتوان دریافت که اقتصاد جایگاه بس والایی در فرهنگ قرآنی برخوردار می باشد. اگر به آیات قرآنی نگاهی گذرا انداخته شود، همواره در کنار اصولی چون، توحید و معاد و نبوت و فروع اساسی چون نماز، انفاق و زکات و حقوق مالی مطرح شده است. (بقره ، ۵-۱)

خداوند در همین آیات و آیات دیگر رستگاری و سعادت واقعی انسان را در اموری چون یکتاپرستی و سلامت امور اقتصادی و پرهیز از هرگونه فساد انگیزی می داند. (اعراف، ۸۵ و هود، ۸۶-۸۴)

همچنین از ایه ۵ سوره نساء بر می آید که جامعه انسانی با اقتصاد قوام می یابد و اگر اقتصاد در جامعه اسلامی وجود نداشته یا به شکل درستی مدیریت نشود، جامعه انسانی فرو می پاشد.

اینکه خداوند فرمان به انفاق می دهد یا از هر تولید و درآمد و ثروتی بخشی را از حقوق الهی و حقوق مردم تهیدست و بینوا می شمارد. (ذاریات، ۱۹) (معارج، ۲۵) به معنای لزوم فعالیت های اقتصادی و کار و تولید و ثروت است. چرا که بدون تولید ثروت و فعالیت های اقتصادی نمی توان از بخشش و احسان و انفاق و حقوق مالی سخن گفت.

رهبری به عنوان امام و مدیریت جامعه موظف است تاهم پای اصول اعتقادی و فعالیت های فرهنگی و عبادی به فعالیت های اقتصادی توجه کند و قطعات بخش های اعتقادی و اقتصادی را به عنوان قطعات اصلی کالبد و اسکلت ساختمان انسان و جامعه بداند و برآن تأکید کند. از این روست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیامبران دیگر، در کنار قطعات اعتقادی به قطعات اقتصادی توجه داشتند زیرا اگر اعتقادات را آهن های ساختمان انسان و جامعه بدانیم اقتصاد آجرهای این ساختمان است. این آهن و آجر است که فیزیک اصلی ساختمان انسان و جامعه را می سازد. از این روست که پیامبران از جمله حضرت شعیب (علیه السلام) و حضرت یوسف (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام) و پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به اقتصاد در تحقق جامعه آرمانی توجه خاص و ویژه ای مبذول داشته اند و حضرت شعیب (علیه السلام) می فرمایند: که وظیفه من در صدر آموزش ها، اصول اصلاح اعتقادات و اقتصاد در جامعه است. تا اسکلت بنای انسانیت و جامعه شکل بگیرد و هر آنچه در توان دارم در این دو بخش اصلاح اصول اعتقادی و امور اقتصادی هزینه می کنم. (اعراف ۸۵، هود ۸۷-۸۴، شعراء ۱۷۷ - ۱۸۳)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در همه مدت رهبری و امامت خویش تلاش کرد تا جامعه تمدنی اسلام را براساس اصول اعتقادی و امور اعتقادی سالم و صحیح برپا دارد. از این روست که به تمام مباحث ریزو درشت اقتصاد از معاملات و اجاره و گردش پول و مانند آن توجه داشته است و بخش مهمی از آیات قرآنی به این امور اختصاص یافته است. آموزه های اسلامی به گونه ای به امور اقتصادی توجه دارد که از تولید، توزیع و مصرف همه چیز می بایست در چارچوب قوانین عادلانه و سالم قرار گیرد و نظارت دائمی بر آن اعمال شود. (حشر ۷) (یوسف ۵۵) (نساء ۵) (کهف ۹۳-۹۷)، (شعراء ۱۷-۱۸۳) (news. <http://www.Farsnews.com>)

ج - جهاد اقتصادی حرکتی دائمی :

هر چند که در جهان امروز رهبری جهان اسلام، فرمان جهاد اقتصادی را با نام گذاری یک سال به آن صادر می کند ولی باید توجه داشت که این فرمان برای یک دوره زمانی نیست، چرا که اگر بخواهیم نقشه و نظر به اسلام را در خصوص جامعه و امت از روی ورقه های قرآن و سنت و سیره معتبر در واقعیت خارجی تحقق بخشیم می بایست با جهاد اقتصادی در کنار جهاد علمی و فرهنگی و اعتقادی بهاء دهیم.

اگر تمدن اسلامی با اقتصاد قوی ایجاد شود و دو جنبه دنیا و آخرت، مادیت و معنویت در ساختمان خارجی تمدن اسلامی پیش چشم دوست و دشمن قرار گیرد، امکان آن است که الگویی برای جهانیان شود و مردم به تبعیت از آن علیه گفتمان استکباری غرب قیام کنند. (بقره ۱۴۳ و حدید ۲۵) از این روست که فشار های اقتصادی و تحریم های همه جانبه از سوی استکبار جهانی شکل گرفته است.

بنابراین، فرمان جهاد اقتصادی یک فرمان موقت و متغیر برای سالی و ماهی نیست بلکه یک فرمان برای کلیت زمان است که تمدن اسلامی شکل می گیرد و می خواهد ادامه حیات دهد. زیرا هرگونه سستی در بنیادهای اسکلت و کالبد اصلی، ظاهر زیبایی تمدنی اسلام را تخریب می کند و باعث فروپاشی آن می شود.

د - دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر :

در حدود نهصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره)، مبانی اقتصاد (پایان ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میانہ روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) مطرح شده است.

به استناد مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) دو پایه اقتصاد اسلامی عبارتند از:

۱- افزایش ثروت ملی که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین المللی پیش ببرد.

۲- توزیع عادلانه ثروت و رفع محرومیت در جامعه اسلامی. (بیانات معظم له ۱۳/۱۱/۱۳۸۵)

تز اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

۶- عدالت اقتصادی :

اسلام عدالت اقتصادی را به عنوان هدف ارسال رسل و انزال کتب معرفی می کند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»

«به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف عدل برخیزند.»

(حدید، ۲۵)

در این آیه شریفه هدف از ارسال پیامبران و انزال کتاب و میزان، اقامه قسط و عدل در حیات فردی و اجتماعی انسان ها معرفی شده است. بنابراین، آیه مزبور عدالت اجتماعی را به شکل کلی و در تمام زمینه ها، از جمله اقتصاد، به عنوان هدف برای برنامه ها و دستورات پیامبران مطرح می کند. (هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۵۶)

الف - قدرت اقتصادی حکومت اسلامی :

دومین هدف اقتصادی اسلام که میتوان آن را عنصری بیرونی یا فرا مرزی دانست. قدرت اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومت هاست که این امر به دو منظور می باشد:

الف) ترساندن کفار و دشمنان خارجی تا به ذهن آنها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی (محاصره اقتصادی) خطور نکند.

ب) بدون شک چنین قدرت اقتصادی زمانی برای حکومت اسلامی محقق می شود که از استقلال اقتصادی نیز برخوردار باشد. به دیگر سخن، استقلال اقتصادی شرط لازم برای چنین قدرتی خواهد بود، هر چند شرط کافی نباشد.

آیاتی که می توان به عنوان نمونه برای اثبات این مطلب به آنها استدلال کرد، عبارتند از:

۱- «واعدو لهم مستطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم»

«وهرچه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.» (انفال ۶۰) (همان ، ص ۷۹)

آیه مزبور به تجهیز نظامی مسلمانان برای ترساندن کفار امر کرده است تا آنان اندیشه هجوم بر جامعه اسلامی را به اذهانشان راه ندهند و بدون شک در صورتی تجهیز نظامی، دشمنان را از نقشه تجاوز منصرف می کند که توانایی جنگی جامعه اسلامی از نظر کیفی و کمی در حد عالی و برتری حتمی نسبت به تجهیزات دشمنان در همان عصر باشد و چنین امری جز در پرتو قدرت اقتصادی میسر نخواهد بود. (همان ص ۸۰)

۲- « يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين » « ای کسانی که ایمان آورده اید کافران را به جای مومنین به دوستی خود مگیرید.» (نساء ۱۴۴)

در آیه مزبور بر این مطلب تأکید شده است که مؤمنان نباید کفار و ظالمین را محل سکون و آرامش و اعتماد خود قرار دهند و آنان را ولی و دوست خود بگیرند و نباید هیچ گونه سلطه ای را از جانب کفار و ظالمین پذیرا باشند، و این دستورات به منظور حفظ عزت و بزرگواری مؤمنان و استقلال آنها در اندیشه و اعتقاد و تصمیم گیری و عمل بر طبق معتقدات اسلامی برای گیاده کردن دستورات و ارزش های دین در جامعه و حفظ جامعه از هجوم و سلطه فرهنگی کفار است. حال اگر جامعه اسلامی از نظر اقتصادی وابسته به حکومت کفار و ظالمین باشد، هیچ یک از این امور حاصل نخواهد شد.

چون در این صورت جامعه اسلامی مجبور است برای رفع احتیاجات اقتصادی خود در مقابل کفار و ظالمین نرمش نشان دهد و از بعضی از مواضع اصولی خود عقب نشینی کند، زیرا به طور حتم وقتی کفار و ظالمان، حکومت اسلامی را از نظر اقتصادی محتاج و وابسته به خود ببینند، حاضر نمی شوند حاجات آنان را در مقابل ثمنی بخش و بهایی اندک برآورده سازند، بلکه حکومت اسلامی را وادار می کنند بسیاری از اهداف اصولی خود را که همان اجرای دستورات الهی است، کنار بگذارد. از سوی دیگر، در ضمن برآوردن حاجات اقتصادی جامعه اسلامی و در این پوشش، فرهنگ خود را که همان فرهنگ الحادی و ضد ارزش های اسلامی است، به شکل های گوناگون به جامعه اسلامی وارد می کنند.

با این وصف، هیچ شکی باقی نمی ماند که قدرت اقتصادی حکومت اسلامی از اهداف نظام اقتصادی اسلام می باشد. (همان ص - ۸۱ ۸۲)

ب - رشد اقتصادی :

بدون شک برای تحقق عدالت اقتصادی و ایجاد رفاه عمومی سطحی خاص از توانایی اقتصادی لازم است و برای رسیدن به این سطح ناگزیر از رشد اقتصادی هستیم. همچنین قدرت اقتصادی و اقتدار مالی حکومت اسلامی نیازمند از میان بردن فاصله اقتصادی بین کشورهای اسلامی و سایر کشورها است که این امر نیز به نوبه خود آهنگ سریعی از رشد اقتصادی می طلبد. بنابراین، هنگامی که اسلام عدالت اقتصادی، مشتمل بر رفاه عمومی، و قدرت اقتصادی حکومت اسلامی را به عنوان هدف اقتصادی خود معرفی می کند، بدون شک رشد اقتصادی برای رسیدن به سطح لازم توان اقتصادی که تحقق بخش این اهداف باشد را نیز مطلوب می شمارد. (همان، ص ۸۲)

افزون بر این، اسلام به کار انداختن سرمایه و فعالیت اقتصادی را تشویق می کند و تلاش برای معاش خانواده را چون جهاد در راه خدا می شمارد. (العالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴-۴۲)

امام صادق علیه السلام به زراره فرمودند: شخص چیزی سخت تر از مال را که بعد از خود به جا نمی گذارد. زراره می گوید با آن چه کند؟ حضرت فرمودند: آن را در [راه آباد سازی] باغ و بستان و خانه قرار دهد. (همان، ص ۴۴). و در روایتی از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

«عمل لدنیاک کانک تعیش أبدا» (برای دنیایت آنچنان کار کن که گویا تا ابد زنده هستی) (همان، ص ۴۹). و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که خداوند تبارک و تعالی غربت کشیدن برای طلب روزی و کسب درآمد را دوست دارد. (همان، ص ۵۰).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: من دوست دارم مردی را ببینم که برای طلب روزی به راه افتاده است. و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در کسانی که به سرعت به کار می پردازند، برای امت من برکت قرار ده. (همان، ص ۵۰). و از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل است که مبادرت و تسریع برای کسب روزی، درآمد را زیاد می کند. (همان، ج ۱۱، ص ۲۷۵)

این تشویق ها را می توان نشانه ی پذیرش اندیشه رشد اقتصادی از سوی اسلام دانست.

ج- استقلال

«استقلال» شرط لازم قدرت حکومت اسلامی است و بدون آن تحقق اقتدار اقتصادی حکومت متصور نیست. مقصود از «استقلال» این است که جامعه بتواند نیازمندی های خود را در حد قابل قبولی از رفاه، تولید کند و در اداره امور اقتصادی نیازمند و متکی به دیگران نباشد، هر چند ترجیح دهد، برخی از نیازهای اقتصادی خود را، به دلیل هزینه پایین تر، یا امر دیگری، از خارج کشور تأمین نماید.

البته برخی استقلال را مستلزم اقتدار دانسته اند و کشوری که از اقتدار اقتصادی برخوردار نباشد، فاقد استقلال شمرده اند، (مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۲۰۳) در حالیکه اقتدار از لوازم استقلال نمی باشد. یک کشور ممکن است روی پای خود بایستد، ولی نتواند حرف اول را در روابط تجاری با دیگران بزند، در این صورت «استقلال» حاصل است و کشور نیازی به دیگران ندارد. ولی به اصطلاح اقتصاددانان از «قدرت چانه زنی» برخوردار نیست و نمی تواند شرایط خود را در روابط تجاری با دیگران حفظ کند. در نتیجه فاقد اقتدار است. با این وصف، «استقلال» به عنوان شرط «اقتدار» می تواند هدف اقتصادی اسلام محسوب شود، و به عنوان هدفی مستقل در عرض آن قابل طرح نیست.

برخی «حاکمیت سیاسی» را جزء اهداف اقتصادی اسلام معرفی کرده اند. (همان، ص ۱۹۵-۱۹۴) درحالی که این امر عنصری سیاسی و یکی از اهداف سیاسی اسلام است و هر چند میتوان آن را جزء اهداف اقتصاد به شمار آورد، ولی نمی توان آن را در زمره ی اهداف اقتصادی اسلام ذکر کرد و ما قبلاً تذکر دادیم که در این کتاب بین اهداف اقتصاد و اهداف اقتصادی تفکیک و تنها از اهداف اقتصادی گفتگو می کنیم. البته بدون شک «نظام اقتصادی اسلام» یکی از نظام های وابسته به منظومه ی نظام های اسلامی است که می تواند به صورت غیر مستقیم، و گاهی مستقیم، در دستیابی به اهداف سیاسی اسلام مؤثر باشد.

ولی این مقدار تأثیر موجب نمی شود که آن را جزء اهداف اقتصادی اسلام برشماریم، در این صورت به دلیل تأثیر و تأثر نظام ها در منظومه ی نظام های اسلامی، باید اهداف هر حوزه ای را در زمره اهداف سایر حوزه ها و زمینه ها محسوب نمائیم، که این امر امکان تفکیک مکاتب و نظام های مربوط به هر ساحت را از بین می برد.. (هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۸۴-۸۳)

۷- آزادی اقتصادی

یکی دیگر از مبانی اقتصاد اسلام، «آزادی اقتصادی» است. هر فرد، از دیدگاه اسلام، میتواند در انواع فعالیت های اقتصادی، به شرط رعایت حدود و مقررات اسلامی، وارد شود. بنابراین، هر چند اصل اولی در زمینه ی فعالیت اقتصادی از دیدگاه اسلام، آزادی است، ولی این آزادی، برای رسیدن بشر به سعادت و کمال واقعی، محدود به حدود الهی شده است. و این امر کاملاً منطقی و عقلانی می باشد، زیرا آدمی در پرتو آزادی، به رشد

مطلوب خود دست می یابد و می تواند استعدادهای مربوط خود را، چنان که باید، به ظهور رساند.

به دلیل ناتوانی بشر در تشخیص مصلحت واقعی خود و آزمندی و طمع او که باعث می شود تنها به حاصل عاجل کار خود بیندیشد و از اثر آجل آن غفلت کند، اگر آزادی او به وسیله ی هدایت های الهی و ضوابط شرعی جهت داده نشود، نتیجه ای جزء نابودی امکانات سعادت واقعی و تلاش برای سلطه بر دیگران، و بی توجهی هر چه بیشتر از معنویات، نخواهد داشت. و از این رو، اسلام، نه مانند سوسیالیسم به کلی با آزادی اقتصادی مخالفت و آن را مضر به حال جامعه دانسته و نه مانند سرمایه داری با طرح آزادی بدون قید و شرط، زمینه ی فساد و تباهی آدمی را فراهم کرده است. بلکه به تعبیر شهید صدر راهی میانه را پیموده که آزادی را تصفیه می کند و آن را صیقل می زند و از آن وسیله ای برای اصلاح و خیر انسانیت می سازد. (صدر، اقتصادنا، ص ۲۹۸)

مسأله آزادی اقتصادی افراد، در محدوده ی قوانین شرع به گونه ای واضح به نظر می رسیده است که بیشتر مطرح کنندگان این مطلب، دلیلی برای آن از اسلام جستجو نکرده و به وضوح و روشنی آن بسنده کرده اند. با این همه اگر بخواهیم آیاتی چند از قرآن کریم را به عنوان شاهد بر این مطلب ذکر کنیم، می توانیم به آیات زیر اشاره نمائیم:

« فإذا قضیت الصلوة فانتهروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله » « وقتی نماز را برپا داشتید در روی زمین منتشر شوید و بجوئید از فضل پروردگار » (جمعه، ۱۰)

در این آیه به تلاش برای کسب معاش اشاره، بلکه ترغیب، شده است که ای انسان برای کسب و کار و بدست آوردن معاش حرکت کن، بدون آن که ذکری از محدودیت به میان آید. این آیه را می توان به عنوان دلیل بر پذیرش آزادی انسان در زمینه ی کار و تولید از سوی اسلام، مطرح کرد.

اما در زمینه ی مصرف، برای اثبات آزادی افراد از دیدگاه اسلام میتوان به آیه ۱۱۴ سوره نحل اشاره نمود: « کلوا مما رزقکم الله حلالا طیباً و اشکروا نعمت الله إن کنتم ایّاه تعبدون » « از رزق حلال و طیبی که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و نعمت الهی را شکر کنید، اگر او را می پرستید. »

در این آیه، اکل رزق و روزی الهی، که شامل تمام أنحاء بهره برداری از نعمت های خدادای می شود و اختصاص به خوردن و بلعیدن ندارند، مجاز شمرده شده است.

البته باید توجه داشت که اسلام در عین اینکه انسان را نسبت به فعالیت های اقتصادی آزاد گذارده و در بعضی موارد او را به آن ترغیب کرده و حتی تلاش در راه کسب معاش را عبادت (العاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳) و کشته شدن در راه حفظ و کسب مال را شهادت شمرده است، (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۲۲۶، ۳۵۵، ۳۶۴) همواره به انسان گوشزد کرده است که ای انسان مبدا تلاش و کوشش برای کسب مال، تو را از هدف اصلی خلقت غافل کند.

نتیجه گیری :

اقتصاد که با معیشت آدمی در دنیا ی خاکی سر و کار دارد ؛ از تاریخ انسان جدایی نداشته و ندارد و همواره دغدغه های اقتصادی بخشی از توانایی های فکری و عملی آدمیان را به خود اختصاص داده و اسلام نیز در این باب مطالب فراوانی دارد . اهمیت اقتصاد تا بدان اندازه است که بزرگان دین فرموده اند: (کم مانده است که فقر به کفر تبدیل شود.) (هر گاه فقر از دری وارد شود ایمان از در دیگر خارج می شود.) فقر زدایی، پروسه ای است که نتیجه آن، ایمان زایی، عدالت گستری، رفاه عمومی، زدودن بسیاری از تخلفات و جرم ها و عداوت ها و مانند آن است. همه ساله مقام معظم رهبری، همزمان با پیام نوروزی سالانه خود، برای هر سال عنوانی را بر می گزینند، عنوانی که از امام خمینی (ره) آغاز شده و ده سالی است که با اقتصاد گره خورده است. از سال ۸۷ تاکنون عناوین سالانه منتخب رهبری به نوعی با مسائل اقتصادی گره خورده است. عناوینی که از اصلاح الگوی مصرف و کار مضاعف آغاز شده و در دو سال ۹۵ و ۹۶، اقتصاد مقاومتی نامیده شد. امروز با وجود تحریم های اقتصادی از سوی آمریکا کشور ما تشنه فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه گذاری مطمئن است. از همه مهم تر، همت مضاعف و کار مضاعف در مبارزه با فقر، در مبارزه با فساد، در مبارزه با بی عدالتی، این ها چیز هایی است که ما در پیش روی خودمان داریم. ملت، دولت و همه ی مسئولان باید تلاش کنند و از آن جا که افرادی سود جو در کشور اموال بیت المال را تصرف می کنند و به مردم خیانت می کنند باید جوانان و نسل جدید را با اقتصاد اسلامی و جهاد اقتصادی و نحوه ی در آمد زایی حلال آشنا کرد تا خودشان با تولید ملی و کار مضاعف بتوانند روی پای خود بایستند و روزی حلال به دست آورند.

فهرست منابع

قرآن

الف - کتب فارسی:

- ۱- احمد دیهمی، خشایار، در آمدی بر تاریخ تمدن (ویل دورانت، بطحایی)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چ ۱، ۱۳۶۸.
- ۲- زاهدی، محمد جواد مازندرانی، فرهنگ علوم اجتماعی (گولد، جولیوس و لکولب، ویلیام) تهران، انتشارات مازیار، چ ۱، ۱۳۷۶.
- ۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ ۱۱، ج ۱، ۱۳۷۶.
- ۴- سبحانی، حسن، نظام اقتصادی اسلام، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱، ۱۳۷۳.
- ۵- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، بی جا، بی تا.
- ۶- مصباحی، غلامرضا، کلیاتی از اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۵.
- ۷- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، چ ۱، ج ۱، ۱۳۷۵.
- ۸- نظری، حسن، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، بی جا، بی تا.
- ۹- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، بی جا، بی تا.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، خطوط اصلی اقتصاد اسلامی، بی جا، بی تا.

ب - کتب عربی:

- ۱- العاملی، شیخ الحر (محمد بن حسن)، وسائل الشیعه، بی جا، قوم آل البيت، ج ۲۵، چ ۳، ۱۴۱۶.
- ۲- بندر ریگی، محمد، المنجد، بی جا، انتشارات اسلامی، ج ۱، چ ۱، ۱۳۸۷.
- ۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، (بیروت: دارالوفاء)، تهران، دار الکتب اسلامی، چ ۳، ۱۴۰۳.
- ۴- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵.
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم الدار الشامیه، چ ۱، ۱۴۱۲ هـ.

ق .

- ۶- نصر، حسین، آرمان ها و واقعیت های اسلام، (ترجمه: رحمتی، ان شاء الله) تهران، جامی، ۱۳۸۲.
- ۷- حسین بن محمد دامغانی، ابو عبد الله، الوجوه و النظائر، تحقیق، محمد حسن ابو العزم زفیقی، قرن پنجم هجری.

- ۸- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، بی جا، ج ۱، بی تا.

ج - مقاله ها:

- ۱- مبانی اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- ۲- هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام.

د - اینترنت:

News.http: www. Fars news .com1-

جایگاه تمدن در استنباط احکام شرعی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

سیده سمیه موسوی

چکیده

خداوند متعال برای هدایت بشر و برای رساندن به سعادت ابدی یک سلسله دستورها و قوانینی را بیان فرموده که توسط هدایت گرانی چون پیامبران و ائمه اطهار به دست انسان رسیده است و عمل به آن دستورها متضمن سعادت دنیوی و اخروی اوست و انسان را به سرمنزل مقصود خواهد رساند. در این میان شارع مقدس یک دسته از این دستورها و قوانینی را که بشر قادر به فسخ آن ها نیست خود تحت عنوان احکام تاسیسی یا حکومتی بیان فرموده اما از باب رحمت و سهولت در کار بندگان جهت اداره امور و تنظیم روابط بین افراد جامعه شیوه های رایج و قوانین مختلفی را که عقلای جوامع بشری برای پیشبرد زندگی روزمره خود بنیان نهاده اند مورد امضاء و تایید خود قرار داده است. این شیوه ها و بناهایی که عقلا در رابطه با موضوعات درپیش می گیرند در لسان فقها، سیره و بناء عقلا نامیده می شود از آن به عرف یاد می کنند که در بسیاری از روابط و امور مربوط به انسان به ویژه روابط تجاری و معاملات جایگاه و نقش عظیمی دارد.

بدون شک اگرچنین سیره و بناهایی از طرف شرع نادیده گرفته می شد نظام زندگی انسان مختل می گشت. لذا با توجه به این روابط و معاملات پیچیده کنونی تنها استنباط حکم از طریق عرف توسط ولی فقیه جامعه اسلامی امکان صحت عمل در انجام وظایف شرعی وجود دارد.

کلیدواژه: تمدن نوین اسلامی، عرف، استنباط، احکام حکومتی

مقدمه

ارمغان جاودانه اسلام برای بشریت فرهنگ و تمدن عظیم و انسانی جامعی بود که بشریت را برای همیشه و امدار خود نمود. در این تمدن قرآن کریم مرکز ادبیات مدون عرب و نقطه اساسی علم، علم آموزی شد. در مرتبه پس از قرآن سخنان تعالیم پیامبر و ائمه و بزرگان دین که از آن به سنت تعبیر می شود. تمدن اسلامی در حقیقت همان تمدن عقل می باشد که با امضاء و اجازه شارع حجت شده لذا در تمدن اسلامی توجه به عرف و عادت های عموم جامعه ارزش بوده و آن را به عنوان ملاک و معیاری برای تشخیص و استنباط احکام شرعی نام نهاده احکامی که ریشه در فرامین الهی داشته و احکام حکومتی است که به مقتضای زمان و مکان و شرایط تغییر پذیر است را استخراج کرده و مطابق شرایط روز به جامعه ارائه می دهد تا اثرات کامل بودن دین هر آینه معلوم شود در هر زمینه و موضوعی مسائل خالی از حکم نبودند و دین برای همه لحظات انسان قرار داده شده است.

۱- مفهوم شناسی

معنای لغوی واژه تمدن حضاره می باشد به معنای شهر است. حضاره به شهرها، روستاها و ده ها گفته می شود. حضاره به معنای اقامت در حضر است به معنای حضور وجود و استعداد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۶۳) (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۴۰۲) (قرشی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۴۴) (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۵۳)

درفرہنگ فارسی تمدنی چنین تعریف شده است شهر نشین شدن یا خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگی اجتماعی، همکاری مردم بایکدیگر در امور زندگی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود. (عمید، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۳۰)

معنای اصطلاحی واژه تمدن حضاره را یکی از مراحل زندگانی جامعه دانسته که مرحله بداوت آن رابه کمال می رساند. حضاره و بدوات همدیگر را کامل می کنند حضاره به معنای تاسیس شهرها و شهرک ها و استقرار است که حکومت، مدنیت، مکاسب زندگی، صنایع و علوم، وسایل رفاه و آسایش در آن پدید می آید. (سپهری، ۱۳۸۵، ص ۳۱) تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد و فردی، جامعه را پوشش می دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳)

۲- ابعاد مختلف تمدن دینی

از میان همه ی ملت های زیرستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می گمارد؛ در میان ملت هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار رابه نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت ها، آرمان های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و این که وارد دومین مرحله ی خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که این که وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می شود. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲-۱-۱-۲- بعد علمی

۲-۱-۱-۲- تولید علم

۲-۱-۱-۲- علم در قرآن و روایات

علیم از اسما مقدس خداوند است و او عالم ترین موجود هستی است. قرآن نیز اولین معلم انسان را خداوند معرفی می کند. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا». تعریف و تمجیدی که قرآن مجید از علم و دانش نموده نظیر آن در هیچ کتاب آسمانی دیگر یافت نمی شود قرآن مجید در صدها آیه به طرق مختلف نام علم و دانش را آورده و آیات اولیه ای که خداوند متعال به پیامبر (ص) نازل فرمود: با کلمه (إِقْرَأْ) یعنی بخوان بود پس خداوند سبحان با تأکید بر این که بخوان، خود را علم انسان نامید. «إِقْرَأْ بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ». (علق، آیه ۱)

قرآن مجید علم و آگاهی را پیش نیاز هر فعالیت می داند. خداوند متعال به بشر توصیه می کند که درباره آن چه علم ندارد، پافشاری نکند زیرا از چشم و گوش، قلب، همه اعضاء بازخواست می شود. (اسراء، آیه ۲۶ و ۲۷) (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۴۷)

روایات بسیاری در مورد علم وجود دارد از جمله سخن پیامبر اکرم (ص): «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ جَسْتَجُو وَطَلَبُ الْعِلْمِ بِرَهْرٍ مُسْلِمَانِي وَاجِبٌ اسْت.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۱۸۰)

۲-۱-۲- علم آموزی

آیاتی که انسان را به افزایش علم از طریق ابزارهایی که دارد ترغیب می کند «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُتُونِ امْهَاتِكُمْ لِتَعْلَمُونَ شَيْءٌ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (نحل، آیه ۷۸)

از آن جاکه فریضه به معنی واجب است، استاد مطهری ضمن نقل این حدیث می فرماید: معنی حدیث این است «یکی از فرایض اسلامی و واجبات اسلامی در ردیف سایر واجبات و فرایض طلب و تحصیل علم است، تحصیل و طلب علم بر هر مسلمانی واجب است اختصاص به طبقه و دسته ای دون طبقه و دسته ای ندارد. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۶۳)

۲-۱-۲-۱- علوم مادی و اسلامی

علوم دینی یعنی علوم که مستقیماً مربوط به مسائل اعتقادی یا اخلاقی یا عملی دین است یا علوم که مقدمه یادگر معارف یا دستورها و احکام دین است از قبیل ادبیات عرب یا منطق در واقع علوم دینی منحصر است به همان متون اولیه دینی یعنی خود قرآن کریم و متن سنت پیغمبر یا اوصیای آن حضرت. این تقسیم درست نیست زیرا این توهم پیش می آید که علوم غیر دینی از اسلام بیگانه اند، جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می کند که هر علم مفید نفعی را که برای جامعه اسلامی ضروری و لازم است علم دینی بخوانیم. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۱ و ۱۷۳) (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵)

در عرف جامعه به کسی عالم می گویند که صاحب تحصیلات عالی و آثار تحقیقی در یک مبحث داشته باشد. اما بعضی از دانشمندان بالین که عضو برجسته جامعه می باشند از آن جا که فاقد تقوا و ایمان می باشند علم این ها بیش از آن که سود رساند زیانبخش بوده کسی که در جهت گسترش دنیا طلبی به دنبال علم باشد نمی توان آن را عالم دانست چرا که طبق آیه قرآن «انما یخشی الله من عباده العلما» (فاطر، آیه ۲۸) عالم واقعی را کسی می داند که ترس از خدا آنرا را از تخطی از احکام الهی بازدارد و از هیچ امری هوای نفس را دخالت ندهند. لذا کسی که به عالی ترین سطوح علمی برسد اما تقوا و ایمان نداشته باشد این علم او فقط به فساد طلبی و سقوط از مقامات انسانی منجر می شود. (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ص ۱۷۲)

اسلام به فرهنگی که از ایمان جدا باشد معتقد نیست و تجربه نشان داد که چنین فرهنگی برای بشرکاری نمی کند. روح و فرهنگ اسلامی توأم بودن علم و ایمان است. (همان، ص ۱۷)

یکی از مهم ترین اموری که نقش اساسی در تمدن و فرهنگ انسانیت داشته حروف الفباست. این حروف و اصوات که به صورت حروف درمی آید، نقش مهمی در زندگی اجتماعی انسان دارد. (همان، ص ۵۶-ج ۸، ص ۲۳۹-ج ۱۴، ص ۴۳)

پیغمبر اکرم (ص) که مبعوث شد چه چیزی اگر ساخته بود می توانست آن چنان چهره دنیا را تغییر دهد و تاریخ را در مسیر جدیدی بیندازد و تمدن و فرهنگی به وجود بیاورد که به اقرار و اعتراف همه دانشمندان تمدن شناس و تاریخ شناس و جامعه شناس اروپا یکی از چند تمدن و فرهنگ معدود بزرگ دنیاست. (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۷، ص ۱۳۳)

عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها درهنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش میرویم ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع وجدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد درپیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید. (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷)

۲-۲- بعد فرهنگی

۲-۲-۱- رفتارهای اجتماعی

انسان در مسیر زندگی خود نیازهای گوناگون دارد چون پاسخ گویی به آن نیازها، رفتارهای متفاوتی را می تواند داشته باشد، شریعت دینی و در نتیجه فقه به اعتقاد ما رفتار احسن و اقبیح را تعیین می کند: الف) نیازهای طبیعی چون تغذیه، مسکن، دفاع از خود، نقل و انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر.

ب) نیازهای روحی و معنوی؛ مربوط به حوزه روان شناسی است که منشأگرایش های خیرخواهانه یا شرطبانه در وجود انسان می باشد و موجب صدور رفتارهای ارزشی و ضد ارزشی از انسان می شود مثل نیاز به آرامش روح و پرستش نیاز به محبت و احسان.

ج) نیازهای اجتماعی؛ نیازهایی که ضرورت ارتباط بادیگران و زندگی در کارآن ها این نیازها را به وجود آورده است به این که این ضرورت همیشه در روان و سرشت آدمی و نیازهای روحی و یا ریشه در نیازهای زیستی و طبیعی دارد. پاسخ گویی به این قسم از این نیازها و به طور کلی تنظیم روابط اجتماعی انسان ها، سبب به وجود آمدن نظام ها و نهادهای مدنی و اجتماعی متنوعی گشته، نظیر نظام خانواده، مالکیت، اقتصاد، سیاست و حکومت.

تحقق زندگی مناسب اجتماعی در جامعه، مستلزم عمل به دستورهای شرع و آن نیز منوط به فراهم آوردن دوساز و کاریکی تبیین احکام و برنامه های شریعت اسلامی و دیگری ارائه الگوهای عملی آن برنامه ها، تا آحاد جامعه در اثر عمل به این دستورها و تأسی نسخه های عملی آن به وظایف خود عمل کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۶۹) (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۹۳)

۲-۲-۱-۱- نظریه هانتینگتون

از نظر مصداقی هانتینگتون معتقد است که سریع ترین و حساس ترین برخوردها بین تمدن غرب و تمدن کنفوسیوسی و اسلامی رخ خواهد داد. (اسحاقی، ۱۳۸۲، ص ۶۵)

در پاسخ باید گفت: مشکل اساسی اسلام خود غرب است یعنی تمدنی متفاوت که مردمانش به جهان شمول بودن خود ایمان دارند از سوی دیگر وی تمدن را دو مفهوم همسان و درهم فرو رفته می پندارد که این پنداشتش نیز اشتباه می باشد. (همان، ص ۷۴)

امروزه هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می خواهیم. ملت های اسلامی ظرفیت های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیت ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۶/۲۷)

ذیل فرهنگ دینی قرار گرفتن به این معنا است که جان و غرب را تحت شعاع آن فرهنگ قرار دهیم و موانع تجلی نور حقایق قدسی را از جان خود بزداییم. تمدن اسلامی نظم و مناسبات خود را می طلبد. فرهنگ مدرنیته طرح جامعی برای سعادت بشر ندارد و انسان ها را برابعد تودرتوی نفس اماره شان سرگردان می کند. هم چنین همه فرهنگ ها را متلاشی کرده و در همان راستا خود نیز در حال متلاشی شدن است. (طاهرزاده، ۱۳۸۸، ص ۹۳)

«ما اعتقادمان این است که بهترین راه و برترین حربه ای که می توان راه ها را بازکنیم و هدایت الهی را و هدایت انقلاب را در ذهن ها و جان ها بنشانند و میوه ای بیاورد تشکیلات است. ما عقیده داریم اگرچنان چه کسانی بخواهند برای انقلاب کارکنند و این ها متشکل نباشند، مجتمع نباشند نمی توانند از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهد داد. تشکیلات یکی از فرائض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می کند تشکیلات یعنی نظم تقسیم وظایف یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره کارکردن این معنای تشکیلات است این چیزی است نه فقط بد نیست بلکه یک چیز خوب بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی رود. انقلاب اسلامی در ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۱/۹/۱۸)

باتوجه به سخن مقام معظم رهبری نیاز است «رسالت مجموعه های فرهنگی» در این شرایط روشن شود مجموعه های فرهنگی ولایی خود را متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی و داعیه دار تفسیر و ترویج انقلاب اسلامی می دانند و در این راه رسالت تاریخی خود را در به تفصیل درآوردن شخصیت امام خمینی (ره) می شناسند، آن هم در تمام عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای تحقق تمدن نوین اسلامی. حال باتوجه به سخنان مقام معظم رهبری، باید مجموعه متشکلی در میان باشد، مجموعه منظمی که اهداف خود را شناسد و مطابق آن اهداف ابتکارات لازم را شکل دهد. براساس مفاهیم، ذیل جبهه توحیدی و دینی به سمت اهدافش حرکت کند. (طاهرزاده، ۱۳۹۵، ص ۴۲۰)

مقام معظم رهبری می فرمایند: «می دانید که فرهنگ مثل هوا است. اگر این هوا سالم بود یک بدن مستعد با تنفس آن خوب انرژی می گیرد. اگر هوا مسموم بود آدم های سالم هم صرفاً تنفس در این هوا بکنند مریض می شوند.» می خواهند بگویند فرهنگی که ما در انقلاب اسلامی معنا می کنیم کاری است ماوراء کارهای تبلیغاتی مرسوم می فرمایند: همان طور که هوا را نمی بینید ولی هست در مورد فرهنگ هم باید روحی در جامعه جریان داشته باشد که در عین محسوس نبودن و چشم گیر نبودن عامل حیات جامعه و روح افراد را تغذیه کند، روحی که دیده نشود ولی ناخود آگاه با افراد جامعه نسبت داشته باشد. (همان، ص ۴۳۰)

مقام معظم رهبری می فرمایند: «این هم مسئله مهمی است که سرخودتان را شلوغ نکنید» چون کار فرهنگی نیاز به خلوت دارد تا انسان از ذهنیات عادی و روزمره آزاد شود و متوجه نیازهای حقیقی انسانی بگردد. در چنین

شرایطی خلأ‌های حقیقی ظهور پیدا می کنند از این جهت مقام معظم رهبری خطاب به کسانی که به آن‌ها امید دارند می فرماید: «کارهای نشده و نکرده که شما باید انجام بدهید خیلی هست نگاه کنید اولویت‌ها چیست». عزیزان در کنار همدیگر سعی می کنند با طرح آن موضوعات در جلساتی تشکیل می دهند و به هربهانه ای آن را برجسته کنند و تفکر افراد را متوجه آن سیره و آن رهنمودها بگردانند و جبهه فکری، فرهنگی انقلاب می تواند خود را در این وظیفه معنا کند. از این جهت تشکیلات یک فکری است همراه با ابتکاراتی که هر گروه با قرائت خود ذیل رهنمودهای مقام معظم رهبری «حفظه الله» از انقلاب دارد. (طاهرزاده، ۱۳۹۵، ص ۴۴۰ و ۴۳۰)

تلفیق علم و دین از مهم ترین شیوه بازیابی و احیای جهاد و تمدن اسلامی خواهد بود. در اولین قدم از این تحول نگرش مجدد به کارکرد علمی مساجد لازم و ضروری به نظر می رسد. مسجد عامل نیرومندی درهم بستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی توان نادیده گرفت، تاسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد این حقیقت را آشکار می سازد و یقیناً یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. از جمله «مسجد النبی» قدیمی ترین دانشگاه و محل نشر علوم اسلامی است. مسجد، آن نقطه کانونی تجلی علم در بدو تجلی قرون پیشرفت مسلمانان محسوب می شود. (بیرانوند، ۱۳۹۰، ص ۲۶)

۲-۳- بعد انقلابی

۲-۳-۱- فعالیت جهادی

جهاد یکی از فروع دین و از واجبات اسلامی است که در آیات و روایات بی شمار به اهمیت و فضیلت آن اشاره شده است. در آیات قرآن از جهاد به عنوان «إحدى الحسنین» نام برده شده است. پیشوایان دین نیز جهاد را یکی از چهار پایه ایمان و هم رتبه بانماز و احسان به والدین بر شمرده اند تا آن جا که فردی را آرزوی جهاد ندارند، دارای نوعی نفاق می دانند. این موضوع اندیشمندان را به مطالعه و تحقیق واداشته است این چنین روحیه جهادی که همراه بارهایی از تعلقات دنیوی است. جهاد در راه خدا علاوه بر آثار دنیوی نوعی معامله با خداست که بهشت برین را به دنبال خواهد داشت. کار جهادی در امور فرهنگی یعنی کار طاقت فرسای دراز مدت برای نجات جامعه از بی فکری و سطحی نگری و تحجر مسلم است که ما در شرایطی هستیم که خلأ تفکر داریم و رهبری می فرمایند: «شما نگاه کنید ببینید خلأ کجاست، آن خلأ را پر کنید». (طاهرزاده، ۱۳۹۵، ص ۴۳۰)

۲-۳-۲- وحدت اجتماعی

اتحاد در یک مجموعه و نظام یکی از کارسازترین، بنیادی ترین و زیربنایی ترین اصول و آیین تثبیت کننده آن نظام است. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی را چنین تعریف می کند: «به نظر من امسال، سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است؛ یعنی در درون ملت با اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی و در سطح بین المللی انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آن‌ها». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶)

عوامل اتحاد ملی:

(الف) فرهنگ و آگاهی مشترک؛ ملت را می توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن، فرهنگ و آگاهی مشترک است.

(ب) سعادت جامعه؛ سعادت جامعه، مهم ترین هدف ایجاد ملت و دولت است.

(ج) آرامش و آسایش؛ ملت و دولت، نهادهای اجتماعی بزرگترین برپایه و بنیاد خانواده است. از اهداف تشکیل آن دست یابی به آرامش و آسایش اجتماعی را می توان نام برد.

(د) مدیران و رهبران؛ هراقتصادی نیازمند مدیران و رهبرانی است که جامعه را مدیریت به سوی دستیابی به این اهداف یاری می رسانند.

(ه) مشکلات داخلی و بحران های بیرونی؛ تغییر شرایط تاریخی و اجتماعی و مشکلات داخلی و بحران های بیرونی، دستیابی به این اهداف و مدیریت درست و صحیح جامعه دچار اختلال می شود و می تواند دستیابی به اهداف را غیرممکن و گاه محال می سازد.

(و) شناسایی عوامل اتحاد و واگرایی؛ شناسایی عوامل ایجاد اتحاد و موانع واگرایی اجتماعی می تواند دولت ها و ملت ها را برای عبور از بحران ها و دستیابی به اهداف کمک و یاری رساند. (حکیم، ۱۳۷۷، ص ۱۹۴ و ۱۹۹) (متقی زاده، ۱۳۷۶، ص ۳۷)

شهید مطهری درباره اهمیت و ضرورت اتحاد دنیای اسلام می نویسد: امروز اگر برمصلبیتی از مصیبت های اسلام بایدگریست و اگر بر فاجعه ای از فاجعه های اسلام بایست خون بارید این مصیبت و این فاجعه «نبود وحدت است». (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۵) (حکیم ولسانی فشارکی، ۱۳۷۸، ص ۳۱) (مصلحی، ۱۳۹۸، ص ۳۴)

۲-۳-۳- حضور سیاسی

در منطق اسلام پیشرفت متفاوت از تمدن مادی غرب است؛ پیشرفت در غرب ماهیتی یک بعدی دارد ولی پیشرفت در اسلام چند بعدی است نظام حاضر، هدفش تمدن سازی است و نه دست یابی به پیشرفت های صوری، سطحی بابنیان های سست و متزلزل؛ ساحت نرم افزاری تمدن سازی بر ساحت سخت افزاری آن مرجح می داند به عبارت دیگر، هدف نظام، پیشرفت همه جانبه و پایدار در تمامی سطوح می باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۳ و ۱۹/۷/۱۳۹۱)

براین اساس باید توجه داشت یکی از مبناهای متقن و غیرقابل انکار پیشرفت در هر جامعه ای نظریه پردازی متناسب و همگون در آن نظام است. اروپا و به دنبال آن امریکا، سالیان سال است که از مباحث فلسفه اجتماع و حکومت گذر کرده و نظریه پردازی در حوزی مبتنی بر فلسفه اجتماع و حکومت ساخته اند. غرب سالیان متمادی

است که اصول موضوعه تمدن خویش را بنیان نهاده و مسلم فرض کرده و براساس آن اصول متداول خود را پی می ریزد و دانشمندان که تربیت می کند همه در سطح اصول متداول است و به اصول موضوعه ورود نمی کند؛ براین اساس است که دین (اصول موضوعه) را از سیاست (اصول متداول) و سیاست (اصول موضوعه) را از اداره (اصول متداول) جدا می کند.

مسامحه در نظام جمهوری اسلامی ایران، بانگاه فوق ذکر این است که به دلیل تعلق در نظریه پردازی مبتنی بر اصول متعارف بدیهی پذیرفته شده ابتدای انقلاب اسلامی و تاثیر مذاهب تمدنی مشحون از اصول متعارف بدیهی جامعه جهانی که می توان در مظاهر تکنولوژی هم آن ها را دید، بر جامعه اسلامی ایران، نوعی عدم تجانس میان اصول متداول و اصول موضوعه در حکمرانی مشهود است «به عبارت دیگر میان اثر نهایی و خروجی ها عدم تجانس وجود دارد و این عدم تجانس هم در سطح جامعه و هم در حیطه گفتمان سازی و هم در سطح مسئولین کاملاً مشهود است و بعضاً این ارزیابی براساس همین عدم تجانس رخ می دهد.

هر نظام سیاسی اولویت های مختلفی را برای رسیدن به قله پیشرفت و تعالی جامعه در ابعاد معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحسین می کند این مسئله در نظام ماکه به عنوان یک نظام مبتنی بر آموزه های اسلامی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (عمل نیک، آل یمین، ۱۳۹۴، ص ۳)

۲-۳-۴- تشکیل حکومت

امام خمینی (ره) می فرماید: از احکام روشن عقل که هیچ کس انکار آن را نمی تواند بکند آن است که در میانه بشر قانون و حکومت لازم است و عاقله بشر نیازمند تشکیلات و نظام نامه ها و ولایت و حکومت های اسلامی است پس از اثبات اصل ضرورت حکومت و اثبات این که حکومت های موجود، حکومت های جاعرانه هستند و قوانینی هم که وضع می کنند برخلاف مصالح عامه است، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پرداخته است برای اثبات این مطلب آوردن چند دلیل لازم است. (امام خمینی، ۱۴۰۸، ق، ص ۱۸۱) (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۷۸) (بهارانچی، ۱۳۹۲، ص ۲۰)

۲-۳-۴-۱- دلیل عقلی مستقل

امام خمینی (ره) این چنین دلیل مستقل می آورند برای تشکیل حکومت اسلامی: آیا خدایی که این جهان را باین نظم و ترتیب بدیع از روی حکمت و صلاح خلق کرده اند و خود بشر را می شناخته که چه موجود عجیبی است، ممکن است آنها را بدون تکلیف رها کند و خود یک حکومت عادلانه در بین آنها تشکیل ندهد؟ ناچار این کاری که از حکم خود بیرون است نباید به خدای جهان که همه کارش براساس حکم عقل بنانهاده شده، نسبت داد پس باید تاسیس حکومت و وضع قوانین جاریه را در ممالک خود عهده دار شده باشد و قانون های او ناچار همه اش بر پایه عدل و نظام حقوق بنا شده است. (امام خمینی، ۱۴۰۸، ق، ص ۱۸۴)

تقریر دیگری از امام به این گونه است: باین که حفظ نظام از واجبات اکید و اختلال امور مسلمانان از امور مبغض شرع است و به حکم عقل جلو اختلال نظام را باتشکیل حکومت و تعیین حکوت و حاکم و والی نمیتوان گرفت؛ افزون بر این که حفظ مرزهای کشور اسلامی از تهاجم دشمنان و متجاوزان عقلاً و شرعاً واجب است و این کار ممکن نیست مگر باتشکیل حکومت. (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۶۱)

۲-۳-۴-۲- دلیل عقلی غیر مستقل

قوانین اسلام به گونه ای است که با مطالعه آن هرانسان منصفی اعتراف میکند که برای اداره حکومت جعل شده است و درحقیقت، با ملاحظه قوانین شرع و حکومت، عقل به ملازمه میان آن دو حکم می کند و این را دلیل عقلی غیرمستقل می نامند: این قانون که از جنبه های عمومی ممالک جهان گرفته تا خصوصیات قاعله اشخاص و از زندگانی اجتماعی تمام بشر تا زندگانی شخصی انسان، عبارت است از دین خدا که همان دین اسلام است که قانون اسلام در طرز تشکیل حکومت و وضع قانون مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آن چه مربوط به نظام مملکت است، از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات هیچ چیز را فروگذار نکرده است. (منتظری، ۱۳۶۷، ص ۷۵)

دین برای سازمان حکومت و کشور و زندگی آمده است. لذا دلیل عقلی غیرمستقل خود بر دو پایه استوار است:

الف) احکام اسلام منحصر به احکام عبادی و اخلاقی نیست؛ بلکه شرع مقدس برای اداره جمیع شئون جامعه اسلامی، اعم از شئون اقتصادی، حقوقی و اجتماعی قانون وضع کرده است.

ب) احکام اسلام (اعم از عبادی، سیاسی و ...) نسخ نشده است و تا روز قیامت به اعتبار خود باقی است، در همه زمان ها باید اجرا شود و با غیبت امام زمان عجل اله تعالی فرجه الشریف احکام شرع تعطیل نمی شود. بنابراین، در هر عصر زمانی تشکیل حکومت اسلامی برای اجرای احکام و جلوگیری از هرج و مرج و اختلال نظام لازم و ضروری است. (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۳۶)

۲-۳-۴-۳- سیره پیامبر (ص) و امام علی (ع)

امام خمینی (ره) در مورد ضرورت تشکیل حکومت نوشته است: «شما از کجا می گوئید: دین، تکلیف حکومت را تعیین نکرده است. اگر تعیین نکرده بود، پیغمبر اسلام (ص) چطور تشکیل حکومت کرد و به قول شما در نیم قرن نیمی از جهان را گرفت. آن تشکیلات برخلاف دین بود یا به دستور دین. اگر برخلاف دین بوده چطور پیغمبر اسلام و علی ابن ابی طالب برخلاف دین رفتار می کردند». (امام خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۹۴)

امام خمینی(ره) از طریق پنج روایت ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را در همه زمان ها اثبات می کند که در اینجا به دو روایت اشاره می کنیم؛ مضمون روایت اول آن است که دین کامل و جامع است و به همه نیازمندی های انسان ها پاسخ داده است. یکی از نیازهای ضروری جوامع بشری حکومت است نمی تواند از نگاه شرع مغفول واقع شود. روایت اول را مزارم از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: «به خدا سوگند! خداوند هیچ یک از نیازمندی های بندگان را فروگذار نکرده، مگر آنکه در این باره حکمی نازل کرده است». (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۵۹)

روایت دوم، در علل و شرایع از فضل بن شاذان از امام رضا(ع) است سند ولایت را امام خوب ارزیابی کرده است. در این روایت امام رضا (ع) با سه دلیل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و وجود امام را اثبات کرده است :

الف) از طریق ضرورت اجرای قوانین شرع و جلوگیری از تعدی و تجاوز .

ب) از طریق این مسئله که حیات هرملتی به وجود حکومت و رهبر بستگی دارد .

ج) از آن رو که حفظ اصول وفروع دین منوط به وجود حکومت و امام است. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۶۰) (بحر العلوم، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۵)

پس از اثبات کردن ضرورت حکومت و رهبری در جامعه، یقین داریم خداوند متعال و پیامبر(ص) و امام علی(ع) راضی به حاکمیت، فقیه جامع الشرایط هستند. این مسئله جزء مسلمات و بدیهیات عقلی بشمار می رود و هیچ نیازی به استدلال ندارد آن چه در امر حکومت و سیاست ثابت است برای فقیه عادل نیز ثابت است و معقول نیست در این که فرقی میان پیامبر و امامان و فقیه باشد ؛ زیرا والی هر کس باشد مجری احکام است و اختیارات یکسانی در اجرای احکام دارد. (امام خمینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۶۷) (بهارانچی، ۱۳۹۲، ص ۳۵) (منصورنژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۸)

۲-۳-۵- گسترش عقاید فرامرزی

تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به آیات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن آیات خلق کرده است، برسد زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای اراده، دارای ابتکار دارای سازندگی جهان طبیعت تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴)

۳- جایگاه عرف در استنباط احکام

چهارمین منبع استنباط که اجمالاً مورد اتفاق است، دلیل عقل است. هر چند موضع فقهای اسلام درباره دلیل عقل یکسان نیست میان اهل سنت دوشیوه متمایز در استنباط احکام وجود دارد که آنان را بادو عنوان «اصحاب حدیث» و «اصحاب رأی» از هم جدا می سازد هر کدام از این دو گروه روش و مسلک دیگری را مخدوش می داند و او را نکوهش می نماید یک تکیه گاه اصلی گروه اول در استنباط، ادله نقلی خصوصاً حدیث و سیره سلف صالح و قول صحابه (که البته آن دو را نیز به حدیث برمی گردانند است ولی گروه دوم معتقد اند که تعداد حدیث معتبری که بتواند جوابگوی همه نیازهای فقهی باشد، بسیار کم است و لذا چاره ای نداریم جز آن که برای بدست آوردن احکام، به غیر کتاب و سنت نیز تاکید کنیم. بسیاری از اهل سنت ادله احکام را چهار دلیل قرار می دهند و پس از کتاب و سنت و اجماع قیاس را ذکر می کنند. برخی از آنان دلیل چهارم را تعبیر «قیاس و اجتهاد» یاد کرده اند برخی دیگر به دلیل «عقل و استصحاب» تعبیر نموده اند به نظرمی رسد آنان دلیل عقلی را تعبیری مرادف با قیاس و استحسان قرار می دهند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۹۶، ۸۴۵ ق)

ویژگی های عرف:

الف) قدمت عرف؛ متعارف باید ناشی از شیوه عمل مردم جامعه طی سالهای متمادی باشد و اگر نه در زمان محدود یک قاعده حقوقی معتبر و لازم الرايه محسوب نمی شد.

ب) استمرار: آن عمل و شیوه باید بی وقفه عادت همگان شود.

ج) اعتقاد عمومی: این ویژگی ناظر به جنبه روانی عمل است یعنی آن عمل باید در روان و اندیشه مردم جامعه به عنوان یک اصل مسلم و معتبر درآید و اجرای آن را الزام آور سازد و مقبول عامه باشد. (تقدیری، بی تا، ص ۱۷)

۳-۱- عرف خاص

حجیت هر حجتی باید به یقین منتهی شود که این یقین فقط از راه امضاء شارع مبنی بر موافقت او با طریقه عقلا به دست می آید و در استنباط احکام به آن استناد کرد. (مظفر، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۷)

شیوه خاص در زمان و مکان یا مکان معین مانند صنعت یا مهارتی مخصوص که در برخی از شهرها معمول است عرف خاص نام دارد استعمال الفاظ و مجاری آن نزد اهل عرف و بخشی از معاملات منطقه ای و آداب معاشرت و رسوم در این جام طرح می شود عرف عملی در یک محل خاص می تواند در موارد خاص مانند وقف نامه ها و وصیت نامه ها به کار آید. (حکیم، ۱۳۹۰، ص ۴۲۰) (جناتی، بی تا، ص ۳۹۵)

۳-۲- عرف عام

شیوه های عملی اغلب مردم عرف عام نامیده می شود که با اختلاف زمان ها و مناسبت ها و امور اجتماعی تغییر پیدا نمی کند و در همه زمان ها و مکان ها جریان دارد از جمله این عرف رجوع به ظواهر اجتماعی، رجوع جاهل به عالم عدم نقض یقین به شک و سیره روزمره مردم است. (آیتی، جهانخواه، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۹) (ولایی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷)

بناء عقلا یا عرف عقلا شاخه ای از عرف است که مورد پسند عقل باشد و عرف های ناپسند را شامل نمی شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۸۳)

برداشت های عرف از الفاظ و یا تشخیص مصادیق بدون تردید حجت است که گفته می شود. تشخیص مصادیق کار فقیه نیست بلکه مربوط به عرف است مثلاً در شرایط لباس نمازگزار فقیه از منابع اولیه استفاده می کند که باید همراه نمازگزار پوست خز و یا طلا باشد این مقدار بر عهده فقیه است ولی این که پوست خز چیست و طلا کدام است به عرف واگذار شده است در بسیاری از موارد شرع مقدس تهدید حدود رابه عرف واگذار نموده است مثلاً از نظر شرعی زوج موظف است که نفقه و مسکن زوجه خویش را تامین نماید ولی مقدار و حدود آن به تشخیص عرف نهاده شده است. (موسوی خویی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۲۵۸)

۴- جایگاه احکام در تمدن نوین اسلامی

فقها در تعریف حکم گفته اند: «حکم، قانون وضع شده از طرف خداوند متعال، برای تنظیم حیات بشری است». احکام شرعی به دو نوع «احکام اولیه» و «احکام ثانویه» تقسیم می شوند و حکم حکومتی یکی از مفاهیم مطرح در فقه سیاسی شیعه می باشد که از آن با تعبیری چون «حکم الحاکم»، «ما راه الوالی» و «ما راه الامام» یاد می شود و در فقه اهل سنت هم اصطلاح «احکام سلطانیه رایج» است. (علامه طباطبایی، ۱۳۴۱، ص ۸۳)

۴-۱- احکام اولیه

حکم اولی این است که شارع مقدس بر اساس مصالح و مفاسد واقعی که در افعال و ذوات وجود دارد به جعل احکام اولیه می پردازد تا سعادت انسان ها را در دنیا و آخرت تأمین کند در احکام اولی هر مکلف از مرجع تقلید خویش پیروی می کند قلمروی احکام اولی امور فردی و اجتماعی است. این احکام دائمی، ثابت و همیشگی است، ولی احکام حکومتی موقت و قابل تغییر است؛ با این تفاوت، قوانین آسمانی ثابت و غیر قابل تغییر، و مقررات وضعی قابل تغییر، و در ثبات و بقاء، تابع مصلحتی می باشد که آن ها رابه وجود آورده است. (طباطبایی، همان، ص ۸۵)

حکم اولی، به آن دستوری گفته می شود که شارع اسلام بر مبنای صلاح و فساد اولی موجود در موضوع یا متعلق انشاء کرده است حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آن ها بار می شود مثل وجوب نماز صبح و حرمت نوشیدن شراب. (یزدی، ۱۳۶۴، شماره ۹، ص ۸۹)

۴-۲- احکام ثانویه

درمورد ماهیت احکام حکومتی، چهار نظریه مطرح است که عبارتند از:

الف) احکام حکومتی از سنخ احکام اولیه است.

ب) احکام حکومتی از سنخ احکام ثانویه است.

ج) بین احکام حکومتی و احکام ثانویه عموم و خصوص من وجه است.

د) احکام حکومتی نه از سنخ احکام اولیه و نه از احکام ثانویه است.

مرحوم امام نظریه اول را پذیرفته و قائل به اولیه بودن احکام حکومتی بودند.

از نظر امام خمینی احکام ثانوی شامل این مباحث می شود:

۱. مصلحت نظام : اهمیت این عنصر و نقش حیاتی آن در اداره امور جامعه، در جنبه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... یادآور شده است .

۲. قاعده نفی : ضرر امام فرمود جمله «لاضرر ولاضرار» به عنوان حکم سلطانی و براین اساس که پیامبرمدیر و حاکم امت اسلام است و به منظور قطع ریشه های فساد از سوی آن حضرت صادر شده نه به عنوان حکم الهی شرعی، و مفاد این حکم سلطانی، این است که رعیت و مردمان حوزه حکومت اسلامی حق زیان رسانیدن به یکدیگر را ندارند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۱۷)

۳. اضطرار : ناگزیری و ناچارى عبارت است از هرکاری که شخص نتواند از آن خودداری بورزد، مانند گرسنگی که انسان گرسنه نمی تواند از آن خود داری ورزد. امام خمینی می نویسد «ضرورت از جهت مورد گسترده تر از اضطرار است . چه بسا انسان برانجام کاری اضطرار ندارد ولی ضرورت ایجاب می کند آن را انجام دهد مانند این که در انجام ندادن آن کار بر حوزه مسلمانان یا حاکم مسلمانان زیانی وارد شود یا سبب هتک حرمت مقام محترمی گردد.

۴. اکراه : سبب برداشته شدن احکام اولی می گردد ولی به گمان پیدایش این عنوان سبب برداشته شدن همه احکام اولی نمی شود زیرا پاره ای از این احکام به دلیل اهمیتی که دارند با هیچ یک از عنوان های ثانوی در برخورد برداشتن نیستند.

۵. تقیه : امام راحل این قسم تقیه را در برابر افشاء می گیرد و می گوید پنهان داشتن حق در دولت باطل واجب است و مصلحتی که سبب این کار می شود جهات سیاست دینی است اگر تقیه نبود مذهب در معرض نابودی قرار می گرفت. (توکلی، ۱۳۸۴، ش، ص ۳۳۲)

جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

کبری معلم

چکیده:

انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف تاریخ تکامل اجتماعی بشر و طلوع تمدن اسلامی به شمار میرود. ظرفیت سازی و زمینه سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و نظام توحیدی افق پیش روی انقلاب اسلامی است. این مهم از طریق پی ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی مبتنی بر مبانی اسلامی و با توجه ویژه به موضوع زنان محقق می شود. به همین خاطر ضرورت ایجاب می کند تا به بررسی و تبیین جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم پرداخته شود تا با شناخت و آگاهی از این امور زنان بتوان در این حیطه نقش آفرینی کنند. براین اساس، هدف اصلی این تحقیق بررسی جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم از طریق استخراج و طراحی الگوی نقش آفرینی زنان در این تمدن است. از نتایج این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی این است که شکوفایی تمدن اسلامی، به واسطه اراده های انسانی محقق می شود و دیدگاه مقام معظم رهبری به زن و جایگاه و نقش زنان در توسعه ابعاد مختلف جوامع اسلامی به ویژه بعد فرهنگی و معنوی جامعه، نگاهی است جامع که علاوه بر ارزش های الهی، منطق انسانی نیز در آن لحاظ شده است. ایشان نقش زنان را در تکامل و توسعه معنوی و فرهنگی جامعه، نه تنها کمتر از مردان نمی دانند، بلکه معتقدند نقش زنان حساس تر، ظریف تر، ماندگارتر و موثرتر نیز می باشد. به نظر ایشان گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری که مبتنی بر آموزه های اسلامی است، زنان مسلمان می توانند با حفظ شئون اسلامی و در کنار وظایف و تکالیفی که نسبت به نهاد خانواده دارند، در عرصه های مختلف اجتماعی و به ویژه فرهنگی، نقشی بی بدیل و تاثیرگذار داشته باشند و جوامع اسلامی را در پیش برد اهداف اسلامی، انسانی، دنیوی و اخروی یاری رسانند.

کلیدواژه: جایگاه فرهنگی زن، شخصیت زن، تمدن اسلامی، بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری (مدظله العالی).

بانوان ایران اسلامی از زمان شکل گیری نهضت بزرگ امام خمینی (رحمه الله علیه) تا پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن در دوران دفاع مقدس و سپس سازندگی و در عرصه‌های گوناگون کشور از جمله در راهپیمایی‌ها و انتخابات‌ها و همچنین در ساختن ایرانی اسلامی در همه ابعاد آن نقشی ارزنده و مؤثر داشته‌اند. هم‌اینک نیز بخش اعظمی از جامعه کارمندان و کارگران و کارآفرینان و همچنین تأثیرگذاران اجتماعی از جمله مدیران و دانشجویان و جوانان از قشر شریف بانوان محسوب شده و در ارتباط با کارآمدی آنان در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و... تأثیرات زنان و بانوان ایرانی بر کسی پوشیده نیست.

در حرکت‌های فرهنگی و اقدامات ارزنده و فراز و نشیب‌های انقلاب ما، زنان از پیشگامان بوده‌اند تا جایی که رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، از زنان به‌عنوان رهبران نهضت یاد می‌کنند. و پیروزی انقلاب اسلامی را مرهون پیشقدمی و تحول زنان میدانند. اکنون که به تعبیر حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی، در دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بوده، توجه جامعه بزرگ زنان ایران اسلامی در خصوص نقش‌آفرینی‌هایشان در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مهم است. در گام دوم انقلاب اسلامی زنان باید به نقش‌پیش‌برنده و تمدن‌ساز خویش بیش از پیش واقف شوند و دسیسه‌دشمنان را در حمله به حریم عفاف و حیا و تخریب نظام خانواده باشکست سنگین مواجه کنند. بایستی توده ملت را به هشیاری به‌ردپای دشمن در حرکات تضعیف‌کننده خانواده و تخریب جایگاه زنان جلب کرد و این وظیفه بر عهده زنان در حیطه فرهنگی است.

باید الگوی زن مسلمان و ایرانی در جامعه بیش از پیش مطرح و مصادیق آنان تبلیغ و ترویج گردند. با هشیاری زنان اندیشمند مسلمان و بانوان دلسوز، متدین، متعهد و عفیف ایرانی، پیروزی‌های هر چه بیشتر زنان در عرصه فرهنگی و سایر عرصه‌های پیش‌برنده انسانی مشاهده خواهد شد. در گام دوم انقلاب و افق ترسیم شده، زنان جایگاه بسیار ویژه‌ای دارند. در مورد پیشینه تحقیق باید گفت که در مورد بیانیه گام دوم و تمدن اسلامی مقالاتی به رشته تحریر درآمده است مانند:

۱. مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از محسن قرائتی؛ حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی مستندات قرآنی بعضی از جملات را جمع‌آوری نموده‌اند. این کتاب به صورت مجمل به برخی از این مستندات قرآنی پرداخته است ولی نوشتار حاضر به صورت خاص مفصل به مستندات قرآنی استکبار ستیزی پرداخته است.

۲. کتاب بیانیه نامه به کوشش روح الله ولی ابرقویی؛ این کتاب در صفحات زوج کتاب، متن اصلی بیانیه گام دوم انقلاب و در صفحات فرد و در مقابل متن اصلی بیانیه رهبر انقلاب، دسته‌بندی و نمودار مطالب وجود دارد. این کتاب به بیان ویژگی‌های ممتاز انقلاب اسلامی ایران و وجوه تمایز آن با سایر انقلاب‌ها در دنیا، ظهور انقلاب

اسلامی در خلق یک عصر جدید، تبیین کامل برکات انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف، توصیه های رهبر معظم انقلاب به جوانان برای تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی پرداخته است. با توجه به ساختار کتاب نویسندگان به مستندات قرآنی استکبار ستیزی اشاره ننموده است.

۳. کتاب تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی از زین العابدین قربانی؛ در این کتاب نویسندگان به تاریخ فرهنگ، تمدن اسلامی و شاخصه های تمدن اسلامی اشاره نموده است.

۴. مقاله مفهوم شناسی تمدن اسلامی و شاخصه های آن از اسماء پناهی؛ مقاله حاضر با یادآوری اهمیت موضوع شکل گیری تمدن تازه در دنیای اسلام، ضمن ارائه مفهومی روشن از تمدن نوین اسلامی، به بیان مولفه ها و شاخصه های آن می پردازد.

با جستجو در کتب و مقالات مرتبط با موضوع دیده شد که به این موضوع اشاره نشده است بنابراین لازم دیده شد که به این موضوع اشاره شود.

این مقاله با هدف پاسخگویی به سؤالاتی از جمله جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم چیست؟ به رشته تحریر درآمده است.

مفهوم شناسی

فرهنگ

واژه فرهنگ، واژه ای فارسی و به صورت «فرهنگ» نیز آمده که در عربی به معنای «الثقافة» است. «الثقافة»، یعنی دانشمند و روشنفکر، با فرهنگ بودن، فرهنگ و علوم و معارف. (لوئیس معلوف، ۱۳۸۴). حاذق بودن، زیرک بودن، زود یاد گرفتن، (محمد بن مکرم ابن منظور، ج ۱۵، ۱۴۱۴ق) دست یافتن و چیره شدن، و پیدا شدن. (علی اکبر قرشی، ۱۳۷۸). در فرهنگ معین، درباره ی واژه ی «فرهنگ» چنین آمده است: «مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم؛ کتابی شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن ها، علم و دانش و ادب، کشیدن، تعلیم و تربیت را، فرهنگ می نامند». (محمد معین، ۱۳۸۶ش، واژه فرهنگ).

درباره ی معنای اصطلاحی فرهنگ، تعریف های زیادی ارائه شده، و برخی از نویسندگان، شمار آن ها را به «۲۵۰» تعریف رسانیده اند. (منصور وثوقی و همکاران، ۱۳۷۸ش، ص ۱۱۷).

به عنوان نمونه فرهنگ، عبارت است از: «کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت های حیات مادی و معنوی انسان ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات تکاملی باشد (محمد تقی جعفری، ۱۳۸۵ش، ص ۷۷) و نیز شیوه ی انتخاب شده برای کیفیت زندگی که با گذشت زمان و

مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به وجود می آید.» (محمدتقی جعفری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۳۳).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تعریف فرهنگ می فرمایند: «... عاملی که یک ملت را به رکود و خمودی، یا تحرک و ایستادگی، یا صبر و حوصله، یا پرخاشگری و بی حوصلگی، یا اظهار ذلت در مقابل دیگران، یا احساس غرور و عزت در مقابل دیگران، به تحرک و فعالیت تولیدی یا به بیکاری و خمودی تحریک می کند، فرهنگ ملی است. فرهنگ - با همین تعریف ویژه - محصول تعریف جمعی از یک جامعه است و خودش مؤثر در همه حرکات و تحولات و تشکیل دهنده هویت یک جامعه است.» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۱؛ مقام معظم رهبری، «درآمدی بر فرهنگ و مهندسی فرهنگی»، مهندسی فرهنگی، ش ۱، ص ۱۱)

- انگاره فرهنگی

فرهنگ با آن که از ویژگی های بسیار گوناگون ترکیب شده است، باز فاقد هرگونه وحدت نیست. فرهنگ همانند جامعه ای که از فرهنگ بهره برداری می کند، پاسخگوی نیازهای گوناگون انسانی است، و همچنان که نیازهای انسانی با یکدیگر ارتباط و تناسب دارند، فرهنگ و جامعه نیز در عین کثرت، از وحدت برخوردارند. اجزای هر فرهنگ موافق ترتیب یا پیکربندی معین به یکدیگر پیوسته اند و انتظامی بین آنها برقرار است. این انتظام که در همه مجموعه های مختلف فرهنگی منعکس می شود مدل فرهنگی یا انگاره فرهنگی نام گرفته است. به این شیوه هر فرهنگی مدل ها یا انگاره های معین دارد و به وسیله آنها از فرهنگ های جوامع دیگر بازشناخته می شود. انگاره های فرهنگی ایجاب می کند که فرهنگ دارای وحدت باشد و حوزه فرهنگی شخصی به وجود آورد. (آگبرن و نیمکف، ۱۳۵۰ش، ص ۱۰۰).

الف. فرهنگ دینی

در یک تعریف کلی از فرهنگ دینی می توان گفت: «فرهنگ دینی عبارت است از عقاید، باورها، الگوها، روش و شیوه های عمل جامعه ای که به یکی از شریعت های الهی ایمان دارد و در اعتقادات و اعمال از پیامبر خدا پیروی و اطاعت می کند.» (آگبرن و نیمکف، ۱۳۵۰ش، ص ۱۰۰)

در تفاوت دین با فرهنگ میتوان گفت که در برخی تعاریف، فرهنگ در برگیرنده ی اعتقادات، ارزشها و اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه، و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین تعریف می شود. در گونه ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم شالوده اصلی فرهنگ تلقی می شود و صرفاً ظواهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه های اعتقادی آن، به عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می گردد. پس از بیان دو نوع تعریف از فرهنگ، اینک می گوییم:

«دین- که عبارت است از مجموعه ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها- اگر با گونه ی نخست از تعاریف فوق مقایسه شود، جزء فرهنگ تلقی می شود؛ زیرا فرهنگ در این دیدگاه هم شامل باورهای قلبی دینی و غیردینی و هم شامل رفتارها و اخلاق و آداب و رسوم دینی و غیردینی است. از این رو، «دین» جزء «فرهنگ» و زیرمجموعه ای از آن تلقی می شود. اما اگر دین را با گونه ی دوم از تعاریف مقایسه کنیم، از آنجا که در این نوع از تعاریف ظواهر رفتار و آداب و رسوم به عنوان فرهنگ شناخته می شوند، رابطه ی دین با فرهنگ بسان دو مجموعه ای که فقط در بخشی از اعضا مشترک هستند قابل شناسایی است، و در این دیدگاه نه دین کاملاً جزء فرهنگ است و نه فرهنگ زیر مجموعه ای از دین می باشد.» (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۵۰-۱۵۱)

ب. فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی عبارت است از: «مجموعه عقاید، باورها، ارزش ها، آداب و رسوم، الگوها، روش و شیوه های عمل متخذ از قرآن کریم و سنت معصومین (علیه السلام)». حال فرهنگ هر یک از افراد و جوامعی که دین رسمی آنان اسلام است، در صورتی اسلامی قلمداد می شود که همواره یاد شده بر کلیه روابط چهارگانه ایشان با خدا، خود، طبیعت و جامعه حاکم باشد. از سوی دیگر هرگاه معنای فرهنگ به «دستاوردهای بشر و میراث اجتماعی» آن اطلاق شود، فرهنگ اسلامی عبارت از: «مجموع آثار مثبت مادی و غیر مادی جوامع اسلامی که افراد آن عقاید، باورها، ارزشها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه های عمل خود را از قرآن کریم و سنت معصومین (علیه السلام) اخذ کرده و در پیروی از آن، هیچ گونه کوتاهی عمدی روا ندارند.» (محمدتقی مصباح یزدی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۷۱)

تمدن اسلامی

تمدن از نظر لغوی عبارت از شهر نشینی، اخلاق مردم شهر نشین را پذیرفتن، از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهر نشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش ها و اسباب شهر نشینی را اختیار کردن است. (خلیل جر، ج ۱، ۱۳۷۹ش، ص ۶۵۳)

در فرهنگ های عربی واژه تمدن به معنای حضاره (تمدن، شهر آئینی) نقطه مقابل بدایت (بادیه نشینی) به کار رفته است. (محمدبن عمر زمخشری، ۱۳۹۹ق، ص ۱۳۰؛ محمد کاظم مکی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۴).

در فرهنگ های جدید، تحضر به تمدن و حاضره به شهر بزرگ اطلاق می شود. (محمدبن عمر زمخشری، ۱۳۹۹ق، ص ۱۳۰؛ محمد کاظم مکی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵). در ادبیات فارسی، تمدن به معنای همکاری افراد جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و انس گرفتن با آداب و اخلاق شهریان به کار می رود. (محمد معین، ج ۱، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۳۹).

ابن خلدون، حالت اجتماعی شدن انسان را تمدن نامیده است. (عبد الرحمن ابن خلدون، ۱۳۶۲ش، ص ۷۳) بعضی دیگر، گفته اند: تمدن مجموعه‌ای از عوامل معنوی و مادی است که با ایجاد فرصت برای جامعه و ادغام عرصه‌های زندگی، زمینه همکاری لازم را در راستای رشد و توسعه اجتماعی، فراهم می‌سازد. (اسعد عمرانی، ۱۳۶۹ش، ص ۹ - ۱۸۹؛ علی اکبر ولایتی، ج ۱، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹ - ۳۲؛ بهرام اخوان کاظمی، بهار ۱۳۷۸ش، شماره ۳، ص ۷۵) در نظر «ویل دورانت» تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان پذیر ی خلاقیت فرهنگی است. (ویل دورانت، ج ۱، ۱۳۶۵ش، ص ۳) به اعتقاد «هنری توماس»، تمدن پدیده‌ای است به هم تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می‌شود. (هنری لوکاس، ج ۱، ۱۳۶۶ش، ص ۷ - ۱۶) (واژه تمدن بیانگر مراحل معین تحول اجتماعی، (نبوی، مرتضی و ملایری، ۱۳۷۳ش، ص ۹-۱۶) و ثمره نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است. (منیر البعلبکی، ج ۳، ۱۹۸۰ م، ص ۲۸).

تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱۳) تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد... بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است. (فاطمه جان احمدی، ۱۳۸۸ش، ص ۵۱-۵۲) به اعتقاد ابن‌نبی برای حصول تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است. (حبیب‌اله بابایی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۶-۴۹) به اعتقاد زرین کوب «... جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود...» (عبدالحسین زرین کوب، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹).

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۳/۰۳/۲۲) در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود. در جمع‌بندی آرای فوق، نکات ذیل را می‌توان بیان کرد:

(۱) تمدن اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پایه‌ریزی شده است.

(۲) تمدن اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.

(۳) از آنجایی که تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است.

به طور کلی، مراد از تمدن اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت. بنابراین می‌توان در جمع‌بندی تعریف مفاهیم تمدن بیان کرد که شاخصه‌های تمدن در دیدگاه اندیشمندان اسلامی با توجه به مبانی فکری و شرایط محیط متفاوت است. یعنی تعدادی از شاخصه‌های تمدن در هر عصری بر اساس شرایط محیطی تغییرپذیر و دارای شدت و ضعف است. (مرتضی اکبری فریدون رضائی، ۱۳۹۴ش، دوره ۳، ش ۵).

۳. بیانیه گام دوم انقلاب

بیانیه گام دوم انقلاب یا بیانیه گام دوم، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ش در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران منتشر شد. این بیانیه ابتدا با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی و گذشت چهل سال از آن، دومین گام انقلاب را «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» معرفی کرده است. مخاطب بیانیه گام دوم، جوانان هستند که بر اساس متن بیانیه، «بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» را آغاز خواهند کرد. در این بیانیه، جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی معرفی شده‌اند که دنباله مسیر انقلاب اسلامی باید با همت و هشیاری آنان طی شود. بیانیه مذکور، مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور را نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی دانسته و جمعیت جوان زیر چهل سال را فرصت ارزشمندی برای کشور قلمداد کرده است. محتوای بیانیه گام دوم انقلاب، ابتدا به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ش و دشواری‌های تأسیس جمهوری اسلامی ایران پرداخته و آرمان انقلاب را ایجاد تمدن نوین اسلامی و «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ)» معرفی کرده است. محورهای کلی بیانیه عبارتند از:

۱- شعارهای جهانی انقلاب اسلامی: برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی، از این قاعده مستثنا است.

۲- مهمترین ویژگی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.

۳- حساسیت بر مرزبندی‌ها: جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به شدت حساس است.

۴- خط مشی انقلاب از نخست: این انقلاب، از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردن‌کشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. مقاله جوانان شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند/در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۷۴ش، کد خبر ۹۷۱۱۲۴۱۲۵۸۱.

۴. مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

سید علی خامنه‌ای در ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ش، در خانواده‌ای روحانی در مشهد زاده شد. پدرش سید جواد خامنه‌ای از مجتهدان عصر خود بود که در نجف متولد شد و در کودکی همراه خانواده‌اش به تبریز مهاجرت کرد و پس از آن در حدود سال ۱۳۳۶ق به مشهد رفت. او پس از مدتی به نجف رفت و بعد از تکمیل تحصیلات خود نزد علمای بزرگی همچون میرزا محمدحسین نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی و پس از کسب اجازه اجتهاد (محمد شریف رازی، ۱۳۵۴ش، ص ۷) به ایران بازگشت و در مشهد اقامت گزید. او ضمن تدریس دروس حوزوی، امامت مسجد صدیقی‌های بازار مشهد (مسجد آذربایجانی‌ها) را بر عهده گرفت. (هدایت الله بهبودی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵) او همچنین از امامان جماعت مسجد جامع گوهرشاد بود. (ابراهیم زنگنه قاسم‌آبادی، ج ۱، ۱۳۸۲ش، ص ۷۷).

ایشان در درس‌های مختلف، استادانی داشته است که برخی از آنها عبارتند از: سید جلیل حسینی سیستانی، میرزا محمد مدرس یزدی، آیت‌الله هاشم قزوین، آیت‌الله سید محمدهادی میلانی، آیت‌الله آقا حسین بروجردی، علامه طباطبایی، آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۳۲).

آثار تالیفی و ترجمه‌ای آیت‌الله سید علی خامنه‌ای عبارتند از: چهار کتاب اصلی علم رجال، پیشوای صادق، از ژرفای نماز، صبر، روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، غناء، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، آینده در قلمرو اسلام نوشته سید قطب، صلح امام حسن (علیه السلام): پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانه تاریخ. (هدایت الله بهبودی، ۱۳۹۱ش، ص ۷۸).

جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی با تاکید بر بیانیه گام دوم

در بیانیه «گام دوم انقلاب» که می‌توان آن را منشور انقلاب اسلامی در نقطه عطف چهل‌سالگی ارزیابی کرد، محورها، فرازاها و نکته‌های بسیار مهمی موج می‌زند که با تعمق و ژرفاندیشی در آن این حقیقت روشن‌تر می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه «گام دوم انقلاب» با مرور تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب «وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.» گام دومی که باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت» عظمی برداشته شود. برهمین اساس با اعلام مقام معظم رهبری در راستای اینکه انقلاب وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است، باید برای همه اقشار و احاد مختلف جامعه رسالت خاص خود تعریف شود تا همگان به صورت ید واحد در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی گام بردارند. با وجود اینکه همه امت مخاطب بیانیه گام دوم انقلاب هستند، اما توجه ویژه به حوزه زنان و خانواده به عنوان یکی از ارکان زمینه‌ساز و پایه در بسترسازی این امر بسیار حائز اهمیت است. (نقش زنان در تحقق اهداف گام دوم انقلاب، جوان آنلاین، ۱۳۹۸ش، کد خبر ۹۸۱۸۴۹).

از آنجایی که برای تحقق کامل تمدن اسلامی دو بخش «تولید فکر» و «پرورش انسان» باید تأمین شود، نقش پررنگ زنان قابل چشم‌پوشی نیست بطوری که امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز با این سخن که «اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط خواهند رسید»، به نقش سازنده آن‌ها در حفظ جامعه و تمدن‌سازی تأکید داشتند. اشکال شگرفی از حضور زنان نخبه و حماسه‌ساز در همه عرصه‌ها در تاریخ به ثبت رسیده و بسیاری از نهضت‌های اجتماعی مدیون حضور و اثرگذاری زنان جریان‌ساز است که نهضت بزرگ و تأثیرگذاری همچون نهضت عاشورا، گواه شایسته‌ای برای این حضور است و در عصر ما نیز حضور زنان در جریان نهضت تنباکو و مبارزه با استعمار و همچنین انقلاب اسلامی ایران، روح حقایق انسجام بخشی را به کالبد اجتماع دمیده است. به سبب وجود چنین نقش کلید و اثرگذاری است که گام دوم انقلاب و افق ترسیم شده برای آن زنان، جایگاه بسیار ویژه‌ای پیدا کرده است. (نقش زنان در تحقق اهداف گام دوم انقلاب، جوان آنلاین، ۱۳۹۸ ش، کد خبر ۹۸۱۸۴۹) که در ادامه به صورت اختصار به چند از مواردی که جایگاه فرهنگی زن در تمدن اسلامی را تأکید می‌کند اشاره می‌شود.

۱. پرچمدار حق و عدالت

عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء ۱۳۵).

در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید ۲۵).

در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کنند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. (مرتضی اکبری، ۱۳۹۴ ش، دوره ۳، ش ۵).

پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های

گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. (مرتضی اکبری، ۱۳۹۴ ش، دوره ۳، ش ۵). ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند:

«از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴/۷/۱۳۷۹ و ۱۸/۳/۱۳۸۳ و ۲۰/۱۲/۱۳۹۲).

با توجه به مطالب بالا زن مسلمان امروز نیز مثل مردان پرچمدار حق و عدالت جهانی است و در گام دوم انقلاب با عزمی جزم‌تر، مسیر تمدن نوین اسلامی را تا رسیدن به مرزهای ظهور باید طی کند.

۲. بیداری اسلامی

بیداری اسلامی پدیده‌ای عظیم و دو مرحله‌ای است که در مرحله‌ی نخست در پی استیلای استعمار غرب و شرق بر کشورهای مسلمان از نیمه‌ی دوم قرن بیستم با هدف بازگشت به اسلام و فرهنگ آن آغاز گشت؛ اما این مرحله با حاکمیت مزدوران و دست‌نشانده‌های استعمار، سرکوب شد و متأسفانه بسیاری از زنان مفتون جلوه‌های ظاهری غرب گردیدند (بسیاری از خانم‌هایی که در جامعه حضور داشتند بی‌حجاب شده‌اند و کمتر خانم محجبه در انتظار دیده می‌شد) و یا برای حفظ ارزشهای دینی و انسانی، خود را در خانه محبوس می‌کردند.

مرحله‌ی دوم از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آغاز گشت و هم‌زمان با استقرار نظام حکومتی اسلامی در ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های اسلامی در سایر کشورهای اسلامی چون کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، پاکستان، افغانستان و کشورهای شمال آفریقا رخ داد و امام توانست حیاتی دوباره به زنان دهد و زن دوشا دوش مرد در صحنه حاضر شد. گرچه متأسفانه حرکت‌های اسلامی با تحریک استعمارگران و به دست حاکمان مزدور و مستبد سرکوب گردید و حاکمان به ستمگری خود ادامه دادند و جمهوری اسلامی ایران نیز از سوی بیگانگان تحت فشارها، مشکلات عدیده‌ی سیاسی، اقتصادی و ... قرار گرفت. اما خوش بختانه انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) و پس از آن امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) توانست با پیاده کردن قوانین و احکام اسلام ناب محمدی توانایی خود را استحکام ببخشد و توانمندی اسلام را در اداره‌ی عزت‌مند جوامع اسلامی، بلکه بشری، هم‌پای پیشرفت‌های علم و فن آوری ثابت کرد. (مرثا نورانی، روزنامه کیهان، ۱۳۹۱ ش، شماره ۲۰۲۸۷).

این شکوفایی در جهان اسلام و عرب به زمان نیاز دارد تا به عرصه بروز رسد و در واقع باید جامعه جوان به گونه ای تربیت شود تا در آینده نسلی فهیم و انقلابی به وجود آید. چنانچه امام خمینی (رحمه الله علیه) طی دو دهه با رنج و محنت شاگردانی تربیت کرد و آنها به نوبه خود تاثیراتی عمیق در جامعه داشتند. اینجاست که نقش زن در تربیت نسل انقلابی و حماسی نمایان می شود. در واقع می توان گفت که مهمترین نقشی که زنان مسلمان در بیدارگری اسلامی و بیداری کنونی داشته اند نقش تربیتی در دو حوزه ذیل بوده است:

۱ - ارائه الگویی مهذب و آگاه از خود به عنوان زن کامل مسلمان و انسانی مبارز و آزاد؛

۲ - تربیت فرزندان پاک، آگاه، مبارز و تشویق همسران به مبارزه. (مهدی مهریزی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۸).

این تغییر از یک سو و گسترش استبداد و ظلم حاکمان مستبد کشورهای اسلامی از سوی دیگر، باعث آغاز مرحله دوم بیداری اسلامی در خاورمیانه گشت و چنان که شاهد بودیم، مزدوران استعمار رغم حمایت های اربابان غربی خود، یکی پس از دیگری به دست مردم خود ساقط می شوند. از سوی دیگر و از آنجا که زنان نقش بسیار تاثیرگذاری در بیداری اسلامی و همچنین شکل گیری این حرکت داشته اند، دیکتاتورها با تغییر روش فکری و عملی خود تلاش کردند تا با حمله به آنها، این فریاد آزادی خواهی را خاموش کنند. برخی از رژیم ها تلاش نمود تا با بی احترامی به زنان و تهدید کردنشان، مردم را ترسانده و آنها را از قیام خود بر علیه این رژیم خودکامه منصرف نموده و در واقع هوشیاری اسلامی را بی اثر نماید. چنانچه می دانیم مهم ترین عامل قیام ملت های مسلمان علیه دیکتاتورهای دست نشانده غرب در منطقه، خلاء مذهب و فرهنگ اسلامی، نبود بلکه عزت و کرامت اسلامی و وابستگی و دلبستگی حاکمان به فرهنگ منحط و نظام غرب بوده است. پس زنان مسلمان وظیفه خود دانسته همانند مردان به اصلاح جامعه دست زدند. در آیات سوره توبه آیه ۷۱، خداوند متعال به طور یکسان به مردان و زنان مسلمان توصیه می کند هر دو امر به معروف و نهی از منکر کنند و نماز را بر پا کنند و زکات را بپردازند و از خداوند و رسولش اطاعت کنند. (مرثا نورانی، ۱۳۹۱ش، شماره ۲۰۲۸۷).

حضور زنان مسلمان در اعتراضات نشان می دهد که آنها خواهان رهایی از محدودیت های ماتریالیست غربی بوده و این اعتراضات به خاطر رهایی از دست حاکمان دیکتاتور مآب و وابسته به غرب برگزار شده است. مهمترین مولفه بیداری جهان اسلام و حماسه های زنان مسلمان، باورهای اسلامی و سنتهای جهادی آن است. این حضور مسلمانان و زن مسلمان در صحنه های انقلابی با تاسی از آموزه های اسلام و سنتهای پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) بویژه با تاسی از انقلاب امام حسین (علیه السلام) و حماسه زینب کبری بوده است. بیشتر قیامهای بیداری در جهان عرب محصور در یک فرقه یا مذهب نبود بلکه قیامها در برگیرنده اطیاف مختلف و در کنار هم بوده است گرچه در برخی کشورها متأسفانه سران آن به دنبال فرقه ای جلوه دادن آن هستند. سران دیکتاتور عرب در خاورمیانه و بویژه در بحرین از اینکه حضور شیعیان در عرصه سیاسی و اجتماعی پررنگ تر شود در هراس هستند چرا که اجرای این مسئله واهی بودن پروژه شیعه هراسی آنها و غرب را آشکار می سازد. کشورهای غربی نیز به صراحت از این تفکر سران عرب حمایت می کنند چنان

که مقامات آمریکا نیز بارها از افزایش حضور شیعیان بحرین در امور سیاسی ابراز نارضایتی کرده‌اند. (مهدی مهریزی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۸).

همچنین استبداد، نابرابری و توزیع نا عادلانه ثروت یکی از مولفه‌های دیگری است که منجر به جوش و خروش ملت‌های اسلامی است. پدیده بیداری اسلامی چنان غیر منتظره و سریع پیش رفت که افزون بر حکمرانان مستبد این کشورها، دیگر بازیگران نظام بین الملل را نیز در شوک فرو برد. این حرکت که نخستین بار از تونس آغاز شد دومینو وار به دیگر کشورهای منطقه نیز سرایت کرد و به سرعت مصر، یمن، لیبی، اردن، عربستان، سوریه، کویت، مغرب و دیگر کشورهای عربی - اسلامی را در بر گرفت. این سونامی در نخستین گام، «زین العابدین بن علی» حاکم مستبد تونس را از قدرت ساقط کرد و در مرحله ی بعد با سقوط «حسنی مبارک»، مردم مصر نیز پیروزی انقلاب خود را جشن گرفتند.

باید گفت مهمترین امتیاز انقلاب امام خمینی (رحمه الله علیه) این بود که جهان اسلام و حتی کل جهان را متوجه این مسئله نمود که می توان وضعیت موجود را تغییر داد و بر علیه مستبدان قیام و آنها را ساقط کرد. در واقع توانائی تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع بهتر (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) به درستی که خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند. (رعد ۱۲).

رسانه های غربی دلیل وقوع قیام های مردمی در تونس و مصر را عوامل اقتصادی معرفی می کنند اما آیا در بحرین به عنوان یکی از مرفه ترین کشورهای جهان نیز مسایل اقتصادی مردم را به خیابان ها کشاند یا حقیقت متفاوت از چیزی است که تبلیغ می شود. گرچه در دیگر کشورها نیز بر خلاف تبلیغ رسانه های غربی عامل اصلی انقلاب ها فراتر از مسایل اقتصادی است اما به نظر می رسد در بحرین این قیام در واکنش به ظلم، تبعیض و بی عدالتی دیرینه ای بود که در طول سال ها حکام آل خلیفه بر مردم این کشور به ویژه شیعیان روا داشته بودند. (مرثا نورانی، ۱۳۹۱ش، شماره ۲۰۲۸۷).

۳. تأسیس جمعیت‌ها و تشکلهای زنان

تشکیل جمعیت‌ها و اتحادیه، احزاب و سازمان‌های اسلامی زنان در کشورهای اسلامی نمادی دیگر تمدن اسلامی است؛ گرچه از نظر ساختار پدیده‌ای جدید به شمار می‌آید اما از نظر نهادی به قدمت تاریخ اسلام است. جلسات مذهبی خانگی، مکتب خانه‌ها، مجالس حزن و سرور یاد نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) و اهل بیت او (علیهم السلام) در واقع مراکز تجمع همراه با انسی برای زنان بودند که در مکتب سیاسی شیعه نمود بیشتری دارد. مادران شیعه تنها در این مجالس به ویژه سوگواری سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین (علیه السلام)، فاطمیه و ... توانسته‌اند درس مبارزه و شهادت را به پسرانشان بدهند و بزرگ مردانی چون امام خمینی (رحمه الله علیه) را به جامعه اسلامی حاضر تقدیم کنند. تشکلهای با ساختار جدید در ایران و در سایر کشورها نیز مشهود است از جمله عراق، حجاز و نجد، بحرین، یمن، اندونزی و ... برای مثال سازمان اسلامی فاطیما در اندونزی، یایاسن، با هدف گسترش

تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان امت اسلامی تأسیس شد و توسط دانشجویان رهبری می‌شود و تاکنون آثار فرهنگی‌ای چون: شرح ادعیه‌ی اهل بیت (علیه السلام)، ارائه خدمات آموزشی، کتابخانه‌ای و ... در این خصوص ارائه کرده است. (نقش زنان در بیداری اسلامی ۲، فصلنامه بیداری اسلامی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران، ۱۳۷۵).

نتیجه گیری

امروز و در این مقطع تاریخی رسالت شناسی زنان و شناخت مسئولیت‌ها و حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان مسلمان جایگاه ویژه‌ای یافته است. دیدگاه مقام معظم رهبری به زن و جایگاه و نقش زنان در توسعه ابعاد مختلف جوامع اسلامی به ویژه بعد فرهنگی و معنوی جامعه، نگاهی است جامع که علاوه بر ارزش های الهی، منطق انسانی نیز در آن لحاظ شده است. ایشان نقش زنان را در تکامل و توسعه معنوی و فرهنگی جامعه، نه تنها کمتر از مردان نمی‌دانند، بلکه معتقدند نقش زنان حساس تر، ظریف تر، ماندگارتر و موثرتر نیز می باشد. بر اساس بیانات مقام معظم رهبری که مبتنی بر آموزه های اسلامی است، زنان مسلمان می توانند با حفظ شئون اسلامی و در کنار وظایف و تکالیفی که نسبت به نهاد خانواده دارند، در عرصه های مختلف اجتماعی و به ویژه فرهنگی، نقشی بی بدیل و تاثیرگذار داشته باشند و جوامع اسلامی را در پیش برد اهداف اسلامی، انسانی، دنیوی و اخروی یاری رسانند.

زن مسلمان امروز پرچمدار حق و عدالت جهانی است و در گام دوم انقلاب با عزمی جزم‌تر مسیر تمدن نوین اسلامی را تا رسیدن به مرزهای مطمئن ظهور، دنبال خواهد کرد. بیداری اسلامی، تمدن نوین اسلامی حیطه اصلی پیشنهادی نقش آفرینی زنان در شکوفایی تمدن اسلامی است.

منابع و مأخذ

* قرآن

* نهج البلاغه

کتاب فارسی

ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲ش.

آگبرن و نیمکف، زمینه جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس امیر حسین آریانپور، چاپ پنجم، تهران: افست و فرانکلین، ۱۳۵۰ش.

بابایی، حبیب‌اله، تمدن و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰ش.

بهبودی، هدایت الله، شرح اسم زندگی نامه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (۱۳۱۸ - ۱۳۵۷)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۱ش.

جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف، ۱۳۸۸ش.

جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.

جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو و پیشرو، چاپ دوم، تهران: انتشارات موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمد تقی جعفری، ۱۳۸۵ش.

-----، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.

زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ش.

زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم، مشاهیر مدفون در حرم رضوی: عالمان دینی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.

شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران: الاسلامیه، ۱۳۵۴ش.

عمرانی، اسعد، مالک بن نبی اندیشمند مصلح، ترجمه صادق آیینه‌وند، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.

قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ هشتم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ش.

کاظم مکی، محمد، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت، ۱۳۸۳ش.

مدیریت حوزه علمیه قم، درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم: انتشارات مرکز حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش.

مصباح یزدی، محمدتقی، مشکات هدایت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۹ش.

-----، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱ش.

معلوف، لوئیس، المنجد، ترجمه محمد بندرریگی، تهران: ایران، ۱۳۸۴ش.

معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۸۶ش.

مهریزی، مهدی، زن در اندیشه اسلامی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ش.

وثوقی، منصور و همکاران، مبانی جامعه شناسی، تهران: بهینه، ۱۳۷۸ش.

ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰ش.

ویل، دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همکاران، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵ش.

هنری، لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبد الحسین آذرنگ، تهران: کیهان، ۱۳۶۶ش.

کتاب عربی

ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: نشر دار الصار، ۱۴۱۴ق.

البعلبکی، منیر، موسوعه المورد، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م.

زمخشری، محمدبن عمر، اساس البلاغه، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ق.

مقاله ها

اخوان کاظمی، بهرام، «راهبردهای اعتلای تمدن و فرهنگ اسلامی و تضمین امنیت فرهنگی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار ۱۳۷۸ش، شماره ۳.

اکبری، مرتضی، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۴ش، دوره ۳، ش ۵.

نورانی، مرثا، جایگاه و نقش زنان در بیداری و تمدن اسلامی، روزنامه کیهان، ۱۳۹۱ش، شماره ۲۰۲۸۷.

مقام معظم رهبری، «درآمدی بر فرهنگ و مهندسی فرهنگی»، مهندسی فرهنگی، ش ۱.

مقاله جوانان شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند/در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۱۳۷۴ش، کد خبر ۹۷۱۱۲۴۱۲۵۸۱.

نقش زنان در بیداری اسلامی ۲، فصلنامه بیداری اسلامی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، تهران، ۱۳۷۵.

نقش زنان در تحقق اهداف گام دوم انقلاب، جوان آنلاین، ۱۳۹۸ش، کد خبر ۹۸۱۸۴۹.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، ش ب ۱۲۳۲

نبوی، مرتضی و ملایری، محمد حسین، جوامع تمدن ساز، پویایی و میرایی تمدنها، مجلس و پژوهش، سال دوم، ش ۷، فروردین ۱۳۷۳ش.

چیستی اقتصاد مقاومتی و سیاست های آن با دیدگاه مقام معظم رهبری

زهرا زینلیان

چکیده

با تعمق در تعالیم دین اسلام در حوزه های مختلف اقتصادی اعم از تولید، توزیع و مصرف هم چنین با بررسی جایگاه دانش و کار در پرتو آن آموزه ها می توان نقش برجسته آن باورها را در توسعه همه جانبه به ویژه اقتصاد به وضوح دید. اقتصادی است که در آن افراد جامعه در سطح اجتماعی، انسانی اقتصاد مدار بوده و با نحوه صحیح تدبیر معیشت و اثر گذاری آن در همه حوزه ها آشنا باشند. برای دست یابی به این نوع اقتصاد که اهداف بازسازی اقتصاد ملی را دنبال می کند. به گونه ای که جامعه در مسیری قرار گیرد که به دو اصل توانستن و مقاومت در برابر فشار برسد و شکل جدیدی از اقتصاد و تولید ملی را سامان دهد که ضمن برآورده کردن همه نیازهای اساسی جامعه، در برابر هرگونه فشار سلطه گران و مستکبران مقاومت و از استقلال و خود کفایی بهره مند گردد و در مسیر رشد و شکوفایی قدم بردارد. اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن ها و در شرایط آرمانی تلاش برای تبدیل این فشارها به فرصت است. در واقع در راستای کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش بر خود اتکایی است. مقام معظم رهبری با آگاهی کامل از جنگ اقتصادی دشمن و اهداف آن ها از تشدید فشارها و تحریم ها علیه ایرا همواره تلاش کردند، به ارائه برنامه ها و الگوهای مناسب جهت مقابله با این فشارها بپردازند.

کلید واژه: اقتصاد مقاومتی، تولید، خود اتکایی، سرمایه، منابع

مقدمه

امروزه در فضای جهانی، دیگر جنگ های مستقیم برای درهم شکستن یک کشور کمتر استفاده می شود و به طور کلی برای متلاشی کردن آن کشور از جنگ نرم استفاده می شود تا کشور در طول زمان، از درون سست و نهایتاً متلاشی شود. یکی از بهترین ابزارهایی که می توان در جنگ نرم استفاده کرد موضوعات اقتصادی است. از آن جا که ارتباطات بین کشور ها در موضوعات گوناگون انجام می شود، به راحتی می توان یک کشور را در موضوعات اقتصادی تحت فشار قرار داد عمده این فشارها به شکل تحریم های اقتصادی است و اهداف دشمن سست کردن اعتقاد و پایبندی مردم کشور است این جاست که باید مدیریت قوی وجود داشته باشد در زمینه اقتصاد بتواند مردم را هدایت کرده و راه را نشان دهد تا در زمینه اقتصاد مقاومت را پیش گرفته و در این زمینه نیز قوی شوند که راه شکست را بسته باشند. (قربان خانی، ۱۳۹۶، ص ۷)

۱- مفهوم شناسی

اقتصاد در لغت از کلمه قصد به معنای میانه روی گرفته شده است. علم اقتصاد یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت های مربوط به دخل و خرج، چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یک دیگر و اصول و قوانینی مطالعه می کند که بر امور مذکور حاکم است. چون میان اقتصاد اسلامی و اعتدال، ارتباط وجود دارد موجب شده است تا عنوان اقتصاد برای آن به کار گرفته شود. (جبران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۲۷)

مقاومت در لغت به معنای ایستادگی، برابری، مقابلی، پافشاری، ایستادگی، استقامت، پایداری. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۱۳۰۲)

اقتصاد مقاومتی در اصطلاح از منظر رهبر فرزانه انقلاب، به معنای اقتصاد خود کفا، مولد، مستقل و شکوفایی است که در برابر همه فشارها بتواند مقاومت کند و ستون های جامعه را به استواری محافظت نماید. (اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰)

اقتصاد مقاومتی اصطلاح؛ اقتصاد مقاومتی را نخستین بار مقام معظم رهبری در شهریور ۱۳۸۹ در دیدار با کارآفرینان مطرح نمودند و دلایل آن را «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» برشمردند. اقتصاد مقاومتی چتری است مقاومتی در حوزه فشارهای اقتصادی که در این رویکرد قدرت چانه زنی کشور را در فضای سیاسی بین المللی تقویت می کند بی آن که کشور مجبور شود به دلایل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیک خود در فضای سیاسی دست بردارد. ماهیت آن مردمی و مردم نهاد است. زیرا بر پایه و اساس سبک و الگوی زندگی ایرانی اسلامی سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است. (خانی ابیانه ای، ۱۳۹۶، ص ۷)

اقتصاد یک نقطه ی کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه ی قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ی ضعف و زمینه ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله ای است که بدون آن نمیتوان به هدف ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و با کیفیت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف های مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه بندی معیوب و نا متوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

۲- رابطه دین و اقتصاد

قرآن کریم اصلاح امور اقتصادی جامعه را در کنار دعوت به توحید، از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران معرفی می‌کند، چنان که تلاش حضرت شعیب (ع) را برای اصلاح امور اقتصادی یاد می‌آورد که به قومش می‌فرمود: «ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما جز او معبودی نیست، و پیمان‌ها و ترازو را کم مکنید». (هود، آیه ۸۴)

قرآن کریم دخالت مستقیم برخی پیامبران در برنامه ریزی و اصلاح امور اقتصادی جامعه را بیان داشته و در خود، آیات فراوانی را گنجانده که درباره اهمیت و اصلاح امور اقتصادی نازل شده است. (یوسف، آیات ۴۹-۴۷) (بقره، آیه ۱۸۸)

در اسلام از یک سو رفتارهای اقتصادی مشروع به عنوان عبادت تلقی شده است و از سوی دیگر انجام وظایف دینی و عبادات به طور مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به امور اقتصادی بوده و گاه آمیختگی و پیوند معناداری با فعالیت‌های اقتصادی دارد که خود بیانگر پیوند ناگسستنی دین و اقتصاد و تاثیر متقابل آن دو بر

یک دیگر است. بی گمان از دیدگاه اسلام، اقتصاد و رفتارهای اقتصادی به طور کامل، تحت تاثیر باورهای دینی و ارزشی است و به طور کلی تمام برنامه ها و رفتارهای اقتصادی بایستی با اهداف دینی انجام گیرد. (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۴۹)

لذا قرآن کریم بر فلسفه اخلاقی و دینی رفتارهای اقتصادی تاکید می ورزد، چنان که درباره زکات و انفاق، می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ...» از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن، پاک و پاکیزه شان سازی». (توبه، آیه ۱۰۳)

کار و تولید در اسلام ارزش ذاتی دارد، به این معنی که فقط مقدمه سود آوری و درآمد و یا ضرورتی برای جلوگیری از فقر نیست؛ بلکه کار کردن، خود مطلوب است. زیرا کار، افزون بر آثار مثبت اقتصادی در زمینه های روحی و اخلاقی، نشاط زندگی و شخصیت اجتماعی نیز تاثیر مثبتی می نهد. از این رو انسان در عین توانگری و بی نیازی، موظف به فعالیت اقتصادی است، هم چنان که در سیره معصومان (ع) نیز کار و تلاش به دلیل ارزش ذاتی آن و به دون نیاز به درآمدش، به تمام معنا نمود دارد. فعالیت های تولیدی در سیره اولیاء دین، بسیار گسترده است اشتغال به کار و تولید در سیره پیامبر اسلام و امامان معصوم نیز نمایان است. امیر مومنان (ع) آن گاه که از امر جهاد، آموزش مردم و قضاوت، آسوده می گشت؛ به طور گسترده به کشاورزی؛ باغداری و کندن قنوات می پرداخت به طوری که جامعه اسلامی سالیان متمادی از ثمرات آن بهره می برد. (ایروانی، ۱۳۸۴، ش ۱، ص ۷۳)

بنابراین، تاثیر دین و اقتصاد بر یک دیگر دو سویه است؛ همان گونه که دین و اخلاق دینی بر سالم سازی اقتصاد تاثیر دارد، رفتارهای اقتصادی مطلوب اسلام نیز در تقویت باورهای دینی و پاک سازی روحی و اخلاقی، نقش بسزایی عهده دار است. (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۸، ش ۱، ج ۶، ص ۲۴۹)

۲-۱- اخلاق اقتصادی

تاثیر باورهای دینی بر اخلاق اقتصادی از مقوله های مهمی است که شناخت نقش آن در اقتصاد و شاخه های آن در جوامع مختلف نظر اندیشمندان ادیان جهانی خصوصاً اسلام را بیش از پیش جلب نموده است همچنان که براساس تفکر ماکس وبر، مناسبات میان خلیات پروتستانی و سرمایه داری در مجموع بیانگر تعامل مثبت سلوک دینی و رفتارهای اقتصادی مومنان یعنی عقلانی کردن مدیریت اقتصادی ایشان است. (وبر، ۱۳۷۱، ش ۱، ص ۱۳۶)

نتیجه را می توان در رشد سریع سرمایه داری در مغرب زمین و انباشت بی وقفه سرمایه داری دید، این جو مساعد را می توان در انگیزه های عملی و پیوستگی های روان شناختی منبعث از آموزه های دین اسلام که به طور خاص در حوزه اقتصاد به ایفای نقش می پردازد بررسی نمود.

یکی از فاکتورهای مهم در توسعه اقتصادی، بالا رفتن سطح رفاه جامعه، همراه با افزایش توان تولید و پیشرفت تکنولوژی می باشد. برای دستیابی به این امر می بایست روش های تولید بهبود یابد و کارایی آن نیز بیشتر گردد؛ یعنی با پیشرفت های علمی و صنعتی بهترین و کم هزینه ترین روش ها کشف گردد تا تولید کالا و خدمات با کارایی بالا امکان پذیر گشته و توان تولیدی جامعه افزایش یابد. رسیدن به این هدف تنها در صورت حاکم بودن روحیه و نگرش علمی در جامعه میسر می گردد. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۷۱)

دستیابی به اقتصاد مقاومتی نیازمند بستر سازی و ایجاد شرایط و زمینه هایی است که اگر تحقق نیابد نمی توان امید داشت که اقتصاد مقاومتی در جامعه شکل گیرد. از مهم ترین عواملی که اقتصاد مقاومتی بر بنیاد آن شکل می گیرد، بینش و نگرشی است که به عنوان موتور محرکه فعالیت های انسانی مطرح است. (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۲۴۹)

فلسفه زندگی که انسان، بر اساس شناخت و معرفت نسبت به خود و هستی پیدا می کند، سبک زندگی او را تحت تاثیر قرار می دهد. همان گونه که بینش مادی موجب می شود تا انسان ها همه طرفیت خود را به جنبه های مادی اختصاص دهند و به چیزی به نام آخرت باور نداشته و کاری برای آن بخش اجماع ندهد. بینش هاف نگرش ها و باورهای انسانی سبک زندگی و نیز جهت حتی میزان تحرکات بشر را تعیین می کند. بنابراین، دستیابی به اقتصاد مقاومتی رسیدن به باور، وجود توانایی در خود در برابر تحرکات دشمن سلطه گر است. اگر جامعه های باور نداشته باشد که می تواند به خود متکی باشد؛ نمی تواند تحرکاتی برای خود کفایی و استقلال اقتصادی داشته باشد. هم چنین اگر باور نداشته باشد که دشمن سلطه گر قصد نابودی آن را دارد، هرگز اقتصاد مقاومتی شکل نخواهد گرفت. پس، می بایست جامعه به این باور برسد که می تواند و دشمنی دارد که می کوشد تا این توان را از وی سلب کند و او را وابسته به خود سازد و استقلال او را مخدوش سازد. در این صورت است که اقتصاد مقاومتی شکل می گیرد. به عبارت دیگر می توان دو عنصر فکری و فرهنگی را در تحقق اقتصاد مقاومتی داخل شمرد که عبارت است از: خود باوری و فشارهای دشمنان. (اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰-۱۳۱)

هنگامی که آدمی در مسیر رشد عقلانی خود به ضرورت برنامه ریزی در زندگی خویش پی بُرد، آن را در نظام های اجتماعی به عنوان ابزاری در خدمت مدیریت و رهبری، مورد توجه قرار داد. امروزه همان گونه که پیداست ساختار وجودی سازمان ها پیچیده شده اند به گونه ای که بدون برنامه ریزی های دقیق نمی توانند به حیات خود تداوم بخشند. برای دست یافتن به هدف مورد نظر، باید پیش از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش های ذهنی یا برنامه ریزی کافی صورت گیرد. از این رو، نقش برنامه ریزی صحیح و تاثیر آن در رونق و پیشرفت امور جامعه بسیار مهم است؛ و پیداست که برنامه ریزی اقتصادی نیز از ضروری ترین کارها برای دستیابی به پیشرفت است.

امام علی (ع) می فرماید: «لَا فَقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ؛ با تدبیر و برنامه ریزی خوب، دیگر فقری نخواهد ماند».
(تمیمی آمدی، ج ۲، ص ۳۷۰)

هم چنین بر اساس آیات قرآن کریم، هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند و با اراده او محقق می شود و اوست که اراده اش در ایجاد تغییر و تحول، یا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه، نقش مستقیم ایفا می کنند. البته علت تامه تغییر، خدا است؛ اما مقدمات و زمینه سازی ایجاد آن، در اختیار انسان است. در مشهورترین آیه در این زمینه که از غرر آیات الهی است، تغییر سرنوشت یک ملت را، وابسته به عمل آن ها و منتسب به ذات مقدس خویش می داند و تصریح می کند: «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...؛ درحقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند».(رعد، آیه ۱۱)

به این دلیل که اقتصاد مقاومتی به جامعه اسلامی کمک می کند تا ضمن تأمین یکی از مهم ترین مولفه های جامعه یعنی آسایش و اقتصاد، اجازه دهد تا دشمن از نقطه ضعف جامعه استفاده کرده و باتیرهای زهرآگین تحریم و فشار، جامعه را فلج کند؛ زیرا اقتصاد مقاومتی جامعه را چنان حفظ می نماید که این نقطه ضعف به یک قطعه تحرک و پرش برای جامعه مطرح شده و جامعه اسلامی را به عنوان یک الگوی برتر به جهانیان معرفی نماید. چون اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصادی است که بر منابع انسانی، مالی، مادی داخلی جامعه تکیه کرده و با عناصری از خلاقیت، باور و اعتماد، همه نیازهای خود را تولید و تأمین می کند و مستقل و خود کفا از دیگران به راه رشد شکوفایی خود ادامه می دهد، و این امکان را به جامعه اسلامی می دهد تا همه فشارهای سلطه گران و مستکبران را تحمل کرده و آن ها را پس زند.(اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۳)

یک وقت مغزهای فعال و متفکری وجود ندارند در کشور، انسان یک جور برای مسائل کشور برنامه ریزی می کند؛ اما یک وقت نه، هزاران نیروی جوان، بانشاط، نخبه، دارای افکار بلند و البته یقیناً دربین این ها تعدادی هم دارای قدرت مدیریت هستند چون فکر بلند همیشه ملازم نیست با قدرت مدیریت و با توجه به این ها انسان می خواهد برای کشور برنامه ریزی کند. پس نگاه به نخبگان، دراین جهت هم مورد اهتمام قرار می گیرد و نکته اساسی است؛ تأثیر نخبگان در برنامه ریزی برای مسائل کشور. حتی مثلاً فرض بفرمایید تبدیل اقتصاد نفتی به اقتصاد مستقل، اقتصاد دانش پایه، اقتصاد مقاومتی. اگر ما عناصر نخبه و فعال و دلسوز و بانشاط نداشته باشیم، اقدام نمیکنیم برای اینکه اقتصادمان را تغییر بدهیم؛ اما وقتی آدم های حسابی، پابه کار، علاقه مند، دراختیار نظام تصمیم گیری کشور هست، طبعاً اقدام می کند دیگر.(امام خامنه ای، ۱۳۹۷/۰۷/۲۵)

دشمن ما اتاق جنگ را برده است در وزارت خزانه داری؛ اتاق جنگ علیه ما به جای وزارت دفاع، وزارت خزانه داری آن ها است، به شکل فعال هم مشغولند. قبلاً هم همین جور بود؛ سال ۹۰ و ۹۱ هم که آن تحریم ها را شروع کردند به خیال خودشان تحریم های فلج کننده که به کوری چشم آن ها نتوانست جمهوری اسلامی را فلج کند فعال بودند؛ حتی وزیر آمریکایی میرفت با یکایک رؤسای بانک های مختلف در کشورهای مختلف تماس می گرفت؛ یعنی این جور فعال بودند؛ شب و روز مشغول بودند. من عرض می کنم اینجا هم بایست ستاد مقابله با

شرارت این دشمن در مجموعه اقتصادی تشکیل بشود؛ وزارت خارجه باید پشتیبانی کند، باید به صورت همراه کمک کند لکن بایست در مرکز اقتصادی دولت این ستاد تشکیل بشود و این کار را دنبال کنند. البته اقتصاد مقاومتی علاج همه‌ی این‌ها است که باید با جدّیت دنبال بشود؛ ولی امروز با توجّه به کارهایی که دشمن دارد می‌کند، ممکن است یک بخش‌های خاصّی از اقتصاد مقاومتی اولویّت پیدا بکند که آن‌ها را بایستی دنبال بکنند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲)

۴- معیارهای اساسی در اقتصاد مقاومتی

اقتصادی، مقاوم و مقتدر است که پایه اصلی آن بر امکانات و توانایی‌های داخلی و انگیزه‌های الهی و معنوی نهاده شده باشد.

۴-۱- اصل مالکیت خداوند

درپیش اسلام، خداوند مالک حقیقی جهان هستی است و انسان، جانشین خدا در زمین به شمار می‌آید. بنابراین ثروت‌ها، امکانات و منابع زیر زمینی، در حقیقت ملک و دارایی آدمی نیست و تنها به رسم امانت و برای استفاده او، به دستش سپرده شده است این اندیشه، نقش موثری بر توزیع عادلانه ثروت دارد چرا که از یک سو آزادی بی حد و مرز در مالکیت خصوصی را که منشاء نابرابری است، رد می‌کند و از سوی دیگر انسان‌ها را از نظر روحی و اخلاقی چنان تربیت می‌کند که ثروت‌ها و امکانات بیشتر از نیاز خود را به آسانی به نیازمندان می‌دهند طبق آیه‌ای از قرآن کریم که فرمود: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلْكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ...»؛ و از آن چه شما را جانشین و نماینده خود در آن قرار داده انفاق کنید». (حدید، آیه ۷) (حسینی شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۹)

۴-۲- اصل عدالت

عدالت اقتصادی، از مهم‌ترین اصول و والا ترین اهداف اسلام است. تبیین تحقق عدالت در توزیع ثروت و اقتصاد، که اسلام بر آن تاکید فراوان دارد به این معنا است: نفی افراط و تفریط مالی و از میان برداشتن فقر و تکاثر و برخورداری همه مردم از همه امکانات مادی، به گونه‌ای که رفاه و آسایش ویژه اقلیتی ثروتمند نباشد، چنان که قرآن کریم هنگام سفارش به استفاده از نعمت‌ها همگان را مخاطب قرار می‌دهد و ثروت‌ها و منابع را در خدمت تمام انسان‌ها می‌داند. «... فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ...» پس خارج کرد از آسمان و زمین میوه‌هایی را تا روزی شما باشد». (بقره، آیه ۲۲)

۴-۳- اصل مشارکت

زندگی اقتصادی انسان ها با داشتن فرصت های برابر برای مشارکت در فرایند اقتصادی ساخته می شود. چنین فرصت هایی هنگامی می توانند بربر باشند که امکان کار شرافت مندانه و دسترسی به مالکیت شخصی نسبت به دارایی های مولد فراهم شود. تا به عنوان یک کارگر و با انجام کار، یا به عنوان یک مالک و از طریق سرمایه مولد و یا به عنوان کسی که کار و سرمایه را ترکیب می کند درآمدی داشته باشد.

در واقع، اصل مشارکت بر اساس نظریه شهید صدر(ره) درباره توزیع ثروت پیش از تولید برگرفته شده است. براساس نظریه توزیع ثروت پس از تولید، اصل بر همگانی و عمومی بودن ثروت هاست. در این چارچوب، حق تصرف و بهره برداری فردی از این منابع تابع سه متغیر: کار اقتصادی مفید و تولیدی، ایجاد صورت تازه از طبیعت و محدودیت امکان بهره برداری است که هر سه مورد به عنوان سه ضلع مهم و اساسی برای اقتصاد مقاومتی محسوب می شوند.(جهانیان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹)

۴-۴- اصل توزیع

تبلور آموزه های دینی در توزیع عادلانه ثروت، برپایه سلسله اصولی اعتقادی و زیر ساخت های معرفتی استوار است که باید به آن توجه کرد.

این اصل می گوید افراد باید از نظام اقتصادی، آن چه را که در آن سرمایه گذاری کرده اند دریافت کنند (ازطریق کار یا مالکیت سرمایه و یا ترکیبی از کار و سرمایه). این اصل متضمن احترام به کار مالکیت و قراردادهای در یک بازار آزاد و باز است. از طریق ویژگی های توزیعی مالکیت خصوصی درون بازار آزاد و باز، عدالت توزیعی به گونه ای خود کار با عدالت مشارکتی پیوند می خورد و منشأ درآمد های سهم واقعی هر عامل خواهد بود. (جهانیان، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰)

۴-۵- اصل هماهنگی

این اصل توسط موانع ناعادلانه برای مشارکت، انحصارات، یا با به کارگیری مالکیت برای صدمه زدن یا استثمار دیگران نقض می شود. هماهنگی ضد طمع و حرص است؛ زیرا طمع و حرص سبب محرومیت و استثمار دیگران می شود. این اصل هم چنین با غارت زیست محیطی نقض می شود؛ زیرا چنین غارت هایی در نهایت به همه چیز صدمه می زند. هم چنین نهاد هایی نامشروع هم چون اسراف، رشوه، رواء و انواع دیگر فساد های مالی با این اصل در تضاد اند.(همان، ص ۱۴۱)

عدالت اجتماعی متضمن نظم فردی و اجتماعی درحوزه اقتصاد است و اصول اخلاقی را به انسان عطاء می کند، تا در ساز و کارها و نهادهای اقتصادی تجلی یابد. این ساز و کارها و نهادها تعیین می کنند که چگونه

شخص بر زندگی، کسب و کار را انجام و وارد قراردادها شود، با دیگران کالاها و خدمات را مبادله کند و علاوه بر این، بنیاد مادی مستقلی را برای معیشت اقتصادی خود ایجاد کند.

۵- ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی

۵-۱- کارآفرینی

ساختار اقتصاد دنیای امروز با گذشته، متفاوت است. توسعه اقتصادی امروز، برپایه نوع آوری و خلاقیت و استفاده از دانش استوار است. این اقتصاد را اقتصاد مبتنی بر دانش می گویند. کشورهایی که بخش قابل ملاحظه ای از تولید علم و دانش را به خود اختصاص داده اند در واقع از نظر صنعتی توسعه و از توان اقتصادی و سیاسی بالایی برخوردارند. رابطه سرمایه گذاری در امر تحقیقات و تولید علم با توان اقتصادی کشورها یک رابطه مستقیم است. بنابراین لازمه رشد اقتصادی در دنیای امروز، توسعه مرکز های تولید دانش، فناوری و مهارت های فنی است. لذا بزرگترین سرمایه یک بنگاه اقتصادی نیروی انسانی خلاق، یادگیرنده و کارآفرین است. (همان)

برای تحقق اقتصاد مقاومتی، کارآفرین از قدرت ریسک پذیری خود استفاده می کند و به درستی تصمیم می گیرد و کسی که برای تغییر ارزش ها بتواند درست تصمیم بگیرد کارآفرین محسوب می شود. بنابراین کارآفرین کسی است که ایده را به واقعیت تبدیل می کند او خلق می کند و از هیچ، چیز ارزشمندی می سازد و این گام مهمی در پیش برد اقتصاد مقاومتی است.

ایشان با انتقاد مجدد از مشکلات موجود برسر راه ایجاد واحدهای تولیدی، گفتند: گاهی برای فعالیت یک واحد تولیدی باید نه از ۷ خوان بلکه از ۷۰ خوان عبور کرد که مسئولان باید این مشکل جدی را حل کنند و مقررات زائد و موانع تولید را رفع کرد.

رهبر انقلاب در همین زمینه، نگاه ویژه دولت به بنگاههای متوسط و کوچک را خواستار شدند و افزودند: این نگاه ویژه، رکن اصلی در اقتصاد مقاومتی است که همه مسئولان آن را پسندیده‌اند و قول اجرا داده‌اند که البته کارهایی هم شده است. (امام خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۵/۳۰)

۵-۲- حمایت از تولید ملی

تولید فعالیتی است که با به کارگیری و سازماندهی سلسله عوامل و نهادهایی هم چون کار، سرمایه و منابع طبیعی به ایجاد کالا و خدمات وی انجامد. که این محصولات تولید شده اعم از کالا و خدمات می باشد. (مجتبوی نائینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸)

تولید ملی، همه محصولات خدمات و خلاقیت هایی است که حاصل کار دستی و فکری سراسر مردم است که با بهره گیری از توان و امکانات مادی، معنوی و نیروی انسانی پدید می آید تا مردم را از بیگانگان بی نیاز کند و نیز جامعه جهانی را از تولیدات برخوردار سازد. تولید ملی که با حمایت از نیروی کار و سرمایه در کشور رغم خورد، گامی مهم در جهت استقلال اقتصادی است. (توسلی، ۱۳۷۵، ص ۱۰) (اسحاقی، ۱۳۹۱، ص ۲۲)

رشد توان تولیدی یک کشور علاوه بر سرآمدی اقتصادی کشور، نقش به سزایی را در مجامع بین الملل و مصونیت آن در امنیت دارد. اقتصادی که توان تولیدی ضعیف و وابستگی های راهبردی داشته باشد، توان پایداری بر موضع عزت و مستقل خود را نخواهد داشت و می توان گفت که تسلیم فشار و تحریم های دشمن خواهد شد. بنابراین رشد تولید همیشه منوط به استفاده بیشتر از سرمایه، انرژی، نیروی کار و منابع طبیعی نیست بلکه وضعیت بهینه آن است که با استفاده بهرمند از منابع موجود، به حجم بیشتری از تولید دست یافت. (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص ۱۷)

البته حمایت از تولید باید معقول باشد زیرا اگر حمایت های غیر معقول به رقابت نکردن در قیمت، کیفیت تولید کننده بینجامد، موجب از دست رفتن توان رقابت خارجی و زیان جامعه می شود که در بلند مدت به ضرر تولید ملی است. (اسحاقی، ۱۳۹۱، ص ۵۵)

رونق تولید به شرایطی متوقف است که یکی از آن ها کار است. این کار باید جهادی باشد؛ کار فوق العاده باید در کشور انجام بگیرد تا رونق تولید به وجود بیاید؛ اگر رونق تولید به وجود آمد، این خود یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی است. وقتی اقتصاد مقاومتی محقق شد، معنایش این است که جامعه نگران این نخواهد بود که فلان اراذل آمریکایی یا صهیونیستی یا غیره چه تصمیمی درباره نفت ما می گیرد یا درباره اقتصاد ما می گیرد یا مواردی مانند این ها. اینکه من روی رونق تولید و وسیع تر از آن روی اقتصاد مقاومتی تکیه می کنم و روی کالای ایرانی و روی تحرک کاری در کشور تکیه می شود، برای این است. ملت به عزت و استغناء از بیگانگان نیاز دارد. یک ملت در کنار اصلی ترین نیازهای خود، عزت ملی را قرار می دهد. ملت ها راضی نیستند تحت نفوذ و تأثیر تصمیم گیرانی باشند که یا دوست این ملت نیستند یا دشمن این ملتند. (امام خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۲/۰۴)

۵-۳- عرضه و تقاضا

از دیدگاه آموزه های دینی، نرخ سود براساس قانون عرضه و تقاضا و به اندازه هزینه ها و کارهایی است که در تولید و توزیع کالا انجام می شود در واقع سود عادلانه باید جریان داشته باشد که آن سودی است که به هیچ یک از دو طرف معامله زیان و اجحافی نشود چنان که امیر مومنان (ع) می فرماید: «با نرخ هایی که به زیان فروشنده و خریدار نباشد داد و ستد کنید». (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۵۳)

از این رو پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) با درخواست برخی مردم مبنی بر نرخ گذاری کالاها و تعیین قیمتی تحمیلی بر فروشندگان سخت مخالفت می کردند. (طوسی، ۱۳۶۵ش، ج ۷، ص ۱۶۱)

لذا امتناع از نرخ گذاری مربوط به شرایط طبیعی بازار و برای جلوگیری از اجحاف به فروشندگان و اخلاف در روند عرضه و تقاضا است. (ایروانی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۰۴)

اگر در بازار هزار قرص نان و هزار انسان گرسنه وجود داشته باشد، در این صورت هر چیز قیمت معمولی اش را خواهد داشت. ولی اگر عرضه نان کم شد و تقاضا کنندگان زیاد در این صورت تقاضا بیش از عرضه خواهد بود، و قیمت ها افزایش می یابد. اگر بعکس تقاضا کم شد و عرضه زیاد مثل این که هزار تقاضا کننده و دو هزار نان باشد، اینجا عرضه بیش از تقاضا شده و قیمت ها کاهش خواهد یافت. بنابراین با اختلاف عرضه و تقاضا امور اقتصادی هم در نوسان قرار می گیرد، مثلاً عرضه و تقاضا زیاد شد مردم به محصولات و کالاهای تولید شده رو می کنند، و چون تولید زیاد شد تقاضا کم می شود، و به علت عرضه زیاد قیمت ها کاهش می یابد. ولی اگر تقاضا کم و عرضه زیاد شد مردم دست به تولید کمتری می زنند و چون تولید کم شد تقاضا زیاد می شود و به علت کمی عرضه نرخ ها افزایش می یابد. (حسینی شیرازی، ۱۳۷۳، ص ۳۹)

۵-۴- توجه به اولویت ها

فعالیت های تولیدی را از یک زاویه می توان به دو دسته تقسیم نمود: اول، فعالیت هایی است که برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز افراد جامعه انجام می گیرد و بدون آن، نظام اجتماعی و زندگی مردم مختل می گردد. دوم، کارهایی است که برای ایجاد رفاه بیشتر یا تولید کالاهای تجملاتی انجام می پذیرد. تردیدی نیست که تولیدات اولیه، به ویژه تولیداتی که برای رفع نیازهای اولیه و اساسی است، در اولویت قرار می گیرد. تا زمانی که اقتصاد جامعه توان رفع چنین نیازهایی را نداشته باشد شایسته نیست سرمایه ها و نیروی کار، در راه تولید کالاهایی تجملاتی به کار رود که بیشتر مورد استفاده اقلیتی ثروتمند است و توده های مردم از آن بهره ای ندارند. ضرورت توجه به تمام نیازمندی ها و پرهیز از یک سو نگرانی را یادآور می شود. بنابراین رها کردن بخشی از صنایع و تولیدات مورد نیاز و پرداختن به بخش خاص، روا نخواهد بود. (قرضاوی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۹)

در نتیجه از دیدگاه قرآن کریم معیار اولویت دادن در عرصه تولید، منافع عمومی جامعه است نه مصلحت درصد کمی از ثروتمندان. پس در حالی که تولید کنندگان در اقتصاد سرمایه داری، بدون در نظر داشتن نیازهای واقعی جامعه تنها به دنبال تولید کالاهایی با سود بیشتر اند، تولید کننده مسلمان بیش از هر چیز به نیاز ها و مصالح جامعه می اندیشد تا در کنار درآمد مادی رضایت الهی و سعادت ابدی را نیز بدست آورد.

نتیجه گیری

اقتصاد در سه محور اصلی تولید، توزیع، و مصرف شکل می گیرد. اصلاح هر یک از این سه مرحله به معنای اصلاح اقتصاد و در نتیجه اصلاح جامعه است. زیرا قوام جامعه به اقتصاد است و سلامت و اصلاح تجارت، داد و ستد و توزیع به معنای اصلاح اقتصاد جامعه خواهد بود. همان طور که اقتصاد آن قدر مسئله مهمی بوده است که دین اسلام از آن غافل نبوده و مورد بحث واقع شده است. کار و اقتصاد از مهم ترین ارکان جامعه محسوب می شوند. اقتصاد مقاومتی جایی است که دشمن در آن حیطه مشغول به دشمنی و تحریم و جنگ نرم علیه کشور باشد. جامعه و افراد آن با شناخت معیارهای اقتصاد مقاومتی که اصل هماهنگی مشارکت و عدالت می باشد می توانند به ارکان آن دست یابند و از طریق کار آفرینی و تولید و تعامل عرضه و تقاضا به مرحله ای دست یابند. در دوران اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید ملی و داخلی یک ضرورت جدی است. از یک سو باید فعالیت های تولیدی و بازرگانی و حتی نظام پولی و مالی کشور با نیاز های ناشی از اجرای اقتصاد مقاومتی و پیامدهای آن هماهنگ و هم خوان گردد و از سوی دیگر باید اقتصاد کشور را متکی به توانمندی ها و ظرفیت های داخلی نمود که البته با توجه به علم و دانش اقتصادی محور، کشور به خود کفایی و خود اتکائی دست می یابد.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف : کتب فارسی

- ۱- اسحاقی، سید حسین، ساز و کار های تولید ملی، چاپ اول، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۱.
- ۲- اسحاقی، سید حسین، نقش فرهنگ در مقاوم سازی اقتصاد، چاپ اول، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۳.
- ۳- ایروانی، جواد، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ش.
- ۴- توسلی، غلام عباس، جامع شناسی کار و شغل، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
- ۵- جبران، مسعود، الراعد، فرهنگ الفبایی، ج ۱، چاپ دوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
- ۶- جهانیان، ناصر، فصل نامه علمی تخصصی انتظار موعود (عجل الله)، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۸۳.
- ۷- حسینی شیرازی، محمد، الفبای اقتصاد اسلامی، ترجمه حسین شاهرودی، بی جا، بی نا، ۱۳۷۳.
- ۸- حکیمی و دیگران، محمد رضا، الحیات، چاپ اول، تهران، مکتب نشر الثقافه الاسلامیه، ج ۶، ۱۳۶۸ ش.
- ۹- خلیلیان اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی، توسعه اقتصادی، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱- قرضاوی، یوسف، دور القيم و الاخلاق فی الاقتصاد اسلامی، چاپ اول، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۲- کوزنتس، سیمون، مترجم قره باغیان، مرتضی، رشد نوین اقتصادی، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۷۲.
- ۱۳- مجتبی نائینی، سید مهدی، فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی، چاپ اول، تهران، موسسه کار و تامین اجتماعی، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۴- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۱ ش.

ب : کتب عربی

۱۵- آمدی تمیمی، عبد الواحد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ ق .

۱۶- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۷، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش .

ج : مقاله

۱۷- خانی ابیانه ای، زهره، مقاله، پانزدهمین جشنواره بانوی کرامت، ۱۳۹۶.

۱۸- قربان خانی، سمیرا، مهندسی فرهنگ اقتصاد مقاومتی در تحقق جامعه مهدوی، بی جا، نشر پانزدهمین جشنواره بانوی کرامت، ۱۳۹۶.

د : سایت

۱۹- بیانات امام خامنه ای، ۲۵/۰۷/۱۳۹۷ - ۰۲/۰۳/۱۳۹۷ - ۳۰/۰۵/۱۳۹۸ - ۰۴/۰۲/۱۳۹۸ - ۲۲/۱۱/۱۳۹۷ -

. www.imam-khameini.ir



مدرسه علمیه معصومیه (س) شیراز
سال نشر: ۱۴۰۰، دوره ۲، شماره ۳